

ترجمه نظر مشورتی ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «پیامدهای حقوقی ناشی از سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین، شامل بیت‌المقدس شرقی»

برگردان:

مهشید آجلی لاهیجی *

مهناز رشیدی **

امیر درون‌پرور ***

کیوان اقبالی ****

اشاره

نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری با موضوع پیامدهای حقوقی ناشی از سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین شامل بیت‌المقدس شرقی در ۲۹ تیر ۱۴۰۳ (۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴) صادر شد. این نظر در پاسخ به پرسش‌های مجمع عمومی سازمان ملل از دیوان است که در ۹ دی ۱۴۰۱ (۳۰ دسامبر ۲۰۲۲) در قالب قطعنامه 77/247 به تصویب رسید. در واقع، این دومین نظر مشورتی است که به‌طور اختصاصی به اقدامات اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین می‌پردازد. نخستین مورد، حدود ۲۰ سال پیش در ۱۹ تیر ۱۳۸۳ (۹ ژوئیه ۲۰۰۴) با عنوان پیامدهای حقوقی ساخت یک دیوار در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از سوی دیوان و متعاقب پرسش مجمع عمومی در این مورد صادر شد. با اینکه نظر مشورتی ۲۰۰۴ تنها به بخشی از اقدامات اسرائیل یعنی ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی می‌پرداخت، اما به یکی از مهم‌ترین تصمیم‌های تاریخ رسیدگی‌های دیوان بدل شد. نظر مشورتی ۲۰۲۴ به دلیل گستره

mahshid_ajeli@yahoo.com

mahnazrashidi88@gmail.com

adaronparvar@yahoo.com

keivan_eghbali@yahoo.com

* دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

** عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد، تهران، ایران

*** دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

**** عضو هیئت علمی پژوهشگاه قوه قضائیه



پرسش‌های مطرح‌شده از سوی مجمع عمومی، به‌ناگزیر اهمیت بیشتری را به دلیل فرصت فراخ دیوان برای پرداختن به تقریباً تمامی ابعاد حقوقی بین‌المللی اشغال فلسطین از سوی اسرائیل خواهد داشت. به همین دلیل نیز مجمع عمومی در راستای اجرایی‌کردن نظر مشورتی ۲۰۲۴ دیوان در ۲۹ شهریور ۱۴۰۳ (۱۹ سپتامبر ۲۰۲۴) ذیل قطعنامه A/RES/ES-10/24 اعلام نمود اسرائیل ۱۲ ماه از زمان تصویب قطعنامه فرصت دارد تا به حضور غیرقانونی خود در سرزمین‌های اشغال‌شده فلسطین پایان دهد. به همین جهات، مطابق مصوبه هیئت تحریریه مجله حقوقی بین‌المللی، تصمیم بر آن شد تا ترجمه نظر مشورتی مزبور در این شماره منتشر شود.

برگردان متن، به قلم چهار تن از همکاران مرکز امور حقوقی بین‌المللی، همگی از دانش‌آموختگان مقطع دکتری حقوق بین‌الملل صورت گرفته است.

ارجاعات دیوان در نظر مشورتی به‌صورت درون‌متنی است که در اینجا بر اساس شیوه‌نامه مجله، به‌صورت پاورقی درج شده است. همچنین در ترجمه سعی شده تا حد امکان وفاداری به متن برای بیان عبارات دیوان حفظ شود و از این رو درج تعابیر، اسامی و عبارات به‌کاررفته در متن ترجمه، از جمله واژه رژیم اسرائیل، لزوماً بیانگر یا مؤید دیدگاه مجله یا مرکز امور حقوقی بین‌المللی نیست.



بندها

- شرح وقایع دادرسی..... ۱-۲۱
- ۱- صلاحیت و صلاح‌دید..... ۲۲-۵۰
- الف. صلاحیت..... ۲۳-۲۹
- ب. صلاح‌دید..... ۳۰-۴۹
۱. آیا درخواست به اختلافی دوطرفه مربوط است که یکی از آن‌ها به صلاحیت دیوان رضایت نداده است..... ۳۳-۳۵
۲. آیا نظر دیوان، کمکی به مجمع عمومی در انجام وظایفش خواهد کرد..... ۳۶-۳۷
۳. آیا احتمال دارد نظر دیوان روند مذاکرات بین اسرائیل و فلسطین را مخدوش کند..... ۳۸-۴۰
۴. آیا نظر مشورتی به کار شورای امنیت خلی وارد می‌کند..... ۴۱-۴۳
۵. آیا دیوان اطلاعات کافی برای ارائه نظر مشورتی دارد..... ۴۴-۴۷
۶. آیا سؤالات، جانبدارانه عبارت‌بندی شده‌اند..... ۴۸-۴۹
- ۲- زمینه کلی..... ۵۱-۷۱
- ۳- محدوده و مفهوم سؤالات مجمع عمومی..... ۷۲-۸۳
- ۴- قواعد قابل اعمال..... ۸۴-۱۰۲
- ۵- سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین..... ۱۰۳-۲۴۳
- الف. مسئله اشغال طولانی‌مدت..... ۱۰۴-۱۱۰
- ب. سیاست شهرک‌سازی..... ۱۱۱-۱۵۶
۱. بررسی اجمالی..... ۱۱۱-۱۱۴
۲. انتقال جمعیت غیرنظامی..... ۱۱۵-۱۱۹
۳. مصادره یا تصاحب زمین..... ۱۲۰-۱۲۳
۴. بهره‌برداری از منابع طبیعی..... ۱۲۴-۱۳۳
۵. توسعه قوانین اسرائیل..... ۱۳۴-۱۴۱
۶. آوارگی اجباری مردم فلسطین..... ۱۴۲-۱۴۷
۷. خشونت علیه فلسطینیان..... ۱۴۸-۱۵۴
۸. نتیجه‌گیری در مورد سیاست شهرک‌سازی اسرائیل..... ۱۵۵-۱۵۶
- پ. مسئله انضمام سرزمین اشغالی فلسطین..... ۱۵۷-۱۷۹
۱. مفهوم انضمام..... ۱۵۸-۱۶۱

۲. اقدامات اسرائیل به منزله انضمام..... ۱۷۳-۱۶۲
۳. ممنوعیت اکتساب سرزمین از طریق زور..... ۱۷۹-۱۷۴
- ت. مسئله قوانین و اقدامات تبعیض آمیز..... ۲۲۹-۱۸۰
۱. قلمرو پرسش (الف)..... ۱۸۴-۱۸۰
۲. مفهوم تبعیض..... ۱۹۱-۱۸۵
۳. سیاست اجازه اقامت..... ۱۹۷-۱۹۲
۴. محدودیت رفت و آمد..... ۲۰۶-۱۹۸
۵. تخریب اموال..... ۲۲۲-۲۰۷
- الف) تخریب تنبیهی..... ۲۱۳-۲۰۸
- ب) تخریب به دلیل نبود جواز ساخت و ساز..... ۲۲۲-۲۱۴
۶. نتیجه‌گیری در مورد قوانین و اقدامات تبعیض آمیز اسرائیل..... ۲۲۹-۲۲۳
- ث. مسئله تعیین سرنوشت..... ۲۴۳-۲۳۰
- ۶- آثار سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل بر وضعیت حقوقی اشغال..... ۲۶۴-۲۴۴
- الف. دامنه بخش نخست سؤال (ب) و حقوق قابل اعمال..... ۲۵۱-۲۴۴
- ب. نحوه تأثیر سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل بر وضعیت حقوقی اشغال..... ۲۵۸-۲۵۲
- پ. قانونی بودن حضور مستمر اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین..... ۲۶۴-۲۵۹
- ۷- پیامدهای حقوقی ناشی از سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل و غیرقانونی بودن حضور مستمر اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین..... ۲۸۳-۲۶۵
- الف. برای اسرائیل..... ۲۷۲-۲۶۷
- ب. برای سایر دولت‌ها..... ۲۷۹-۲۷۳
- پ. برای سازمان ملل متحد..... ۲۸۳-۲۸۰
- بند اجرایی..... ۲۸۵

نظر مشورتی

حاضران: رئیس سلام، نائب‌رئیس سبوتینده، قضات تومکا، آبراهام، یوسف، شوئه، بهانداری، ایواساوا، نولته، چارلزورث، برانت، گومز روبلدو، کلیولند، آرسکیو، تلادی، مدیر دفتر گوئیته.

راجع به پیامدهای حقوقی سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، شامل بیت‌المقدس شرقی، دیوان با ترکیب پیش‌گفته، نظر مشورتی خود را به شرح ذیل ارائه می‌کند:

۱. مسائلی که درباره آن‌ها از دیوان درخواست نظر مشورتی شده، در قطعنامه ۷۷/۲۴۷ مصوب ۳۰ دسامبر ۲۰۲۲ مجمع عمومی ملل متحد (زین پس: مجمع عمومی) مطرح شده است. در نامه ۱۷ ژانویه ۲۰۲۳ و ثبت‌شده در ۱۹ ژانویه ۲۰۲۳، دبیرکل ملل متحد به‌صورت رسمی تصمیم مجمع عمومی برای ثبت این سؤالات به منظور ارائه نظر مشورتی را به دیوان ابلاغ کرد. رونوشت‌های معتبر از متون انگلیسی و فرانسوی قطعنامه به نام پیوست شده بود. بند ۱۸ قطعنامه به شرح ذیل است:

مجمع عمومی،

۱۸. تصمیم می‌گیرد بر مبنای ماده ۹۶ منشور ملل متحد، از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست کند که به موجب ماده ۶۵ اساسنامه دیوان، با در نظر گرفتن قواعد و اصول حقوق بین‌الملل، شامل منشور ملل متحد، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بین‌الملل بشر، قطعنامه‌های مرتبط شورای امنیت، مجمع عمومی و شورای حقوق بشر و نظر مشورتی دیوان در ۹ ژوئیه ۲۰۰۴ نظر مشورتی خود را راجع به سؤالات ذیل ارائه کند:

الف: پیامدهای حقوقی نقض‌های مستمر اسرائیل نسبت به حق مردم فلسطین بر تعیین سرنوشت، ناشی از اشغال طولانی‌مدت، شهرک‌سازی، انضمام سرزمین اشغالی فلسطین از ۱۹۶۷ شامل اقدامات با هدف تغییر ترکیب جمعیتی، ماهیت و وضعیت شهر مقدس بیت‌المقدس و ناشی از اتخاذ مقررات و اقدامات تبعیض‌آمیز چیست؟

ب: چگونه سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل که به آن در قسمت (الف) بند ۱۸ اشاره شد، بر وضعیت اشغال تأثیر می‌گذارد و پیامدهای حقوقی این وضعیت برای کلیه دولت‌ها و سازمان ملل متحد چیست؟

۲. در نامه ۱۹ ژانویه ۲۰۲۳، مدیر دفتر درخواست نظر مشورتی را به همه دولت‌هایی که به موجب بند ۱ ماده ۶۶ اساسنامه دیوان، حق حضور در برابر دیوان را دارند، اطلاع داد.

۳. طبق دستور ۳ فوریه ۲۰۲۳، دیوان مطابق بند ۲ ماده ۶۶ اساسنامه خود تصمیم گرفت که سازمان ملل متحد و دولت‌های عضو آن، و همچنین دولت ناظر فلسطین، احتمالاً قادر به ارائه

اطلاعات در مورد سؤالات ارسال شده به آن برای صدور نظر مشورتی هستند و ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۳ را به‌عنوان مهلتی که در آن امکان ارائه بیانیه‌های کتبی در مورد سؤالات وجود دارد و ۲۵ اکتبر ۲۰۲۳ را به‌عنوان مهلتی تعیین کرد که در آن دولت‌ها و سازمان‌هایی که بیانیه‌های کتبی ارائه کرده‌اند می‌توانند نظرات کتبی خود را در مورد سایر بیانیه‌های کتبی ارائه کنند.

۴. در نامه‌های ۶ فوریه ۲۰۲۳، مدیر دفتر به ملل متحد و اعضای آن و نیز دولت ناظر فلسطین در مورد تصمیمات دیوان اطلاع داد و رونوشتی از دستور را برای آنان فرستاد.

۵. دادگاه با صدور حکمی در مورد درخواست‌هایی که متعاقباً توسط اتحادیه کشورهای عربی، سازمان همکاری اسلامی و اتحادیه آفریقا ارائه شد، مطابق ماده ۶۶ اساسنامه خود تصمیم گرفت که این سه سازمان بین‌المللی احتمالاً قادر به ارائه اطلاعات در مورد سؤالات ارائه شده به آن بوده و بنابراین می‌توانند این کار را در مهلت‌های تعیین شده توسط دیوان انجام دهند.

۶. پیرو بند ۲ ماده ۶۵ اساسنامه، دبیرکل سازمان ملل متحد، به موجب نامه‌ای از مشاور حقوقی سازمان ملل متحد در ۳۱ مه ۲۰۲۳ و دریافت شده از سوی دفتر دیوان در ۱ ژوئن ۲۰۲۳، بخش اول پرونده‌ای را به دیوان ارسال کرد شامل اسنادی که احتمالاً موضوع سؤالات مجمع عمومی را روشن می‌کند. بخش دوم آن پرونده در ۲۳ ژوئن ۲۰۲۳ به موجب نامه‌ای از مشاور حقوقی ملل متحد مورخ ۲۲ ژوئن ۲۰۲۳ در دفتر دیوان ثبت شد. دولت‌های عضو سازمان ملل، دولت ناظر فلسطین، اتحادیه کشورهای عربی، سازمان همکاری اسلامی و اتحادیه آفریقا به ترتیب در ۲ و ۲۶ ژوئن ۲۰۲۳ از این دو مکاتبه مطلع شدند.

۷. در مهلت تعیین شده توسط دیوان در دستور ۳ فوریه ۲۰۲۳، بیانیه‌های کتبی به ترتیب دریافت، از سوی ترکیه، نامیبیا، لوکزامبورگ، کانادا، بنگلادش، اردن، شیلی، لیختن اشتاین، لبنان، نروژ، اسرائیل، الجزایر، اتحادیه دولت‌های عرب، جمهوری عربی سوریه، فلسطین، سازمان همکاری اسلامی، مصر، گویان، ژاپن، عربستان سعودی، قطر، سوئیس، اسپانیا، فدراسیون روسیه، ایتالیا، یمن، مالدیو، امارات متحده عربی، عمان، اتحادیه آفریقا، پاکستان، آفریقای جنوبی، بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی، مجارستان، برزیل، فرانسه، کویت، ایالات متحده آمریکا، چین، گامبیا، ایرلند، بلژیک، بولیوی، کوبا، موریس، مراکش، چک، مالزی، کلمبیا، اندونزی، گواتمالا، نائورو، جیبوتی، توگو و فیجی در دفتر دیوان ثبت شد.

۸. به‌واسطه مکاتبه ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۳ دفتر دیوان به دولت‌های عضو ملل متحد که بیانیه‌های کتبی خود را ارائه کرده بودند، دولت ناظر فلسطین و نیز اتحادیه دولت‌های عرب، سازمان همکاری‌های اسلامی و اتحادیه آفریقا در مورد فهرست مشارکت‌کنندگانی که اقدام به ارائه بیانیه‌های کتبی خود کرده بودند، اطلاع و توضیح داد که این بیانیه‌ها از طریق پرتال وب اختصاصی تحت نظارت دفتر دیوان قابل بارگیری است.

۹. رئیس دیوان به صورت استثنائی، ارائه بیانیه کتبی از سوی سنگال را در ۱ اوت ۲۰۲۳ پس از انقضای مهلت زمانی مربوطه اجازه داد.
۱۰. به واسطه نامه ۷ اوت ۲۰۲۳ دفتر دیوان به ملل متحد و آن دسته از اعضای آن که بیانیه‌های کتبی خود را ارائه نکرده بودند، اطلاع داد که بیانیه‌های کتبی در دفتر دیوان ثبت شده است.
۱۱. به واسطه نامه‌های ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳ دفتر دیوان به ملل متحد، اعضای آن و دولت ناظر فلسطین و نیز اتحادیه دولت‌های عرب، سازمان همکاری‌های اسلامی و اتحادیه آفریقا اطلاع داد که دیوان تصمیم گرفته است جلسات رسیدگی شفاهی راجع به نظر مشورتی درخواستی را برگزار کند که از ۱۹ فوریه ۲۰۲۴ آغاز می‌شود. این موضوع مشخص شد که طی جلسات رسیدگی شفاهی، اظهارات و پیشنهادهای شفاهی از سوی ملل متحد و اعضای آن (فارغ از اینکه آن‌ها بیانیه‌های کتبی یا بسته به مورد، پیشنهادهای کتبی خود را ثبت کرده باشند یا خیر)، دولت ناظر فلسطین و نیز اتحادیه دولت‌های عرب، سازمان همکاری‌های اسلامی و اتحادیه آفریقا قابل ارائه است. مدیر دفتر دیوان همچنین از آن‌ها دعوت کرد که در صورت تمایل به شرکت در جلسات رسیدگی شفاهی، نهایتاً تا ۱۵ دسامبر ۲۰۲۳ به دفتر دیوان اطلاع دهند.
۱۲. به واسطه نامه ۳۱ اکتبر ۲۰۲۳ مدیر دفتر به اعضای ملل متحد، دولت ناظر فلسطین، اتحادیه دولت‌های عرب، سازمان همکاری‌های اسلامی و اتحادیه آفریقا اطلاع داد که دبیرخانه، اسناد جدید و ترجمه‌های برخی اسناد ثبت‌شده را به‌عنوان مکمل پرونده ارائه‌شده در تطابق با بند ۲ ماده ۶۵ اساسنامه در اختیار دیوان گذاشته است.
۱۳. در مهلت مقرر توسط دیوان در دستور ۳ فوریه ۲۰۲۳، پیشنهادهای کتبی به ترتیب دریافت، از سوی اردن، سازمان همکاری‌های اسلامی، قطر، بلژیک، بنگلادش، فلسطین، ایالات متحده آمریکا، اندونزی، شیلی، اتحادیه دولت‌های عرب، مصر، الجزایر، گواتمالا و نامیبیا در دفتر دیوان ثبت شده است.
۱۴. بر مبنای دریافت آن پیشنهادهای کتبی، مدیر دفتر به واسطه مکاتبات ۳۰ اکتبر ۲۰۲۳ به دولت‌های عضو ملل متحد، دولت ناظر فلسطین و سازمان‌های بین‌المللی که بیانیه‌های کتبی خود را ارائه کرده بودند، اطلاع داد که پیشنهادهای کتبی ثبت شده و از طریق درگاه وب اختصاصی تحت نظارت دفتر دیوان قابل بارگیری است.
۱۵. در ۲ نوامبر ۲۰۲۳ رئیس دیوان اجازه داد که به صورت استثنائی پیشنهاد کتبی پاکستان بعد از انقضای مدت مربوطه ثبت شود. اعضای ملل متحد و سازمان‌های بین‌المللی که بیانیه‌های کتبی خود را ثبت کرده بودند و دولت ناظر فلسطین از طریق مکاتباتی در همان روز از این امر آگاه شدند.
۱۶. از طریق مکاتبات ۲ نوامبر ۲۰۲۳، مدیر دفتر به ملل متحد و آن دسته از اعضای آن که در رسیدگی‌های کتبی شرکت نکرده بودند اطلاع داد که بیانیه‌های کتبی و پیشنهادهای کتبی در این

مرحله از طریق درگاه وب اختصاصی تحت نظارت دفتر دیوان قابل بارگیری است.

۱۷. از طریق مکاتبات ۲۰ نوامبر ۲۰۲۳ مدیر دفتر به ملل متحد، دولت‌های عضو و دولت ناظر فلسطین و نیز اتحادیه دولت‌های عرب، سازمان همکاری‌های اسلامی و اتحادیه آفریقا اطلاع داد که سازمان‌های غیردولتی بیانیه‌های کتبی خود را در خصوص رسیدگی حاضر به ابتکار خود و پیرو دستورالعمل ۱۲ ثبت کرده‌اند و این بیانیه‌ها از طریق درگاه وب تحت نظارت دفتر دیوان در دسترس آن‌ها قرار دارد.

۱۸. از طریق نامه‌های ۹ ژانویه ۲۰۲۴ مدیر دفتر، فهرست مشارکت‌کنندگان در رسیدگی‌های شفاهی را به اطلاع آن دسته از دولت‌های عضو ملل متحد که در آن شرکت داشتند، دولت ناظر فلسطین و نیز اتحادیه دولت‌های عرب، سازمان همکاری‌های اسلامی و اتحادیه آفریقا رساند و برنامه تفصیلی جلسات رسیدگی شفاهی را در اختیار آن‌ها گذاشت. در همان نامه، او همچنین آن‌ها را از ترتیبات عملی مشخص مربوط به برگزاری رسیدگی‌های شفاهی مطلع کرد.

۱۹. از طریق نامه‌های ۱۵ ژانویه ۲۰۲۴ مدیر دفتر فهرست مشارکت‌کنندگان در رسیدگی‌های شفاهی را به ملل متحد و آن دسته از اعضایش که در آن شرکت نکرده بودند، ابلاغ کرد و برنامه تفصیلی آن رسیدگی‌ها را در اختیار گذاشت.

۲۰. دیوان پیرو ماده ۱۰۶ قواعد دادرسی آن، تصمیم گرفت بیانیه‌های کتبی و پیشنهادهای کتبی ثبت شده نزد خود را پس از آغاز رسیدگی‌های شفاهی در دسترس عموم قرار دهد. بیانیه‌ها و پیشنهادهای کتبی دولت‌هایی که در رسیدگی‌های شفاهی مشارکت نداشتند نیز در روز اول رسیدگی‌های شفاهی به صورت عمومی در دسترس قرار گرفت. بیانیه‌های کتبی و پیشنهادهای دولت‌ها و سازمان‌های مشارکت‌کننده در رسیدگی‌های شفاهی در پایان روزی که آن‌ها اظهارات شفاهی خود را ارائه کردند، در دسترس قرار گرفت.

۲۱. در جریان رسیدگی‌های شفاهی که در ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۶ فوریه ۲۰۲۴ برگزار شد، دیوان به ترتیب اظهارات شفاهی این دولت‌ها را استماع نمود: فلسطین، آفریقای جنوبی، الجزایر، عربستان سعودی، هلند، بنگلادش، بلژیک، بلیز، بولیوی، برزیل، شیلی، کلمبیا، کوبا، مصر، امارات متحده عربی، ایالات متحده آمریکا، روسیه، فرانسه، گامبیا، گویان، مجارستان، چین، ایران، عراق، ایرلند، ژاپن، اردن، کویت، لبنان، لیبی، لوکزامبورگ، مالزی، موریتس، نامیبیا، نروژ، عمان، پاکستان، اندونزی، قطر، بریتانیا و ایرلند شمالی، اسلوانی، سودان، سوئیس، سوریه، تونس، ترکیه، زامبیا، اتحادیه دولت‌های عرب، سازمان همکاری‌های اسلامی، اتحادیه آفریقا، اسپانیا، فیجی و مالدیو.

۱. صلاحیت و صلاحدید

۲۲. وقتی درخواستی برای ارائه نظر مشورتی مطرح می‌شود، دیوان باید ابتدا بررسی کند که آیا

برای ارائه نظر مشورتی دارای صلاحیت است یا خیر و در صورت داشتن صلاحیت، آیا دلیلی وجود دارد که دیوان در اعمال صلاحیت خود از پاسخ به درخواست امتناع کند یا خیر.^۱

الف. صلاحیت

۲۳. صلاحیت دیوان برای صدور نظر مشورتی مبتنی بر بند ۱ ماده ۶۵ اساسنامه آن است که مقرر می‌دارد «دیوان می‌تواند راجع به هر مسئله حقوقی به درخواست هر رکن دارای مجوز به‌وسیله یا طبق منشور ملل متحد برای طرح چنین درخواستی، نظر مشورتی ارائه کند».

۲۴. دیوان خاطرنشان می‌کند پیرو بند ۱ ماده ۹۶ منشور، مجمع عمومی «می‌تواند از دیوان بین‌المللی دادگستری بخواهد که راجع به هر مسئله حقوقی، نظر مشورتی ارائه کند».

۲۵. دیوان باید خود را قانع کند که بر اساس ملزومات مندرج در ماده ۹۶ منشور و ماده ۶۵ اساسنامه، سؤالی که در مورد آن درخواست نظر مشورتی شده، سؤال حقوقی است.

۲۶. همه مشارکت‌کنندگانی که به این موضوع توجه نشان داده‌اند، این نظر را ابراز داشتند که دیوان برای ارائه نظر مشورتی صلاحیت دارد و اینکه سؤالات مندرج در بند ۱۸ قطعنامه ۷۷/۲۴۲ سؤالاتی حقوقی هستند.

۲۷. در رسیدگی‌های حاضر، مجمع عمومی دو سؤال نزد دیوان مطرح کرد (ن.ک: بند ۱ بالا). این سؤالات اولاً مربوط به پیامدهای ناشی از برخی سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل به‌عنوان قدرت اشغالگر در وضعیت اشغال نظامی از ۱۹۶۷ است. ثانیاً این سؤالات مربوط است به اینکه چطور چنین سیاست‌ها و رویه‌هایی وضعیت حقوقی اشغال را در پرتو قواعد و اصول خاصی از حقوق بین‌الملل تحت تأثیر قرار می‌دهد و اینکه پیامدهای حقوقی ناشی از این وضعیت چیست. دیوان در نظر می‌گیرد که این سؤالات، سؤالاتی حقوقی است.

۲۸. در پرتو آنچه گفته شد، دیوان نتیجه می‌گیرد که درخواست مزبور بر اساس قواعد منشور و اساسنامه دیوان مطرح شده و بنابراین، دیوان برای صدور نظر درخواستی دارای صلاحیت است.

۲۹. اما در جریان این رسیدگی‌ها نظرات متفاوتی در این مورد مطرح شد که آیا سؤالات مطرح‌شده، به‌صورت روشن و دقیق عبارت‌بندی شده است یا خیر. در حالی که برخی مشارکت‌کنندگان معتقدند سؤالات روشن و دقیق است، سایرین بر این نظراند که همه ابعاد مسئله به‌صورت واضح تبیین نشده است. دیوان اشاره می‌کند که «عدم وضوح در تنظیم سؤال، صلاحیت دیوان را سلب نمی‌کند،

1. see Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion (hereinafter the “Wall Advisory Opinion”), I.C.J. Reports 2004 (I), p. 144, para. 13; Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I), p. 111, para. 54.

بلکه چنین عدم قطعیتی مستلزم شفاف‌سازی در قالب تفسیر است و چنین شفاف‌سازی‌های ضروری در قالب تفسیر، اغلب از سوی دیوان انجام می‌شود.^۲ در پرونده حاضر، دیوان دلیلی برای عبارت‌بندی مجدد سؤالات نمی‌بیند. با وجود این، دیوان هر زمان که شفاف‌سازی ضروری باشد، سؤالات مطروحه را تفسیر خواهد کرد.

ب. صلاحدید

۳۰. این واقعیت که دیوان برای ارائه نظر مشورتی دارای صلاحیت است به این معنا نیست که مجبور به اعمال آن است. بند ۱ ماده ۶۵ اساسنامه مقرر می‌دارد «دیوان می‌تواند راجع به هر سؤال حقوقی به درخواست هر رکن دارای مجوز به‌وسیله یا طبق منشور ملل متحد برای ارائه چنین درخواستی، نظر مشورتی صادر کند». همان‌طور که دیوان بارها تأکید کرده، این [مقرر] «باید در این معنا تفسیر شود که دیوان دارای قدرت صلاحیدی برای امتناع از صدور نظر مشورتی است، حتی اگر شرط صلاحیت محقق باشد».^۳ با وجود این، با توجه به کارکردهای آن به‌عنوان رکن اصلی قضایی ملل متحد، دیوان در نظر می‌گیرد که پاسخ آن به درخواست نظر مشورتی، «حاکمی از نقش آن در فعالیت‌های سازمان است و در اصل، نباید رد شود».^۴

۳۱. طبق رویه آن، صرفاً دلایل قانع‌کننده می‌تواند موجب شود دیوان از صدور نظر مشورتی در پاسخ به درخواستی که در صلاحیت آن است، خودداری کند.^۵ با توجه به این واقعیت که برخی مشارکت‌کنندگان در رسیدگی‌های حاضر استدلال کرده بودند که دلایل قانع‌کننده‌ای برای امتناع دیوان از ارائه نظر خود وجود دارد، دیوان در ادامه به بررسی این استدلال‌ها می‌پردازد.

۳۲. استدلال‌های مطرح‌شده توسط این مشارکت‌کنندگان، به‌صورت ذیل قابل دسته‌بندی است: (۱) درخواست نظر مشورتی به اختلاف بین دو طرفی مربوط است که یکی از آن‌ها به صلاحیت دیوان رضایت نداده است؛ (۲) این نظر به مجمع عمومی کمی نمی‌کند؛ (۳) این نظر می‌تواند روند مذاکرات اسرائیلی-فلسطینی را مخدوش کند؛ (۴) نظر مشورتی به فعالیت شورای امنیت آسیب می‌زند؛ (۵) دیوان برای ارائه نظر مشورتی اطلاعات کافی ندارد؛ و (۶) سؤالات، جانبدارانه مطرح

2. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), pp. 153-154, para. 38.

3. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 156, para. 44; Accordance with International Law of the Unilateral Declaration of Independence in Respect of Kosovo, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2010 (II), pp. 415-416, para. 29.

4. Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I), p. 113, para. 65.

5. Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I), p. 113, para. 65.

شده است. دیوان به ترتیب، هریک از این استدلال‌ها را بررسی خواهد کرد.

۱. آیا درخواست به اختلافی دوطرفه مربوط است که یکی از آن‌ها به صلاحیت دیوان رضایت نداده است؟

۳۳. این مسئله را برخی مشارکت‌کنندگان مطرح کردند که دیوان باید از ارائه نظر مشورتی اجتناب کند زیرا این درخواست به اختلافی بین فلسطین و اسرائیل مربوط است و [طرف] اخیر به صلاحیت دیوان برای حل و فصل این اختلاف رضایت نداده است. این امر با توجه به رأی منفی اسرائیل به قطعنامه ۷۷/۲۴۷ و بیانیه کتبی آن در رسیدگی‌های حاضر محرز است. اما اکثریت مشارکت‌کنندگان اظهار داشته‌اند که ارائه نظر مشورتی، اصل رضایت را نقض نمی‌کند زیرا سؤالات مطرح‌شده نزد دیوان، اساساً مربوط به اختلاف دوجانبه نیست. به نظر اغلب مشارکت‌کنندگان، موضوع درخواست مجمع عمومی، هرچند شامل اسرائیل و فلسطین شده، به مسئولیت‌های سازمان ملل متحد و مسئله گسترده‌تر صلح و امنیت بین‌المللی و نیز برخی تعهدات عام‌الشمول دولت‌ها مربوط است.

۳۴. دیوان یادآوری می‌کند که در صورتی دلیل قانع‌کننده‌ای برای خودداری از ارائه نظر مشورتی وجود خواهد داشت که چنین نظری «منجر به دوزدن اصل عدم الزام یک دولت به اجازه ارجاع اختلافاتش به حل و فصل قضایی بدون رضایت آن» شود.^۶ اما این واقعیت که احتمال دارد دیوان در جریان استدلالات خود و برای پاسخ به سؤالات مطروحه، راجع به مسائل حقوقی‌ای اظهار نظر کند که درباره آن از سوی فلسطین و اسرائیل دیدگاه‌های متفاوتی بیان شده است، موضوع حاضر را به اختلافی دوجانبه تبدیل نمی‌کند.^۷

۳۵. دیوان موضوع درخواست مجمع عمومی در قضیه حاضر را صرفاً به‌عنوان مسئله دوجانبه بین اسرائیل و فلسطین نمی‌بیند. درگیر شدن ارکان ملل متحد و پیش از آن جامعه ملل در مسائل مربوط به فلسطین، به زمان نظام قیمومت برمی‌گردد (ن.ک: بندهای ۵۱-۵۲ ذیل) از زمانی که قطعنامه ۱۸۱ (II) در خصوص تقسیم فلسطین، توسط مجمع عمومی در ۱۹۴۷ تصویب شد، مسئله فلسطین نزد مجمع عمومی مطرح بود، به‌صورتی که تقریباً هرساله مورد بحث قرار گرفته و قطعنامه‌هایی در مورد آن به تصویب رسیده است. بنابراین، این مسئله، موضوعی با اهمیت ویژه و مربوط به ملل متحد است. مجمع عمومی این امر را «مسئولیت دائمی در خصوص مسئله فلسطین تا زمان حل

6. Western Sahara, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1975, p. 25, para. 33; see also Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I), p. 117, para. 85.

7. see Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970), Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1971, p. 24, para. 34.

این مسئله در تمام ابعاد آن به شکل رضایت‌بخش بر مبنای مشروعیت بین‌المللی» توصیف کرده است.^۸ بنابراین، دیوان در نظر می‌گیرد که مسائل مطرح‌شده در درخواست، بخشی از مسئله فلسطین شامل نقش مجمع عمومی در این ارتباط است.^۹ در نتیجه، دیوان نمی‌تواند در راستای اعمال صلاحیت خود از ارائه نظر درخواستی بر مبنای دورزدن اصل رضایت به حل و فصل قضایی امتناع کند.

۲. آیا نظر دیوان به مجمع عمومی برای انجام وظایف خود کمکی خواهد کرد؟

۳۶. این استدلال را یکی از مشارکت‌کنندگان بیان کرد که دیوان باید از پاسخ به سؤالات مطرح‌شده خودداری کند زیرا مجمع عمومی به دنبال نظر دیوان راجع به موضوعی نیست که در آن مورد نیازمند کمک باشد، بلکه به دنبال دریافت تأیید دیوان در خصوص نتایج حقوقی مشخصی است که به حل اختلاف دوطرفه بین فلسطین و اسرائیل مربوط می‌شود. سایر مشارکت‌کنندگانی که به این موضوع توجه کرده‌اند، معتقدند که دیوان نباید از ارائه نظر مشورتی خود بر این اساس خودداری کند زیرا هدف این درخواست، دریافت نظر مشورتی است که به مجمع عمومی برای انجام وظایف خود کمک خواهد کرد. به نظر آن‌ها، مسائل مورد نظر، دارای اهمیت دیرینه‌ای برای فعالیت‌های مجمع عمومی است و بنابراین، مجمع عمومی برای نظر دیوان در مورد برخی مسائل حقوقی ارزش قائل خواهد شد.

۳۷. همان‌طور که دیوان در گذشته ملاحظه کرده است: «این وظیفه دیوان نیست که تصمیم بگیرد که آیا یک نظر مشورتی برای انجام وظایف مجمع عمومی لازم است یا خیر. مجمع عمومی حق دارد برای خود در مورد مفیدبودن یک نظر در پرتو نیازهای خود تصمیم بگیرد».^{۱۰} دیوان نمی‌تواند ارزیابی خود را در مورد نیاز به چنین نظری با ارزیابی رکن درخواست‌کننده جایگزین کند.^{۱۱} دیوان همواره در رویه خود تصمیم گرفته است که «نظرات مشورتی به منظور فراهم کردن عناصر حقوقی ضروری برای فعالیت رکن درخواست‌کننده صادر می‌شود».^{۱۲} در مثال حاضر، درخواست مجمع عمومی با استناد به مسئولیت‌ها و وظایف آن در خصوص مسئله سرزمین اشغالی فلسطین مطرح شده است.^{۱۳} از این رو دیوان معتقد است که بر این مبنای که چنین نظری به مجمع عمومی برای انجام وظایفش کمک نخواهد کرد، دلیل قانع‌کننده‌ای وجود ندارد که موجب امتناع آن از ارائه نظر مشورتی خود شود.

8. General Assembly resolution 57/107 of 3 December 2002.

9. see Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 159, para. 50; Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I), p. 118, para. 88.

10. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996 (I), p. 237, para. 16.

11. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 163, para. 62 .

12. ibid., p. 162, para. 60.

13. see A/RES/77/247

۳. آیا احتمال دارد نظر دیوان روند مذاکرات بین اسرائیل و فلسطین را مخدوش کند؟

۳۸. برخی مشارکت‌کنندگان مدعی شده‌اند که دیوان باید از پاسخ به سؤالات مطروحه نزد آن خودداری کند زیرا نظر مشورتی دیوان با روند مذاکرات اسرائیلی-فلسطینی در چارچوب تعیین شده در اعلامیه اصول ترتیبات خودگردانی موقت ۱۹۹۳ (از این پس: پیمان اسلو ۱) و ترتیبات موقت راجع به کرانه باختری و نوار غزه ۱۹۹۵ (از این پس: پیمان اسلو ۲) تداخل پیدا کرده و می‌تواند موجب تشدید اختلافات اسرائیلی-فلسطینی و بر این اساس، [دشواری] مصالحه در خصوص نتایج مذاکرات شود.

۳۹. در نظر سایر مشارکت‌کنندگان، نظر مشورتی دیوان، با روند مذاکرات تداخل پیدا نمی‌کند و دیوان نباید از ارائه نظر بر این مینا خودداری کند. آن‌ها پیشنهاد کرده‌اند که برعکس، ارائه نظر مشورتی از سوی دیوان با توجه به این واقعیت که مذاکرات اسرائیلی-فلسطینی سال‌هاست که متوقف شده، ضروری‌تر هم هست.

۴۰. در چنین اوضاع و احوالی، این سؤال که آیا نظر دیوان دارای اثر منفی بر روند مذاکرات خواهد بود یا خیر، موضوعی حدسی است. دیوان نمی‌تواند در مورد آثار نظر خود گمانه‌زنی کند. در پاسخ به استدلال مشابهی در قضیه دیگر، دیوان اعلام کرد:

«این موضوع ... مطرح شده که پاسخ دیوان در این قضیه می‌تواند بر مذاکرات خلع سلاح تأثیر منفی بگذارد و بنابراین، خلاف منفعت ملل متحد است. دیوان آگاه است که فارغ از اینکه نتیجه‌گیری‌اش در هر نظر مشورتی احتمالی چه باشد، این نظر برای بحث‌های ادامه‌دار راجع به موضوع در مجمع عمومی اهمیت خواهد داشت و عنصری اضافی را در مذاکرات راجع به موضوع ارائه خواهد کرد. فراتر از آن، تأثیر این نظر نیاز به ارزیابی دارد. دیوان مواضع مخالف را قبلاً استماع کرده است و هیچ معیار مدلی وجود ندارد که بر آن مبنا بتواند یک ارزیابی را بر دیگری ترجیح دهد».^{۱۴}

در پرتو آنچه گفته شد، دیوان نمی‌تواند این عامل را به‌عنوان دلیلی قانع‌کننده برای امتناع از پاسخ به درخواست مجمع عمومی در نظر بگیرد.

۴. آیا نظر مشورتی به کار شورای امنیت آسیبی وارد می‌کند؟

۴۱. برخی مشارکت‌کنندگان ادعا کردند که دیوان باید از صلاحدید خود برای خودداری از پاسخ به سؤالات مطروحه استفاده کند، در حالی که سایرین استدلال کرده‌اند حتی اگر دیوان به دنبال پاسخ به این سؤال باشد، باید مراقب باشد که پاسخ آن با چارچوب تعیین شده برای مذاکرات تداخل

14. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996 (I), p. 237, para. 17.

نداشته باشد، چرا که مسئولیت اولیه برای مسائل مرتبط با اختلاف اسرائیلی-فلسطینی بر عهده شورای امنیت است، نه مجمع عمومی. از نظر این مشارکت‌کنندگان، نظر مشورتی دیوان می‌تواند به صورت منفی بر چارچوب مذاکراتی که شورای امنیت برای حل و فصل این اختلاف تبیین کرده است، تأثیر بگذارد. سایر مشارکت‌کنندگانی که به این موضوع پرداخته‌اند، استدلال کردند که نظر دیوان خدشه‌ای به کار شورای امنیت وارد نمی‌کند. به نظر آن‌ها، شورای امنیت، ذیل منشور، مسئولیت انحصاری حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده ندارد زیرا مجمع عمومی هم می‌تواند در کنار شورای امنیت، به مسائل مربوط به این نگرانی‌ها بپردازد.

۴۲. این استدلال، تا جایی که به چارچوب مذاکراتی مربوط است، مشابه استدلال بررسی شده در قسمت ۳ است اما همچنین به صلاحیت‌های مربوطه شورای امنیت و مجمع عمومی در خصوص حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مرتبط است. دیوان مسئله اخیر را در نظر مشورتی دیوار به شرح ذیل شناسایی کرد: «به موجب ماده ۲۴ منشور، شورای امنیت دارای مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است». ۱۵ اما دیوان تأکید می‌کند «ماده ۲۴ به صلاحیت اولیه و نه لزوماً انحصاری، اشاره دارد». ۱۶ مجمع عمومی، از جمله به موجب ماده ۱۴ منشور اختیار دارد «برای تنظیم مسالمت‌آمیز هر شرایطی، اقداماتی را توصیه کند». دیوان همچنین اعلام کرد «در طول زمان، گرایش فزاینده‌ای وجود داشته که مجمع عمومی و شورای امنیت به صورت موازی به موضوعات مشابه مرتبط با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بپردازند» و اینکه این «رویه پذیرفته شده مجمع عمومی، به همان صورتی که تکامل یافته، در تطابق با بند ۱ ماده ۱۲ منشور است». ۱۷ در واقع این امر، همان موضوع مربوط به برخی ابعاد مسئله فلسطین است. ۴۳ دیوان همچنین یادآوری می‌کند که ماده ۱۰ منشور صلاحیتی مرتبط با هر مسئله یا هر موضوعی در حوزه منشور به مجمع عمومی اعطا می‌کند و بند ۲ ماده ۱۱ به طور خاص، صلاحیتی برای آن فراهم می‌کند که «هر مسئله مرتبط با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مطروحه از سوی هر یک از اعضای ملل متحد را بررسی کند». این همان موضوع مرتبط با سؤالات مجمع عمومی در رسیدگی‌های حاضر است. همان‌طور که دیوان پیش‌تر بیان کرده است،

«در جایی که مجمع عمومی، مانند اینجا، منافع مشروعی در پاسخ به یک سؤال دارد، این واقعیت که این پاسخ ممکن است تا حدی بر تصمیم شورای امنیت تأثیر گذارد، برای توجیه دیوان در امتناع از ارائه نظر خود به مجمع عمومی کافی نیست». ۱۸

15. I.C.J. Reports 2004 (I), p. 148, para. 26.

16. Ibid.

17. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), pp. 149-150, paras. 27-28.

18. Accordance with International Law of the Unilateral Declaration of Independence in Respect of Kosovo, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2010 (II), p. 423, para. 47.

همان‌طور که در بند ۴۰ فوق اشاره شد، تأثیر نامطلوب نظر دیوان بر چارچوب مذاکراتی، موضوع حدسی است که دیوان نباید در مورد آن گمانه‌زنی کند. علاوه بر این، با توجه به این واقعیت که مجمع عمومی صلاحیت رسیدگی به موضوعات مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی را دارد، مانند مواردی که در سؤالات مطرح کرده است، هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای امتناع دیوان از صدور نظر درخواستی وجود ندارد.

۵. آیا دیوان اطلاعات کافی برای ارائه نظر مشورتی در اختیار دارد؟

۴۴. برخی از مشارکت‌کنندگان این بحث را مطرح کرده‌اند که دیوان باید از اظهار نظر خودداری کند زیرا فاقد اطلاعات کافی است و برای پاسخ به سؤالات مجمع عمومی باید مأموریت حقیقت‌یابی را که دوره چند دهه‌ای را پوشش دهد، آغاز کند.

۴۵. اما از نظر سایر مشارکت‌کنندگان، دیوان برای ارزیابی صحیح مسائل موضوعی مرتبط و لازم برای پاسخ به سؤالات حقوقی مطروحه، اطلاعات و شواهد کافی در قالب سوابق موجود و اسناد عمومی در اختیار دارد. در این راستا، آن‌ها به پرونده‌ای که دبیرکل سازمان ملل متحد به دیوان ارائه کرده و به اظهارات کتبی و شفاهی مشارکت‌کنندگان در این رسیدگی اشاره کرده‌اند.

۴۶. دیوان در نظر خود در مورد تفسیر معاهدات صلح با بلغارستان، مجارستان و رومانی^{۱۹} و در مورد صحرای غربی، روشن ساخت که آنچه در چنین شرایطی تعیین‌کننده است، این است که آیا دیوان «برای دستیابی به نتیجه قضایی در خصوص هر مسئله موضوعی مورد اختلاف که تعیین آن برای صدور نظر مشورتی در شرایطی سازگار با ماهیت قضایی آن ضروری است»^{۲۰} اطلاعات کافی در اختیار دارد یا خیر. (در این راستا) صلاح‌دید دیوان به منظور حفاظت از یکپارچگی عملکرد قضایی آن اعمال می‌شود و این بر عهده دیوان است که در هر مورد، ماهیت و میزان اطلاعات مورد نیاز را برای انجام وظایف قضایی خود ارزیابی کند.

۴۷. در پرونده حاضر، بیش از ۵۰ کشور و سازمان بین‌المللی اطلاعات مربوط به پاسخ به سؤالات مجمع عمومی را به دیوان ارائه کرده‌اند. دیوان به‌ویژه خاطرنشان می‌کند که بیانیه‌های کتبی اسرائیل، اگرچه عمدتاً به مسائل صلاحیت و اصل صحت عمل قضایی مربوط می‌شد، حاوی اطلاعاتی در مورد موضوعات دیگر، از جمله نگرانی‌های امنیتی اسرائیل بود. دیوان همچنین پرونده حجیمی را که دبیرکل سازمان ملل ارائه کرد، بررسی کرده است که حاوی اطلاعات گسترده‌ای در مورد وضعیت سرزمین اشغالی فلسطین است. این وظیفه دیوان است که کافی بودن اطلاعات موجود را ارزیابی کند. در پرونده حاضر، دیوان معتقد است که اطلاعات کافی برای تصمیم‌گیری در مورد

19. First Phase, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1950, p. 72.

20. Western Sahara, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1975, pp. 28-29, para. 46.

مسائل حقوقی به روشی که با عملکرد قضایی خود سازگار است در اختیار دارد. در نتیجه، هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای امتناع از اظهارنظر درخواستی در این زمینه وجود ندارد.

۶. آیا سؤالات، جانبدارانه عبارت‌بندی شده‌اند؟

۴۸. برخی مشارکت‌کنندگان مطرح کردند که سؤالات، جانبدارانه ارائه شده‌اند، به گونه‌ای که در آن‌ها وجود نقض‌های حقوق بین‌الملل از سوی اسرائیل، مفروض گرفته شده است. بر این اساس، این مشارکت‌کنندگان ادعا می‌کنند که دیوان باید از پاسخ به آن‌ها خودداری کند. سایر مشارکت‌کنندگان با توصیف سؤالات به‌عنوان سؤالات جانبدارانه یا غیرمتعادل مخالف هستند.

۴۹. دیوان یادآوری می‌کند که در وهله اول، دیوان دارای اختیار تفسیر و در صورت نیاز، عبارت‌بندی مجدد سؤالات مطرح‌شده نزد آن است (ن.ک: بند ۲۹ بالا). بنابراین، تشخیص و ارزیابی مناسب بودن عبارت‌بندی سؤالات بر عهده دیوان است. همچنین دیوان می‌تواند در صورت نیاز، محدوده و مفهوم سؤالات مطرح‌شده را برای خود تعیین کند. در پرونده حاضر، دیوان اعتقاد ندارد که مجمع عمومی قصد داشته آزادی دیوان برای تعیین این مسائل را محدود کند. دیوان خود پیش از تعیین پیامدهای حقوقی چنین نقض‌هایی [که در سؤال مطرح شده]، مشخص خواهد کرد که آیا سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل ناقض قواعد و اصول قابل اعمال حقوق بین‌الملل است یا خیر. در نتیجه، دیوان نمی‌تواند در اعمال صلاحیت خود از ارائه نظر بر این مبنا که سؤالات مطرح‌شده نزد آن جانبدارانه یا غیرمتعادل است، خودداری کند.

۵۰. در پرتو آنچه بیان شد، دیوان نتیجه می‌گیرد که هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای وجود ندارد تا از ارائه نظر درخواست‌شده از سوی مجمع عمومی خودداری نماید.

۲. زمینه کلی

۵۱. به‌عنوان بخشی از امپراطوری عثمانی، در پایان جنگ جهانی اول، فلسطین ذیل قیمومت سطح (الف) قرار گرفت که (اداره آن) به موجب بند ۴ ماده ۲۲ میثاق جامعه، از سوی جامعه ملل به بریتانیای کبیر سپرده شد. بر اساس این مقرر،

«جوامع خاصی که سابقاً متعلق به امپراطوری ترک بودند، به سطحی از توسعه رسیده‌اند که موجودیت آن‌ها به‌عنوان ملت مستقل می‌تواند مشروط به ارائه کمک و مشاوره اداری از سوی سرپرست به‌طور موقت شناسایی شود تا زمانی که آن‌ها قادر به استقلال باشند». مرزهای سرزمینی فلسطین تحت قیمومت به‌واسطه ابزارهای مختلف، به‌ویژه در مرز شرقی بر مبنای

یادداشت تفاهم بریتانیایی ۱۶ سپتامبر ۱۹۲۲ و معاهده انگلیس-اردن شرقی ۲۰^{۲۱} فوریه ۱۹۲۸ تعیین شد.

۵۲. در ۱۹۴۷، بریتانیا قصد خود برای کامل کردن تخلیه سرزمین تحت قیمومت تا ۱ اوت ۱۹۴۸ اعلام کرد و سپس این تاریخ را تا ۱۵ مه ۱۹۴۸ افزایش داد. در همین زمان، در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی قطعنامه ۱۸۱ را راجع به دولت آینده فلسطین تصویب کرد، که در مورد این سرزمین «به بریتانیا ... و کلیه اعضای دیگر ملل متحد تصویب و اجرای ... طرح تقسیم» را همان‌طور که در قطعنامه مطرح شده، بین دو دولت مستقل، یکی عرب و دیگری یهود و نیز ایجاد رژیم بین‌المللی ویژه برای شهر بیت‌المقدس توصیه می‌کند». این قطعنامه مقرر داشت که «دولت‌های مستقل عرب و یهود ... باید ظرف دو ماه بعد از تخلیه ... قدرت اداره‌کننده ایجاد شود». در حالی که جمعیت یهود، طرح تقسیم را پذیرفت، جمعیت عرب فلسطین و دولت‌های عرب آن را رد کردند، از جمله با این ادعا که این (تقسیم‌بندی) غیرمتعادل است.

۵۳. در ۱۴ مه ۱۹۴۸، اسرائیل با استناد به قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی اعلام استقلال کرد؛ پس از آن مخاصمه مسلحانه‌ای بین اسرائیل و تعدادی از دولت‌های عرب رخ داد و طرح تقسیم اجرا نشد.

۵۴. در قطعنامه ۶۲ (۱۹۴۸) در ۱۶ نوامبر ۱۹۴۸ شورای امنیت تصمیم گرفت «باید در همه بخش‌های فلسطین آتش‌بس برقرار شود» و از طرف‌هایی که مستقیماً در مخاصمه درگیر بودند خواست که به دنبال توافقی برای این منظور باشند. مطابق با این تصمیم، توافقات آتش‌بس در ۱۹۴۹ در روز ۲۲ بین اسرائیل و دولت‌های همسایه آن با میانجیگری ملل متحد منعقد شد که خط مرزی آتش‌بس بین نیروهای اسرائیلی و عرب را تعیین کرد (اغلب بعداً به دلیل رنگی که برای آن در نقشه‌ها استفاده شد، در مجموع، خط سبز نامیده شد و از این پس با این عنوان به آن اشاره می‌شود). خطوط مرزبندی موضوع اصلاحاتی قرار می‌گرفتند که ممکن بود طرف‌ها در مورد آن توافق کنند.

۵۵. در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۸ با استناد به قطعنامه ۱۸۱، اسرائیل برای عضویت در ملل متحد، درخواست داد. در ۱۱ مه ۱۹۴۹ وقتی مجمع عمومی اسرائیل را به‌عنوان عضو ملل متحد پذیرفت، قطعنامه ۱۸۱ را یادآوری کرده و بیانیه‌های اسرائیل را در مورد اجرای قطعنامه پیش‌گفته مورد توجه قرار داد.^{۲۳}

۵۶. در ۱۹۴۶ سازمان آزادیبخش فلسطین^{۲۴} شکل گرفت تا نماینده مردم فلسطین باشد.

۵۷. در ۱۹۶۷ مخاصمه‌ای مسلحانه (که به جنگ شش‌روزه هم معروف است)، بین اسرائیل و دولت‌های همسایه مصر، سوریه و اردن در گرفت. زمانی که درگیری‌ها متوقف شد، نیروهای اسرائیلی تمام سرزمین فلسطین تحت قیمومت بریتانیا فراتر از خط سبز را اشغال کرده بودند (بند ۵۴ بالا).

۵۸. در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷، شورای امنیت به اتفاق آرا قطعنامه ۲۴۲ (۱۹۶۷) را تصویب کرد که «بر

21. Anglo-Transjordanian Treaty

22. Rhodes

23. General Assembly resolution 273 (III).

24. Palestine Liberation Organization (PLO)

غیرقابل‌پذیرش بودن اکتساب سرزمین از طریق جنگ تأکید می‌کند» و خواستار «عقب‌نشینی نیروهای اسرائیل از سرزمین‌های اشغال‌شده در مخاصمهٔ اخیر» و «پایان دادن به همهٔ ادعاها یا وضعیت‌های خصومت‌آمیز و احترام و اذعان به حاکمیت، تمامیت سرزمینی و استقلال همهٔ دولت‌های منطقه و حق آن‌ها به زندگی در صلح و در درون مرزهای امن و شناسایی‌شده، فارغ از تهدیدها یا اقدامات زورمدارانه» شد.

همچنین شورای امنیت، «ضرورت دستیابی به راه‌حلی عادلانه برای مشکل پناهنجویان» و «برای تضمین تعرض‌ناپذیری سرزمینی و استقلال سیاسی هر دولتی در منطقه از طریق اقداماتی شامل ایجاد مناطق غیرنظامی‌شده» را تأیید کرد.

۵۹. از ۱۹۶۷ به بعد، اسرائیل شروع کرد به ایجاد و حمایت از شهرک‌سازی‌ها در سرزمین‌های اشغالی و اقداماتی را با هدف تغییر وضعیت شهر بیت‌المقدس اتخاذ کرد. شورای امنیت در مواردی پس از یادآوری «این اصل که اکتساب سرزمین از طریق غلبهٔ نظامی غیرقابل‌پذیرش است»، اقدامات مزبور را محکوم کرده و در قطعنامهٔ ۲۹۸ (۱۹۷۱) در ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۱ تأیید کرد که «همهٔ اقدامات تقنینی و اجرایی اسرائیل برای تغییر وضعیت شهر بیت‌المقدس، شامل مصادرهٔ زمین و اموال، جابه‌جایی جمعیت و قانونگذاری با هدف ادغام بخش‌های اشغالی، به کلی بی‌اعتبار است و نمی‌تواند این وضعیت را تغییر دهد».

۶۰. در اکتبر ۱۹۷۳ مخاصمهٔ مسلحانهٔ دیگری بین مصر، سوریه و اسرائیل اتفاق افتاد.

۶۱. در قطعنامهٔ ۳۳۸ در ۲۲ اکتبر ۱۹۷۳، شورای امنیت از طرف‌های درگیر خواست به همهٔ اقدامات نظامی خاتمه داده و فوراً پس از آتش‌بس، شروع به اجرای کلیهٔ بخش‌های قطعنامهٔ ۲۴۲ (۱۹۶۷) شورای امنیت نمایند. شورای امنیت همچنین تصمیم گرفت که «فوراً و همزمان با آتش‌بس، مذاکرات باید بین طرف‌های مربوطه آغاز شود».

۶۲. در ۱۴ اکتبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی در قطعنامهٔ ۳۲۱۰ (XXIX) سازمان آزادیبخش فلسطین را به‌عنوان نمایندهٔ مرمان فلسطینی شناسایی کرد. در قطعنامهٔ ۳۲۳۶ (XXIX) در ۲۲ نوامبر ۱۹۷۴، مجمع عمومی این مسئله را شناسایی کرد «که مردم فلسطینی طبق منشور ملل متحد دارای حق تعیین سرنوشت هستند».

۶۳. در ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ اسرائیل و مصر پیمان‌های کمپ دیوید را امضا کردند که در سال بعد منجر به معاهدهٔ صلحی بین دو کشور شد. متعاقباً معاهدهٔ صلحی در ۲۶ اکتبر ۱۹۹۴ بین اسرائیل و اردن امضا شد که مرز بین دو دولت را طبق خطوط مشخص‌شده برای فلسطین به موجب قیمومت تعیین کرد، (ن.ک: بند ۵۱ بالا) اما مشروط بر اینکه با لحاظ «سرزمین‌هایی که در ۱۹۶۷

تحت کنترل دولت نظامی اسرائیل درآمد»، مرز با اردن/داری در نظر گرفته شود.

۶۴. در ۱۵ نوامبر ۱۹۸۸ با استناد به قطعنامه ۱۸۱ «که فلسطین را به دو دولت عرب و یهودی تقسیم می‌کرد»، سازمان آزادیبخش فلسطین، «تأسیس دولت فلسطین را اعلام کرد».

۶۵. در ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵ اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین، پیمان‌های اسلو ۱ و ۲ را امضا کردند. در تبادل نامه‌ها در ۹ سپتامبر ۱۹۹۳، سازمان آزادیبخش فلسطین حق موجودیت اسرائیل در صلح و امنیت را شناسایی کرد و اسرائیل سازمان آزادیبخش را نماینده مشروع مردم فلسطین شناخت. پیمان اسلو ۱ اصول راهنمای کلی برای انجام مذاکرات بین اسرائیل و فلسطین را مشخص کرد. پیمان اسلو ۲، از جمله کرانه باختری اشغالی توسط اسرائیل را به سه منطقه اداری (A، B و C) تقسیم کرد، در حالی که منطقه C که بیش از ۶۰ درصد کرانه باختری را پوشش می‌دهد، به‌طور انحصاری توسط اسرائیل اداره می‌شود.

۶۶. پیمان‌های اسلو از جمله از اسرائیل می‌خواست که برخی اختیارات و مسئولیت‌های قابل اعمال در نواحی (الف) و (ب) کرانه باختری را از طریق مقامات نظامی و نهادهای مدنی خود به مقامات فلسطینی انتقال دهد. در جایی که این انتقال انجام شد - که محدود و جزئی باقی ماند - اسرائیل کنترل عمده مسائل مربوط به امنیت را (برای خود) حفظ کرد.

۶۷. پیرو افزایش اقدامات خشونت‌آمیز از کرانه باختری، در اوایل دهه ۲۰۰۰ اسرائیل شروع به ساخت حصار پیوسته (از این پس: دیوار) عمدتاً در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی کرد. گزارش دبیرکل اعلام می‌کند که «دولت اسرائیل از ۱۹۹۶ نقشه‌هایی را برای متوقف کردن نفوذ از مرکز و شمال کرانه باختری در نظر گرفته است».^{۲۵} دولت اسرائیل برای اولین بار در ژوئیه ۲۰۰۱ نقشه‌ای از این نوع را پذیرفت. سپس در ارتباط با ساخت دیوار، چندین تصمیم گرفت و در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۳ اعلام شد که بخش اول کارهای مربوطه تکمیل شده است. با وجود نظر دیوان در ۲۰۰۴ مبنی بر اینکه «ساخت دیوار در حال ساخت توسط اسرائیل، به‌عنوان قدرت اشغالگر، در سرزمین اشغالی فلسطین شامل در و پیرامون بیت‌المقدس شرقی و رژیم مرتبط با آن، خلاف حقوق بین‌الملل است»^{۲۶}، ساخت دیوار و نیز توسعه شهرک‌ها در سرزمین اشغالی فلسطین ادامه یافت.

۶۸. گزارش‌ها حاکی از این است که تا ۲۰۰۵، شهرک‌نشینان ساکن در ۲۱ شهرک در نوار غزه و در چهار شهرک در شمال کرانه باختری متعاقب طرح خروج^{۲۷} اسرائیل تخلیه شدند.^{۲۸} تا ۲۰۲۳ تقریباً

25. Report of the Secretary-General of 24 November 2003, UN doc. A/ES-10/248.

26. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 201, para. 163.

27. Disengagement Plan

28. see "Report of the independent international fact-finding mission to investigate the implications of the Israeli settlements on the civil, political, economic, social and cultural rights of the Palestinian people

۴۶۵۰۰۰ شهرک‌نشین در کرانه باختری ساکن شدند که در حدود ۳۰۰ شهرک و پایگاه پخش شدند، در حالی که حدود ۲۳۰۰۰۰ شهرک‌نشین در بیت‌المقدس شرقی اسکان یافتند.^{۲۹} ساکنان شهرک‌ها و پایگاه‌ها در سرزمین اشغالی فلسطین (شهرک‌نشینان) عمدتاً اسرائیلی و نیز یهودی‌های غیراسرائیلی هستند که طبق قانون اسرائیل واجد شرایط دریافت تابعیت اسرائیلی هستند.

۶۹. در ۱۹ نوامبر ۲۰۰۳، شورای امنیت، قطعنامه ۱۵۱۵ (۲۰۰۳) را تصویب کرد که به موجب آن «نقشه راه مبتنی بر عملکرد چهارجانبه در راستای راه‌حل دائمی دوکشوری برای مناقشه اسرائیلی-فلسطینی را تأیید می‌کند». این ترکیب چهارجانبه متشکل از نمایندگان ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، فدراسیون روسیه و ملل متحد است. این قطعنامه از طرف‌ها می‌خواهد که تعهدات خود را به موجب نقشه راه در همکاری با ترکیب چهارگانه و برای دستیابی به چشم‌انداز دوکشوری که در کنار هم در صلح و امنیت زندگی می‌کنند، انجام دهند».

۷۰. در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۲ مجمع عمومی، از جمله با یادآوری قطعنامه ۱۸۱ با وضعیت دولت ناظر غیرعضو در ملل متحد برای فلسطین موافقت کرد.^{۳۰}

۷۱. در ۲۰۱۶ شورای امنیت قطعنامه ۲۳۳۴ (۲۰۱۶) را تصویب کرد که در آن به

«تقویت و تسهیل تلاش‌ها و حمایت‌های دیپلماتیک بین‌المللی و منطقه‌ای با هدف دستیابی بی‌درنگ به صلحی همه‌جانبه، عادلانه و پایدار در خاورمیانه بر مبنای قطعنامه‌های مرتبط شورای امنیت، شروط مرجع مادرید، شامل اصل زمین برای صلح، ابتکار صلح عربی و نقشه راه چهارگانه و پایان دادن به اشغال اسرائیلی که از ۱۹۶۷ شروع شد» ترغیب می‌کند. در ۱۰ مه ۲۰۲۴ مجمع عمومی قطعنامه ES-10/23 را تصویب کرد که در آن «تصمیم گرفته شد دولت فلسطین واجد شرایط عضویت در ملل متحد طبق ماده ۴ منشور ملل متحد است و بنابراین باید به عضویت ملل متحد پذیرفته شود».

در ۱۰ ژوئن ۲۰۲۴ شورای امنیت قطعنامه ۲۷۳۵ (۲۰۲۴) را پذیرفت که به واسطه آن مجدداً بر «تعهد تزلزل‌ناپذیر آن نسبت به چشم‌انداز راه‌حل دودولتی که در آن دو دولت دموکراتیک، اسرائیل و فلسطین در کنار هم در صلح در محدوده مرزهای شناخته‌شده، طبق حقوق بین‌الملل و قطعنامه‌های مرتبط ملل متحد زندگی کنند و در این راستا بر اهمیت اتحاد نوار غزه با کرانه باختری تحت حاکمیت فلسطین» تأکید می‌کند.

throughout the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem”, UN doc. A/HRC/22/63 (7 February 2023) and paragraph 88 below

29. see “Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and in the occupied Syrian Golan”, Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights, UN doc. A/HRC/55/72 (1 February 2024), para. 9.

30. resolution 67/19

۳. محدوده و مفهوم سؤالات مجمع عمومی

۷۲. اکنون دیوان به محدوده و مفهوم دو سؤال مجمع عمومی می‌پردازد و اعلام می‌کند که آن‌ها به صورت ذیل عبارت‌بندی شده‌اند:

«الف: پیامدهای حقوقی نقض‌های مستمر اسرائیل نسبت به حق مردم فلسطین بر تعیین سرنوشت، ناشی از اشغال طولانی‌مدت، شهرک‌سازی، انضمام سرزمین اشغالی فلسطین از ۱۹۶۷ شامل اقدامات با هدف تغییر ترکیب جمعیتی، ماهیت و وضعیت شهر مقدس بیت‌المقدس و ناشی از اتخاذ مقررات و اقدامات تبعیض‌آمیز چیست؟»

ب: چطور سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل که به آن در قسمت (الف) بند ۱۸ اشاره شد، بر وضعیت اشغال تأثیر می‌گذارد و پیامدهای حقوقی این وضعیت برای کلیه دولت‌ها و سازمان ملل چیست؟»
۷۳. دیوان خاطر نشان می‌کند که این سؤالات، محدوده مادی، سرزمینی و زمانی استعمال از دیوان را مشخص می‌کند.

۷۴. در ارتباط با محدوده مادی، سؤال (الف) سه نوع عملکرد را که در سؤال (ب) به‌عنوان سیاست‌ها و رویه اسرائیل توصیف شده مشخص می‌کند: اول، «نقض مستمر حق مردم فلسطین بر تعیین سرنوشت توسط اسرائیل»؛ دوم، «اشغال طولانی‌مدت، شهرک‌سازی و انضمام سرزمین اشغالی فلسطین از ۱۹۶۷ شامل اقدامات با هدف جایگزینی ترکیب جمعیتی، ماهیت و وضعیت شهر مقدس بیت‌المقدس» توسط اسرائیل؛ سوم، «اتخاذ قوانین و اقدامات تبعیض‌آمیز مرتبط از سوی اسرائیل. محدوده خاص هریک از این سیاست‌ها و رویه‌ها در قالب ارزیابی آن‌ها از سوی دیوان به ترتیب تعیین می‌شود. در حال حاضر، دیوان خود را به بررسی ویژگی مشترک همه این موارد محدود می‌کند، یعنی شرایط سؤال (الف) مبنی بر اینکه این سیاست‌ها و رویه‌ها مخالف حقوق بین‌الملل است. برای مثال، عملکرد اسرائیل، نقض قواعد تلقی و قوانین و اقدامات آن، تبعیض‌آمیز قلمداد شده است. اگرچه به موجب کارکرد قضایی آن، دیوان باید خود قانونی بودن سیاست‌ها و رویه‌های مشخص شده توسط مجمع عمومی را تعیین کند.^{۳۱} در نظر مشورتی دیوار، دیوان در نظر گرفت که پیامدهای حقوقی یک اقدام شامل ارزیابی این امر است که آیا این اقدام، «نقض قواعد و اصول حقوق بین‌الملل است» یا خیر.^{۳۲} در قضیه حاضر نیز همان‌طور که در بالا اشاره شد، دیوان در نظر می‌گیرد که سؤال (الف) مستلزم ارزیابی سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل مشخص شده در درخواست، از حیث تطابق با حقوق بین‌الملل است (ن.ک: بند ۴۹).

۷۵. برای انجام این تکلیف، دیوان باید ویژگی‌های اصلی سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل را که در

31. see Accordance with International Law of the Unilateral Declaration of Independence in Respect of Kosovo, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2010 (II), p. 424, paras. 52-53.

32. I.C.J. Reports 2004 (I), p. 154, para. 39.

درخواست مشخص شده، بررسی کند. برای این منظور، دیوان به اطلاعات مندرج در پرونده ارسالی توسط دبیرکل ملل متحد توجه می‌کند (ن.ک: بند ۶ بالا). دیوان همچنین به سایر اطلاعات ارائه شده نزد آن از سوی مشارکت‌کنندگان در پرونده توجه داشته است.

۷۶. تا جایی که به روش‌های اثبات مربوط است، دیوان یادآوری می‌کند که در ارزیابی صلاحیت خود، ادله موجود در اسناد ملل متحد را «تا حدی که دارای ارزش اثباتی بوده و در صورت ضرورت توسط سایر منابع معتبر تأیید شده» در نظر گرفته است.^{۳۳} دیوان ارزش اثباتی گزارش‌های نهادهای رسمی و مستقل را ارزیابی می‌کند، از جمله، بر اساس معیارهایی شامل «(۱) منبع ادله (برای مثال جانبدارانه یا بی‌طرفانه)، (۲) فرایندی که در آن شکل گرفته (برای مثال، گزارش خبری ناشناس یا فرایند قضایی یا شبه‌قضایی) و (۳) کیفیت یا ماهیت ادله (از قبیل اظهارات علیه منفعت، و واقعیات مورد توافق و غیراختلافی)».^{۳۴}

برای بررسی ارزش اثباتی چنین گزارش‌هایی، دیوان به توجه اختصاص یافته در آماده‌سازی گزارش، جامعیت منابع و استقلال تهیه‌کنندگان آن، اهمیت قائل شده است.^{۳۵} دیوان این معیار را در ارزیابی خود نسبت به ارزش اثباتی گزارش‌های ارائه‌شده در این پرونده اعمال خواهد کرد.

۷۷. در این رسیدگی مشورتی، دیوان در نظر می‌گیرد که در درخواست خود، مجمع عمومی به دنبال تعیین تفصیلی سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل نیست. هدف سؤالات مجمع عمومی نزد دیوان، تعیین ماهیت حقوقی سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل توسط دیوان است. بنابراین به منظور صدور نظر مشورتی در این پرونده، لازم نیست دیوان به حقیقت‌یابی در مورد وقایع خاص ادعایی در نقض حقوق بین‌الملل بپردازد. دیوان صرفاً لازم است خصوصیات اصلی سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل را تعیین کند و بر این مبنا، تطابق این سیاست‌ها و رویه‌ها را با حقوق بین‌الملل ارزیابی کند. دیوان پیش از این به این نتیجه رسیده است که اطلاعات لازم برای انجام این وظیفه را در اختیار دارد (ن.ک: بند ۴۷ بالا).

۷۸. سؤال (الف) از نظر محدوده سرزمینی به سرزمین فلسطین اشغالی از ۱۹۶۷ اشاره دارد که کرانه باختری، بیت‌المقدس شرقی و نوار غزه را در بر می‌گیرد. دیوان متذکر می‌شود که ارکان و نهادهای مختلف سازمان ملل، اغلب به‌طور خاص به بخش‌های مختلف سرزمین اشغالی فلسطین اشاره می‌کنند. دیوان همچنین در نظر مشورتی حاضر در صورت لزوم، این کار را انجام خواهد داد.

33. *Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda)*, Judgment, I.C.J. Reports 2005, p. 239, para. 205.

34. *Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro)*, Judgment, I.C.J. Reports 2007 (I), p. 135, para. 227; *Application of the International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism and of the International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (Ukraine v. Russian Federation)*, Judgment of 31 January 2024, para. 175.

35. see *Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro)*, Judgment, I.C.J. Reports 2007 (I), p. 137, para. 230.

اما دیوان یادآوری می‌کند که از منظر حقوقی، سرزمین فلسطین اشغالی واحد ارضی واحدی است که وحدت، مجاورت و یکپارچگی آن باید حفظ شده و مورد احترام قرار گیرد.^{۳۶} بنابراین تمام ارجاعات این نظر به سرزمین اشغالی فلسطین، اشاره به این محدوده سرزمینی واحد است.

۷۹. دیوان همچنین متذکر می‌شود که این سؤال به اقدامات مربوط به شهر مقدس بیت‌المقدس اشاره می‌کند. معنای عادی این اصطلاح مبهم است: ممکن است به کل شهر بیت‌المقدس اشاره داشته باشد، با حدودی که در قطعنامه ۱۸۱ (II) مجمع عمومی در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ تعیین شده است. ممکن است به یکی از دو بخش شهر پس از توافقنامه آتش‌بس عمومی ۱۹۴۹ بین اسرائیل و اردن اشاره داشته باشد (ن.ک: بند ۵۴ بالا). یا ممکن است به یک منطقه جغرافیایی بزرگ‌تر اشاره داشته باشد. اگرچه ممکن است معنای معمولی این اصطلاح تحت تعابیر متعدد باشد، سیاق آن، توضیح مفیدی را در مورد حاضر ارائه می‌دهد. همان‌طور که دیوان در بالا اشاره کرد، دامنه سؤال از نظر جغرافیایی به سرزمین اشغالی فلسطین محدود شده است. همچنین عنوان و متن قطعنامه چندین بار به‌طور خاص به بیت‌المقدس شرقی اشاره دارد. با توجه به این زمینه، دیوان بر این نظر است که سؤال مجمع عمومی در مورد شهر مقدس بیت‌المقدس، محدود به اقدامات اسرائیل در بیت‌المقدس شرقی است.

۸۰. از نظر دامنه زمانی، سؤال (الف) از دیوان می‌خواهد که اقدامات اسرائیل در سرزمین فلسطین اشغالی از ۱۹۶۷ را در نظر بگیرد. اما دیوان از توجه به وقایع پیش از اشغال، تا جایی که این امر برای انجام صحیح عملکرد قضایی آن ضروری باشد، منع نشده است.

۸۱. دیوان خاطر نشان می‌کند که درخواست نظر مشورتی توسط مجمع عمومی در ۳۰ دسامبر ۲۰۲۲ پذیرفته شد و از دیوان خواست تا به سیاست‌ها و رویه‌های مستمر یا مداوم اسرائیل رسیدگی کند.^{۳۷} بنابراین، دیوان بر این نظر است که سیاست‌ها و اقدامات مورد نظر در درخواست مجمع عمومی شامل رفتار اسرائیل در نوار غزه در پاسخ به حمله‌ای که حماس و سایر گروه‌های مسلح علیه آن در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ انجام دادند، نمی‌شود.

۸۲. سؤال (ب) دارای دو بخش است. بخش اول از دیوان می‌خواهد تا ارزیابی کند که چگونه سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل که توسط مجمع عمومی شناسایی شده «بر وضعیت حقوقی اشغال تأثیر می‌گذارد». دیوان اشاره می‌کند که استفاده از فعل تأثیرگذاری/گذاشتن به این احتمال اشاره دارد که ممکن است چنین سیاست‌ها و اقداماتی تغییراتی در وضعیت حقوقی ایجاد کند. اما دامنه بخش اول سؤال به معنای عبارت وضعیت حقوقی اشغال در زمینه کلی سؤال (ب) بستگی دارد. وضعیت حقوقی در

36. General Assembly resolution 77/247, para. 12; Article XI of the Oslo II Accord; General Assembly resolution ES-10/20 (2018), sixteenth preambular paragraph; Security Council resolution 1860 (2009), second preambular paragraph; Security Council resolution 2720 (2023), fourth preambular paragraph

37. see resolution 77/247, twenty-eighth and twenty-ninth preambular paragraphs, and paragraph 18 (a).

معنای عادی آن به معنای ماهیتی است که قانون به یک نهاد، یک شخص یا یک پدیده اختصاص داده است. در شرایط فعلی، دیوان بر این عقیده است که بخش اول سؤال (ب) از دادگاه می‌خواهد تا نحوه تأثیرگذاری سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل بر وضعیت حقوقی اشغال و در نتیجه، قانونی بودن ادامه حضور اسرائیل را به‌عنوان قدرت اشغالگر در اراضی اشغالی فلسطین مشخص کند. این موضوع که آیا چنین سیاست‌ها و اقداماتی واقعاً بر وضعیت حقوقی اشغال تأثیر دارد یا خیر، توسط دیوان در بخش مقدماتی پاسخ به سؤال (ب) در زیر بررسی خواهد شد و در مورد دامنه سؤال، در پرتو پاسخ به سؤال (الف) مجمع عمومی بیشتر توضیح داده خواهد شد (ن.ک: بندهای ۲۴۴-۲۵۰ زیر).

۸۳. دیوان متذکر می‌شود که هر دو سؤال (الف) و بخش دوم سؤال (ب) از آن می‌خواهد که به ترتیب پیامدهای قانونی ناشی از سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل و ادامه حضور آن به‌عنوان قدرت اشغالگر در سرزمین اشغالی فلسطین را تعیین کند. اگر و تا حدی که دیوان تشخیص دهد که هر یک از سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل یا ادامه حضور آن در سرزمین اشغالی فلسطین مغایر با حقوق بین‌الملل است، دیوان پیامدهای حقوقی ناشی از چنین یافته‌هایی را برای اسرائیل، برای سایر دولت‌ها و برای سازمان ملل بررسی خواهد کرد.

۴. قواعد قابل اعمال

۸۴. دیوان با تعیین دامنه و مفهوم سؤالات مجمع عمومی، باید قواعد قابل اعمال را تعیین کند. مجمع عمومی در درخواست خود از دیوان به موارد زیر اشاره می‌کند:
«قواعد و اصول حقوق بین‌الملل، شامل منشور ملل متحد، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بین‌الملل بشر، قطعنامه‌های مرتبط شورای امنیت، مجمع عمومی و شورای حقوق بشر و نظر مشورتی دیوان در ۹ ژوئیه ۲۰۰۴».

۸۵. کاربرد برخی از قواعد حقوق بین‌الملل در قلمرو مربوطه، بستگی به وضعیت آن سرزمین بر اساس حقوق بین‌الملل دارد. دیوان ابتدا وضعیت سرزمین اشغالی فلسطین را به موجب حقوق بین‌الملل مشخص خواهد کرد. سپس دیوان تعیین خواهد کرد که کدام قواعد حقوق بین‌الملل برای پاسخ به سؤالات مجمع عمومی مرتبط است.

۸۶. سؤالات مجمع عمومی بر این فرض استوار است که سرزمین اشغالی فلسطین توسط اسرائیل اشغال شده است. دیوان در نظر مشورتی دیوار خود، شرایطی را که تحت آن یک وضعیت اشغالی ایجاد می‌شود، بیان کرد:

«طبق حقوق بین‌الملل عرفی، همان‌طور که... در ماده ۴۲ مقررات مربوط به قواعد و

عرف‌های جنگ بر روی زمین، ضمیمه کنوانسیون چهارم لاهه ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ منعکس شده است ... سرزمین زمانی اشغال شده تلقی می‌شود که عملاً تحت اختیار ارتش متخاصم قرار گیرد و اشغال تنها به سرزمینی که چنین اقتداری در آنجا ایجاد شده و قابل اعمال است، تسری می‌یابد.^{۳۸}

۸۷. در همان نظر مشورتی، دیوان مشاهده کرد که در مخاصمه مسلحانه ۱۹۶۷، اسرائیل سرزمین‌های واقع بین خط سبز و مرز شرقی سابق فلسطین تحت قیمومیت بریتانیا، یعنی کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی را اشغال کرد.^{۳۹} دیوان تأیید کرد که رویدادهای بعدی وضعیت سرزمین‌های مورد بحث را به‌عنوان سرزمین‌های اشغالی و همچنین وضعیت اسرائیل به‌عنوان قدرت اشغالگر را تغییر نداده است.^{۴۰}

۸۸. در نظر مشورتی دیوار، دیوان نظری در مورد وضعیت حقوقی نوار غزه ابراز نکرد زیرا ساخت دیوار بر نوار غزه تأثیری نداشت. نوار غزه، بخشی جدایی‌ناپذیر از سرزمینی است که در ۱۹۶۷ توسط اسرائیل اشغال شد (ن.ک: بند ۷۸ بالا). پس از مخاصمه مسلحانه ۱۹۶۷، اسرائیل به‌عنوان قدرت اشغالگر، نوار غزه را تحت کنترل مؤثر خود قرار داد. اما در ۲۰۰۴، اسرائیل، طرح خروج را اعلام کرد. طبق آن طرح، اسرائیل می‌بایست به حضور نظامی خود در نوار غزه و در چندین منطقه در بخش شمالی کرانه باختری پایان می‌داد.^{۴۱} تا ۲۰۰۵، اسرائیل عقب‌نشینی ارتش خود و حذف شهرک‌ها در نوار غزه را به پایان رساند.

۸۹. اما کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی در مورد سرزمین اشغالی فلسطین، از جمله بیت‌المقدس شرقی و اسرائیل^{۴۲} (از این پس کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی) گزارش می‌دهد که اسرائیل کنترل خود را (بر غزه) حفظ می‌کند «از جمله بر حریم هوایی و آب‌های سرزمینی غزه و همچنین گذرگاه‌های زمینی آن در مرزها، تأمین زیرساخت‌های غیرنظامی، از جمله آب و برق و وظایف کلیدی دولتی مانند مدیریت ثبت جمعیت فلسطین».^{۴۳} این امر به‌واسطه یافته‌های قبلی کمیسیون تحقیق مستقل که بر اساس قطعنامه S-21/1 شورای

38. I.C.J. Reports 2004 (I), p. 167, para. 78; see also *Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda)*, Judgment, I.C.J. Reports 2005, p. 229, para. 172.

39. I.C.J. Reports 2004 (I), p. 167, para. 78.

40. *ibid.*

41. Israeli Ministry of Foreign Affairs, "The Cabinet Resolution Regarding the Disengagement Plan" (6 June 2004); see also "Prime Minister Ariel Sharon's Address to the Knesset - The Vote on the Disengagement Plan" (25 October 2004).

42. Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel

43. Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel, UN doc. A/77/328 (14 September 2022), para. 19.

حقوق بشر تأسیس شده بود، تأیید می‌شود که بیان می‌کرد

«وقایع از زمان خروج در ۲۰۰۵، از جمله گشت‌زنی مداوم در دریای سرزمینی مجاور غزه توسط نیروی دریایی اسرائیل و پروازهای نظارتی مداوم هواپیماهای نیروهای دفاعی اسرائیلی،^{۴۴} به‌ویژه هواپیماهای خلبانی از راه دور، ادامهٔ انحصاری کنترل حریم هوایی و دریایی غزه توسط اسرائیل را نشان می‌دهد که به استثنای فعالیت‌های ماهیگیری محدود، فلسطینیان مجاز به استفاده از آن‌ها نیستند. از سال ۲۰۰۰ نیروهای دفاعی اسرائیلی همچنین به‌طور مداوم یک منطقهٔ ممنوعه با عرض‌های مختلف در داخل غزه در امتداد حصار خط سبز اعمال کرده‌اند. حتی در دوره‌هایی که هیچ خصومت فعالی رخ نمی‌دهد، ارتش اسرائیل به‌طور منظم عملیاتی مانند تسطیح زمین را در آن منطقه انجام می‌دهد. اسرائیل بازار پولی محلی را تنظیم می‌کند که بر اساس واحد پول اسرائیل است و بر عوارض گمرکی کنترل دارد. طبق سازکار بازسازی غزه، اسرائیل به اعمال درجهٔ بالایی از کنترل بر صنعت ساخت و ساز در غزه ادامه می‌دهد. نقشه‌های طرح‌های بخش دولتی و خصوصی در مقیاس بزرگ و همچنین مقادیر مشخص شدهٔ مصالح ساختمانی مورد نیاز باید به تأیید دولت اسرائیل برسد. اسرائیل همچنین فهرست جمعیت فلسطین را که در مورد کرانهٔ باختری و غزه مشترک است، کنترل می‌کند و کارت‌های شناسایی فلسطینی تنها با تأیید اسرائیل قابل صدور یا اصلاح هستند. اسرائیل همچنین تمامی گذرگاه‌هایی را که اجازهٔ دسترسی به غزه و از غزه را می‌دهد، تنظیم می‌کند. اگرچه گذرگاه رفح را مصر اداره می‌کند، اسرائیل همچنان کنترل زیادی را اعمال می‌کند زیرا فقط فلسطینی‌های دارای گذرنامه، اجازهٔ عبور دارند و گذرنامه فقط برای افرادی صادر می‌شود که [نامشان] در فهرست تهیه‌شده توسط اسرائیل وجود دارد».^{۴۵}

۹۰. در این شرایط، دیوان باید تعیین کند که آیا و چگونه عقب‌نشینی اسرائیل از حضور فیزیکی نظامی آن بر روی زمین از نوار غزه در ۲۰۰۴-۲۰۰۵ بر تعهداتش طبق حقوق اشغال در آن منطقه اثر گذاشت. آن گونه که دیوان در بالا اظهار داشت (ن.ک: بند ۸۶)، سرزمین زمانی اشغال شده محسوب می‌شود که عملاً تحت اختیار ارتش متخاصم قرار گرفته باشد. یک دولت، در زمانی و تا حدی که بر سرزمینی که متعلق به خودش نیست اعمال کنترل مؤثر می‌نماید، آن را اشغال کرده است. بنابراین نمی‌توان دولت را قدرت اشغالگر دانست، مگر اینکه و تا زمانی که سرزمینی را که متعلق به خودش نیست تحت کنترل خود قرار دهد.^{۴۶}

44. Israeli Defense Forces (IDF)

45. Report of the detailed findings of the independent commission of inquiry established pursuant to Human Rights Council resolution S-21/1", UN doc. A/HRC/29/CRP.4 (24 June 2015), para. 29.

46. see Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), Judgment, I.C.J. Reports 2005, p. 230, para. 173.

۹۱. در جایی که دولتی سرزمینی را تحت کنترل مؤثر خود قرار داده، ممکن است در وضعیتی باشد که اقتدارش را علی‌رغم عدم حضور فیزیکی نظامی بر روی زمین حفظ کرده و به اعمال آن ادامه دهد. حضور فیزیکی نظامی در سرزمین اشغالی برای اعمال کنترل مؤثر دولت، تا زمانی که دولت مورد نظر توانایی اعمال اقتدارات خود را داشته باشد، از جمله اینکه بتواند حضور فیزیکی خود را طی زمان معقول تحمیل کند، ضروری نیست.^{۴۷}

۹۲. تحلیل پیشین نشان می‌دهد که، با هدف تعیین اینکه آیا یک سرزمین طبق حقوق بین‌الملل، اشغالی باقی مانده، ملاک تعیین‌کننده این نیست که آیا قدرت اشغالگر همیشه حضور نظامی فیزیکی خود در سرزمین را در همه زمان‌ها حفظ می‌کند، بلکه این است که آیا اقتدار آن تثبیت شده است و می‌تواند اعمال شود یا خیر (ماده ۴۲ مقررات رعایت حقوق و عرف‌های جنگ زمینی ضمیمه به کنوانسیون چهارم لاهه ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷؛ از این پس: مقررات لاهه). در جایی که قدرت اشغالگر، با تثبیت اقتدار پیشین خود در سرزمین اشغالی، از حضور نظامی خود به‌طور جزئی یا کامل عقب‌نشینی می‌کند، می‌تواند همچنان طبق حقوق اشغال، تا حدی که قادر به اجرای عناصری از اقتدارش به جای دولت محلی باشد و به اجرای آن ادامه دهد، تعهداتی داشته باشد.

۹۳. دیوان بر مبنای اطلاعات نزد خود بر این نظر است که اسرائیل قادر به اجرا و ادامه اجرای برخی از عناصر کلیدی اقتدار بر نوار غزه از جمله کنترل مرزهای زمینی، دریایی و هوایی، محدودیت‌هایی بر رفت و آمد مردم و کالاها، جمع‌آوری مالیات‌های واردات و صادرات و کنترل نظامی بر منطقه حائل، علی‌رغم عقب‌نشینی از حضور نظامی در ۲۰۰۵ است. این [اقتدار] حتی از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بیشتر شده است.

۹۴. در پرتو این موارد، دیوان بر این دیدگاه است که عقب‌نشینی اسرائیل از نوار غزه کاملاً آن را از تعهداتش ذیل حقوق اشغال رها نکرده است. تعهدات اسرائیل متناسب با میزان کنترل مؤثر آن بر نوار غزه باقی مانده است.

۹۵. اکنون دیوان به قواعد و اصول مرتبط برای پاسخ به سؤالات مطروحه می‌پردازد. اینها شامل ممنوعیت اکتساب سرزمین با تهدید یا استفاده از زور و حق مردمان به تعیین سرنوشت است که در منشور ملل متحد مطرح شده و همچنین بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی را تشکیل می‌دهد. دیوان این قواعد و اصول را در ذیل، در چارچوب بحث راجع به جنبه‌های مختلف سؤال ارائه شده به آن تشریح خواهد کرد.

47. for example, see United States Military Tribunal, USA v. Wilhelm List and others (Hostage case) (19 February 1948), Trials of War Criminals before the Nuremberg Military Tribunals under Control Council Law No. 10, Vol. XI, p. 1243; International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia, Prosecutor v. Mladen Naletilić and Vinko Martinović, IT-98-34-T, Trial Chamber, Judgement, 31 March 2003, para. 217.

۹۶. افزون بر این، حقوق بین‌الملل بشردوستانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اختیارات و وظایف اسرائیل در اراضی اشغالی فلسطین طبق کنوانسیون ژنو در رابطه با حمایت از اشخاص غیرنظامی در زمان جنگ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ (از این پس: کنوانسیون چهارم ژنو) و حقوق بین‌الملل عرفی اداره می‌شود. همان‌گونه که دیوان در نظریه مشورتی دیوار بیان کرد، «در صورت بروز مخاصمات مسلحانه بین دو یا چند طرف عالی متعاهد، کنوانسیون چهارم ژنو در هر سرزمین اشغالی قابل اجراست».^{۴۸} مصر، اسرائیل و اردن، همه در زمان وقوع مخاصمه مسلحانه ۱۹۶۷ عضو آن کنوانسیون بودند. بنابراین، کنوانسیون چهارم ژنو در سرزمین اشغالی فلسطین قابل اعمال است. بسیاری از قواعد آن کنوانسیون به قدری برای احترام به شخص انسان و ملاحظات اولیه انسانی بنیادی هستند که باید «توسط همه دولت‌ها، خواه کنوانسیون‌های حاوی آن‌ها را تصویب کرده باشند یا خیر رعایت شوند زیرا آن‌ها اصول تخطی‌ناپذیر حقوق بین‌الملل عرفی را تشکیل می‌دهند».^{۴۹} طبق ماده ۱۵۴ کنوانسیون چهارم ژنو، آن کنوانسیون نسبت به قواعد مندرج در بخش‌های ۲ و ۳ قواعد لاهه، تکمیلی محسوب می‌شود. همان‌طور که دیوان بیان کرده است، قواعد لاهه، بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی شده است^{۵۰} و بنابراین نسبت به اسرائیل الزام‌آور است.

۹۷. در رابطه با قواعد بین‌المللی حقوق بشر، دیوان اظهار داشت که اسرائیل عضو چندین سند حقوقی دربردارنده تعهدات حقوق بشری است، از جمله کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ (از این پس: کنوانسیون رفع تبعیض نژادی)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ (از این پس: میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹ دسامبر ۱۹۶۶ (از این پس: میثاق حقوق مدنی و سیاسی).

۹۸. بسیاری از مشارکت‌کنندگان بیان کردند که هر دو دسته از قواعد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در وضعیت مخاصمه مسلحانه یا اشغال اعمال می‌شود. به علاوه آن‌ها ادعا می‌کنند که قلمرو اعمال قواعد بین‌المللی حقوق بشر تنها به مرزهای سرزمینی دولت بستگی ندارد، بلکه در رابطه با اعمالی که یک دولت در اجرای صلاحیتش در خارج از سرزمین خود انجام می‌دهد، قابل اعمال است.

۹۹. دیوان در این رابطه خاطر نشان می‌کند که «اسناد بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با اقدامات یک دولت در اعمال صلاحیتش در خارج از سرزمین خود، به‌ویژه در سرزمین‌های اشغالی» قابل

48. I.C.J. Reports 2004 (I), p. 177, para. 101.

49. see *ibid.*, p. 199, para. 157; citing *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion*, I.C.J. Reports 1996 (I), p. 257, para. 79). These rules incorporate obligations which are essentially of an erga omnes character (*Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion*, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 199, para. 157).

50. *ibid.*, p. 172, para. 89.

اعمال است^{۵۱} و حمایت اعطاشده توسط کنوانسیون‌های حقوق بشری در مورد مخاصمه مسلحانه یا اشغال متوقف نمی‌شود.^{۵۲} ممکن است برخی حقوق منحصرأ مربوط به حقوق بشردوستانه بین‌المللی باشد؛ سایر موارد ممکن است منحصرأ از موضوعات حقوق بشر باشد. اما موارد دیگری ممکن است به هر دوی این شاخه از حقوق بین‌الملل مربوط باشند.^{۵۳}

۱۰۰. دیوان اظهار می‌دارد که اسرائیل به میثاق حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در خصوص رفتارش نسبت به سرزمین فلسطین اشغالی متعهد است.^{۵۴}

۱۰۱. در رابطه با کنوانسیون رفع تبعیض نژادی، دیوان اشاره می‌کند که کنوانسیون دربردارنده هیچ مقرره‌ای نیست که صراحتاً اجرای سرزمینی آن را محدود کند. در مقابل، برخی از این مقررات، تعهداتی را بر دولت‌های عضو تحمیل می‌کند که در سرزمین‌های تحت صلاحیت‌شان^{۵۵} (ماده ۳ کنوانسیون رفع تبعیض نژادی) یا در رابطه با افراد داخل در صلاحیت‌شان^{۵۶} (ماده ۶ کنوانسیون رفع تبعیض نژادی، همچنین، ن.ک: بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۴ کنوانسیون رفع تبعیض نژادی) قابل اعمال است. این نشان می‌دهد که کنوانسیون رفع تبعیض نژادی بر رفتار دولت عضو که به ورای سرزمینش اثر می‌گذارد نیز قابل اعمال است. با اشاره به سرزمین اشغالی فلسطین به‌طور خاص، کمیته محو کلیه اشکال تبعیض نژادی (از این پس، کمیته) این دیدگاه را اتخاذ کرده است که کنوانسیون رفع تبعیض نژادی بر اعمال اسرائیل در خصوص اشخاصی که در آن سرزمین هستند، قابل اعمال است.^{۵۷} از نظر دیوان، اسرائیل باید از تعهداتش ذیل کنوانسیون رفع تبعیض نژادی در شرایطی که صلاحیتش را در خارج از سرزمینش اعمال می‌کند، متابعت نماید.

۱۰۲. چندین مشارکت‌کننده در رسیدگی‌های حاضر، دیدگاه‌های متفاوتی را در رابطه با پیمان‌های اسلو به‌طور کلی بیان کردند (ن.ک: بند ۶۵ بالا). طرفین پیمان‌های اسلو بر سر اجرای اختیارات و مسئولیت‌هایشان متعاقب پیمان‌ها «با توجه به هنجارها و اصول پذیرفته‌شده بین‌المللی حقوق بشر و حاکمیت قانون» توافق کردند.^{۵۸} دیوان خاطر نشان می‌کند که حقوق مشروع مردم فلسطین شامل

51. *Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda)*, Judgment, I.C.J. Reports 2005, p. 243, para. 216, citing *Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), pp. 178-181, paras. 107-113.

52. *Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 178, para. 106.

53. *ibid.*

54. See: *Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), pp. 180-181, paras. 111-112.

55. Article 3 of CERD

56. Article 6 of CERD; see also Article 14, paragraphs 1 and 2, of CERD

57. CERD Committee, "Concluding observations on the combined seventeenth to nineteenth reports of Israel", UN doc. CERD/C/ISR/CO/17-19 (27 January 2020), paras. 9-10; CERD Committee, "Consideration of reports submitted by States parties under Article 9 of the Convention: Concluding observations of the Committee on the Elimination of Racial Discrimination: Israel", UN doc. CERD/C/304/Add.45 (30 March 1998), para. 12.

58. Oslo II Accord, Art. XIX

حق تعیین سرنوشت در پیمان‌های اسلو شناسایی شده است.^{۵۹} به‌علاوه پیمان‌های اسلو طرفین را از «آغاز یا اتخاذ هر گامی که وضعیت کرانه باختری و نوار غزه را تا به نتیجه رسیدن مذاکرات راجع به وضعیت دائمی تغییر دهد، منع کرده است».^{۶۰} دیوان اظهار می‌دارد که در تفسیر پیمان‌های اسلو، توجه به ماده ۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو ضرورت دارد که مقرر می‌دارد جمعیت تحت حمایت نباید از منافع کنوانسیون «به وسیله هر توافقی منعه بین مقامات سرزمین‌های اشغالی و قدرت اشغالگر محروم شوند». بنا بر همه این دلایل، دیوان بر این نظر است که پیمان‌های اسلو نمی‌تواند به‌گونه‌ای فهمیده شود که تعهدات اسرائیل را ذیل قواعد حقوق بین‌الملل مربوطه قابل اجرا در سرزمین اشغالی فلسطین کاهش دهد. با نظر داشت این نکته، دیوان به‌طور مقتضی به پیمان‌های اسلو توجه خواهد کرد.

۵. سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین

۱۰۳. اکنون دیوان مطابقت سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل را در سرزمین اشغالی فلسطین، آن‌گونه که در سؤال (الف) مشخص شده، با تعهداتش طبق حقوق بین‌الملل ارزیابی خواهد کرد. به‌طور ویژه، تحلیل دیوان به‌ترتیب، مسائل اشغال مستمر، سیاست شهرک‌سازی اسرائیل، انضمام سرزمین اشغالی فلسطین از ۱۹۶۷ و وضع قوانین و اقدامات مربوطه را که ادعا شده تبعیض‌آمیز است ارزیابی خواهد کرد. دیوان بعد از در نظر آوردن دیگر سؤالات، ارزیابی خواهد کرد که آیا و چگونه سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل بر حق مردم فلسطین بر تعیین سرنوشت اثر خواهد گذاشت.

الف. مسئله اشغال طولانی مدت

۱۰۴. بخشی از سؤال (الف) راجع به آثار حقوقی ناشی از اشغال مستمر سرزمین اشغالی فلسطین توسط اسرائیل است. در این رابطه، دیوان اشاره می‌کند که اشغال توسط اسرائیل بیش از ۷۵ سال به طول انجامیده است. به منظور پاسخ به این جنبه از سؤال، دیوان باید به ارتباط بین اسرائیل به‌عنوان قدرت اشغالگر، و جمعیت تحت حمایت سرزمین اشغالی که تحت حاکمیت حقوق اشغال است، بپردازد.

۱۰۵. یک دولت به استناد وضعیتش به‌عنوان قدرت اشغالگر، در رابطه با سرزمینی که کنترل مؤثر خود را بر آن اعمال می‌کند، مجموعه‌ای از اختیارات و وظایف دارد. در این چارچوب، قدرت اشغالگر وظیفه دارد که سرزمین را به نفع جمعیت محلی اداره کند. هیچ چیزی در کنوانسیون چهارم ژنو و حقوق بین‌الملل عرفی وجود ندارد که نشان دهد ماهیت و قلمرو اختیارات و وظایف قدرت اشغالگر منوط به شرایطی است که اشغال از طریق آن صورت گرفته است، بلکه ماهیت و قلمرو این اختیارات

59. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 183, para. 118.

60. Oslo II Accord, Art. XXXI (7)

و وظایف، همیشه بر این فرض قرار دارد که: اشغال، یک وضعیت موقت در واکنش به ضرورت نظامی است و نمی‌تواند حق حاکمیت را به قدرت اشغالگر منتقل کند.

۱۰۶. این فرض بر چند قاعده از حقوق اشغال استوار است. طبق ماده ۶۴ کنوانسیون چهارم ژنو و قاعده مندرج در ماده ۴۳ قواعد لاهه، برای مثال، قدرت اشغالگر در اصل متعهد است به حقوق حاکم بر سرزمین اشغال شده احترام بگذارد. به همین صورت، طبق بند ۵ ماده ۵۰ کنوانسیون چهارم ژنو، قدرت اشغالگر نمی‌تواند مانع اجرای مجموعه‌ای از اقدامات ترجیحی اتخاذ شده قبل از اشغال شود و طبق بند ۱ ماده ۵۴ نمی‌تواند وضعیت مقامات عمومی یا قضات را در سرزمین اشغال شده تغییر دهد. به علاوه قواعد مندرج در ماده ۵۵ قواعد لاهه فقط به قدرت اشغالگر وضعیت اداره کننده و دارنده حق انتفاع ساختمان‌های عمومی، مستغلات، جنگل‌ها و زمین‌های کشاورزی در سرزمین اشغال شده اعطا می‌کند. این مقررات تأکید می‌کنند که اشغال به‌عنوان وضعیت موقتی امور شناخته می‌شود که در طول آن، اعمال اقتدار قدرت اشغالگر بر سرزمین خارجی برای منفعت جمعیت محلی تحمل می‌شود.

۱۰۷. همین فرض همچنین بعد موقت اختیارات و وظایف محول شده بر قدرت اشغالگر طبق حقوق اشغال را توضیح می‌دهد. دیوان در این رابطه اظهار می‌دارد که بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون چهارم ژنو، محدوده زمانی موقت را نسبت به تعهدات یک دولت در مقام خود به‌عنوان قدرت اشغالگر مقرر می‌دارد. این محدوده اجرای برخی مقررات کنوانسیون چهارم ژنو، هدفش رهاسازی دولت‌ها از تعهداتشان طبق این کنوانسیون در وضعیت‌های اشغال مستمر نبوده است، بلکه کارهای مقدماتی کنوانسیون چهارم ژنو نشان می‌دهد که این محدوده مبتنی بر این درک است که در محدوده یک سال پس از اتمام عملیات نظامی، مقامات محلی در سرزمین اشغالی، غالباً اجرای وظایف دولتی را از سر خواهند گرفت. بر این اساس، اجرای مستمر این وظایف توسط قدرت اشغالگر ضروری نخواهد بود.^{۶۱} اما اگر مقامات محلی فعالیت‌های دولتی را از سرنگرفته باشند، قدرت اشغالگر از تعهدات ناشی از کنترل مؤثر مستمر بر سرزمین اشغالی معاف نمی‌شود. وظیفه ابتدایی آن به اداره سرزمین به نفع جمعیت محلی و کلیه تعهدات فردی برآمده از آن، پابرجاست. نتیجه‌گیری غیر از این، با هدف و موضوع کنوانسیون چهارم ژنو مغایر خواهد بود و جمعیت تحت اشغال طولانی مدت را از حمایتی که طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه از آن برخوردارند، محروم خواهد کرد. بر این اساس، دیوان بر این نظر است که در شرایطی که مقامات محلی در سرزمین اشغالی یک سال پس از پایان عملیات نظامی اجرای وظایف دولتی را از سر نگرفته‌اند، علی‌رغم بند ۳ ماده ۶، تعهدات قدرت اشغالگر ذیل کنوانسیون چهارم ژنو به قوت خود باقی است. دیوان همچنین متذکر می‌شود که هیچ محدودیت زمانی برای اجرای تعهدات قدرت اشغالگر طبق قواعد لاهه وجود ندارد.

61. Final Record of the Diplomatic Conference of Geneva of 1949, Vol. II, section A, Report of Committee III to the Plenary Assembly of the Diplomatic Conference of Geneva, pp. 815-816.

۱۰۸. افزون بر این، از ماده ۶ کنوانسیون چهارم ژنو چنین بر نمی‌آید که در موارد اشغال طولانی‌مدت، قدرت اشغالگر از طریق گذر زمان، اختیارات بیشتری را به دست می‌آورد. واقعیت این است که اشغال، صرف‌نظر از مدت زمان آن، نمی‌تواند منجر به انتقال حق حاکمیت شود. بنابراین، گذر زمان، قدرت اشغالگر را از تعهداتی که بر عهده دارد، از جمله تعهد به خودداری از اجرای اعمال حاکمیتی، معاف نمی‌دارد. همچنین اختیارات محدود و معدودی را که حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر عهده قدرت اشغالگر گذاشته است، گسترش نمی‌دهد.

۱۰۹. این واقعیت که اشغال طولانی شده است، به خودی خود وضعیت حقوقی آن را مطابق حقوق بین‌الملل بشردوستانه تغییر نمی‌دهد؛ اگرچه بر اساس ماهیت موقت اشغال، حقوق اشغال، محدودیت‌های موقتی را تعیین نمی‌کند که به این ترتیب، وضعیت حقوقی اشغال را تغییر دهد. در عوض، قانونی بودن حضور قدرت اشغالگر در سرزمین اشغالی باید در پرتو دیگر قواعد ارزیابی شود. به‌ویژه، اشغال، اعمال کنترل مؤثر یک دولت در سرزمین خارجی است (ن.ک: بندهای ۹۱-۹۲ بالا). بنابراین برای اینکه مجاز باشد، این اجرای کنترل مؤثر باید در هر زمان مطابق با قواعد مربوط به ممنوعیت تهدید یا توسل به زور از جمله ممنوعیت اکتساب سرزمین از طریق تهدید یا توسل به زور و نیز حق تعیین سرنوشت باشد. بنابراین، این واقعیت که اشغال طولانی شده است ممکن است بر توجیه ادامه حضور قدرت اشغالگر در سرزمین اشغالی ذیل حقوق بین‌الملل تأثیر داشته باشد. دیوان این موضوعات را در زیر (ن.ک: بندهای ۱۵۷-۱۷۹ و ۲۳۰-۲۴۳) بررسی خواهد کرد.

۱۱۰. در این بستر است که باید سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل، همچنین حضور مستمر آن در سرزمین اشغالی فلسطین بررسی شود. اکنون دیوان به این سیاست‌ها و اقدامات خواهد پرداخت و ابتدا از سیاست شهرک‌سازی اسرائیل شروع خواهد کرد.

ب. سیاست شهرک‌سازی ۱. بررسی اجمالی

۱۱۱. بخشی از سؤال (الف) مجمع عمومی درباره آثار حقوقی ناشی از سیاست شهرک‌سازی اسرائیل است. دیوان اشاره می‌کند که درجه خاصی از ابهام در اصطلاح انگلیسی settlement که در قطعنامه مجمع عمومی و دیگر متون استفاده شده، وجود دارد. این اصطلاح می‌تواند با اشاره به جوامع اسرائیلی مقیم در سرزمین اشغالی فلسطین که توسط اسرائیل، مستقر یا حمایت شده‌اند فهمیده شود؛ همچنین ممکن است مشتمل بر همه ساختارهای فیزیکی و غیرفیزیکی و رویه‌هایی باشد که استقرار، گسترش و حفظ این جوامع را ایجاد، ممکن و پشتیبانی می‌کند. در فرانسوی، این

دو مفهوم، به ترتیب از طریق استفاده از اصطلاح‌های colonie و colonization متمایز شده‌اند. نسخه فرانسوی قطعنامه از اصطلاح colonisation استفاده می‌کند؛ بنابراین نشان می‌دهد که دیوان به ارزیابی سیاست اسرائیل در رابطه با شهرک‌سازی‌ها به طور جامع فراخوانده شده است. واقعیت این است که سؤال (ب) که زمینه تفسیر سؤال (الف) را تشکیل می‌دهد، شهرک‌سازی را به عنوان سیاست یا اقدام توصیف می‌کند که این تفسیر را تأیید می‌کند.

۱۱۲. دیوان آگاه است که گاهی تمایزی بین شهرک‌ها و پایگاه‌ها وجود دارد، که مورد اخیر برخلاف حقوق داخلی اسرائیل ایجاد شده است. در نظر دیوان، این تمایز به منظور تعیین اینکه آیا جوامع مورد بحث، بخشی از سیاست شهرک‌سازی اسرائیل را تشکیل می‌دهند، اهمیتی ندارد. آنچه اهمیت دارد آن است که آیا اینها با حمایت اسرائیل ایجاد یا حفظ شده‌اند. در این خصوص، دیوان متذکر می‌شود که اسرائیل به طور منظم، اقداماتی قهقرایی را برای قانونی کردن پایگاه‌ها اتخاذ می‌کند و ساختارهای ضروری برای حفظ آن‌ها را فراهم می‌کند.^{۶۲}

۱۱۳. دیوان یادآور می‌شود که اسرائیل در تمام طول مدت اشغال سرزمین‌های اشغالی فلسطین، سیاست شهرک‌سازی را پیاده کرده است (ن.ک: بندهای ۵۹ و ۶۸ بالا). به علاوه اظهار می‌دارد که مسئله شهرک‌سازی‌های اسرائیلی به طور گسترده به وسیله ارکان و نهادهای مختلف سازمان ملل متحد ارزیابی شده است. برای مثال، شورای حقوق بشر با قطعنامه ۱۷/۱۹ خود یک مأموریت حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی برای تحقیق در رابطه با آثار شهرک‌های اسرائیلی بر حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم فلسطین در سراسر سرزمین اشغالی فلسطین از جمله بیت‌المقدس شرقی ایجاد کرده است (از این پس: مأموریت حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی).^{۶۳} دبیرکل سازمان ملل، همچنین کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، به طور منظم گزارش‌های مستندسازی وقایع پیرامون ایجاد و گسترش شهرک‌های اسرائیلی را منتشر می‌کند. همچنین موضوع فعالیت‌های شهرک‌سازی اسرائیل و آثار آن در گزارش‌های کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی و نیز در گزارش‌های گزارشگران ویژه، از جمله گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از ۱۹۶۷ بحث شده است. این گزارش‌ها به منابع مختلفی از جمله گزارش‌های دست اول برای ارائه تحلیل واقعی دقیق از سیاست شهرک‌سازی اسرائیل متکی هستند.

۱۱۴. به علاوه دیوان متذکر می‌شود که بین ۱۹۶۷ و ۲۰۰۵، سیاست شهرک‌سازی اسرائیل در

62. see “Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and the occupied Syrian Golan: Report of the Secretary-General”, UN doc. A/78/554 (25 October 2023), paras. 15-20; “Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and in the occupied Syrian Golan: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights”, UN doc. A/HRC/52/76 (15 March 2023), paras. 14-15.

63. Independent International Fact-Finding Mission

کرانه باختری، بیت‌المقدس شرقی و نوار غزه انجام شده بود. از زمان حذف شهرک‌های اسرائیلی از نوار غزه در ۲۰۰۵ (ن.ک: بند ۸۸ بالا)، سیاست شهرک‌سازی اسرائیل در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی ادامه پیدا کرد؛ بنابراین دیوان تحلیل خود را به ادامه سیاست شهرک‌سازی در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی محدود خواهد کرد. در عین حال، دیوان ابراز می‌دارد که سیاست شهرک‌سازی اعمال شده در نوار غزه تا ۲۰۰۵، اساساً متفاوت از سیاستی که در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی تا به امروز ادامه دارد، نبوده است.

۲. انتقال جمعیت غیرنظامی

۱۱۵. دیوان در نظریه مشورتی دیوار خود دریافت که سیاست شهرک‌سازی اسرائیل، نقض بند ۶ ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو است که مقرر می‌دارد «قدرت اشغالگر نباید بخش‌هایی از جمعیت غیرنظامی خود را به سرزمینی که اشغال کرده، کوچانده یا انتقال دهد».^{۶۴} همان‌طور که دیوان در آن نظریه مشورتی اظهار داشت، این مقرره

«نه فقط کوچاندن یا انتقال اجباری جمعیت مانند آن‌هایی که در طول جنگ جهانی دوم انجام شد را ممنوع می‌کند، بلکه همچنین هر اقدام اتخاذی توسط قدرت اشغالگر به منظور سازماندهی یا تشویق انتقال بخش‌هایی از جمعیت خود به سرزمین اشغالی را منع می‌کند».^{۶۵} در حقیقت، هیچ چیز در اصطلاحات یا زمینه مقرر یا در موضوع و هدف یا تاریخچه پیش‌نویس کنوانسیون چهارم ژنو وجود ندارد که بیان دارد آن مقرره تنها انتقال اجباری بخش‌هایی از جمعیت غیرنظامی قدرت اشغالگر به سرزمین اشغالی را منع می‌کند. در پرونده حاضر، مستندات زیادی از سیاست انگیزه‌بخشی اسرائیل برای جابه‌جایی افراد و تجار اسرائیلی به کرانه باختری، همچنین برای توسعه صنعتی و کشاورزی آن توسط شهرک‌نشینان وجود دارد.^{۶۶}

۱۱۶. همان‌طور که در بالا اشاره شد، اسرائیل به‌طور منظم، پایگاه‌هایی را که مغایر با قوانین داخلی اسرائیل ایجاد شدند، قانونی می‌کند (ن.ک: بند ۱۱۲). برای مثال، در فوریه ۲۰۲۳، اسرائیل

64. I.C.J. Reports 2004 (I), p. 183, para. 120.

65. *ibid.*

66. see, for example, “Economic and social repercussions of the Israeli occupation on the living conditions of the Palestinian people in the occupied Palestinian territory, including Jerusalem, and of the Arab population in the occupied Syrian Golan”, UN doc. A/53/163-E/1998/79 (14 July 1998), para. 21; “Database of all business enterprises involved in the activities detailed in paragraph 96 of the report of the independent international fact-finding mission to investigate the implications of the Israeli settlements on the civil, political, economic, social and cultural rights of the Palestinian people throughout the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights”, UN doc. A/HRC/37/39 (1 February 2018), paras. 43-45; “Report on UNCTAD assistance to the Palestinian people: Developments in the economy of the Occupied Palestinian Territory”, UN doc. TD/B/EX(71)/2 (20 September 2021), paras. 40-41.

تصمیمش را برای قانونی کردن ده پایگاه در منطقه C کرانه باختری اعلام کرد.^{۶۷} دیوان بر این نظر است که در پیگیری این اقدامات، اسرائیل انتقال بخش‌هایی از جمعیت غیرنظامی به پایگاه‌هایی در کرانه باختری را تشویق می‌کند که ناقض بند ۶ ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو است. ۱۱۷. به‌علاوه ساخت شهرک‌های اسرائیلی با زیرساخت‌های طراحی‌شده خاص مدنی در کرانه باختری و نوار غزه همراه است که شهرک‌نشینان را به سرزمین اسرائیل متصل می‌کند. دبیرخانه کنفرانس سازمان ملل متحد در تجارت و توسعه (آنکتاد) گزارش می‌دهد که اسرائیل «میلیاردها دلار در ایجاد زیرساخت‌های مدرن برای تشویق گسترش شهرک‌ها، از جمله جاده، سیستم‌های آب و فاضلاب، سیستم‌های ارتباطات و برق، سیستم‌های امنیتی و امکانات آموزشی و بهداشتی هزینه کرده است».^{۶۸}

کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی اضافه می‌کند که گسترش مستمر شهرک‌ها و زیرساخت‌های مربوطه، فعالانه به تقویت اشغال کمک می‌کند.^{۶۹} آن‌گونه که کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد متذکر شده است، جمعیت شهرک‌های اسرائیلی در نتیجه ایجاد زیرساخت‌های اسرائیلی به سرعت رشد کرده‌اند.^{۷۰} به‌علاوه اسرائیل شرایط خاصی را بر استفاده از زیرساخت و شبکه حمل‌ونقل در کرانه باختری تحمیل می‌کند (ن.ک: بندهای ۱۹۸-۲۰۶ زیر).

۱۱۸. دیوان بیان می‌کند که ممنوعیت انتقال جمعیت غیرنظامی قدرت اشغالگر، چنانکه در بند ۶ ماده ۴۹ درج شده، منوط به تضمین انتقال اجباری جمعیت محلی نیست. انتقال اعضای جمعیت غیرنظامی قدرت اشغالگر به سرزمین اشغالی، صرف‌نظر از اینکه منجر به جابه‌جایی جمعیت محلی شود، ممنوع شده است. در هر حال، آن‌گونه که دیوان در زیر ارزیابی خواهد کرد، انتقال جمعیت غیرنظامی اسرائیل به نوار غزه و بیت‌المقدس شرقی، منجر به جابه‌جایی فلسطینیان ساکن آنجا شده است (ن.ک: بندهای ۱۴۲-۱۴۷).

۱۱۹. در پرتو این موارد، دیوان بر این نظر است که انتقال شهرک‌نشینان اسرائیلی به کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی، همچنین حفظ حضور اسرائیل، مغایر با بند ۶ ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو است.

67. "Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and the occupied Syrian Golan: Report of the Secretary-General", UN doc. A/78/554 (25 October 2023), para. 17.

68. Report on UNCTAD assistance to the Palestinian people: Developments in the economy of the Occupied Palestinian Territory", UN doc. TD/B/EX(71)/2 (20 September 2021), para. 40.

69. Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel", UN doc. A/77/328 (14 September 2022), para. 51.

70. "Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and in the occupied Syrian Golan: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights", UN doc. A/HRC/52/76 (15 March 2023), para. 10.

۳. مصادره یا تصاحب زمین

۱۲۰. گسترش شهرک‌سازی‌های اسرائیلی در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی بر اساس مصادره یا تصاحب بخش‌های بزرگی از زمین‌ها انجام شده است. بر اساس کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی، از ۱۹۶۷، بیش از ۲ میلیون دونم (حدود ۲۰۰۰ کیلومتر مربع) تنها در منطقه C^{۷۱} به تصرف درآمده که این مقدار بیش از یک‌سوم کرانه باختری را شامل می‌شود.^{۷۲} این شامل بخش‌های قابل توجهی از زمین‌هایی است که به‌عنوان مال خصوصی شناخته شده اما توسط اسرائیل به‌عنوان زمین دولتی اعلام شده و بنابراین با تکیه بر تفسیر انتخابی حقوق لازم‌الاجرا در زمان اشغال اسرائیل، برای استفاده عمومی در نظر گرفته شده است.^{۷۳} کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل متحد گزارش می‌دهد که تقریباً همه این زمین دولتی به نفع شهرک‌های اسرائیلی اختصاص یافته است.^{۷۴}

۱۲۱. در بیت‌المقدس شرقی، جایی که، همان‌طور که دیوان در ذیل توضیح خواهد داد (ن.ک: بند ۱۳۸)، اسرائیل کاملاً حقوق داخلی خود را اعمال می‌کند، زمین فلسطینیان از طریق اعمال قانون اموال غایبین ۱۹۵۰ مصادره شده است. این قانون، مصادره مال را در جایی که مالک بعد از ۲۷ نوامبر ۱۹۴۷ خارج از ناحیه باشد، اجازه می‌دهد.

۱۲۲. بر اساس ماده ۴۶ قواعد لاهه، مال خصوصی باید مورد احترام باشد و نمی‌تواند مصادره شود. دیوان اظهار می‌دارد که این ممنوعیت مصادره مال خصوصی، مطلق است: هیچ استثنائی، چه برای ضروریات نظامی یا هر دلیل دیگر، اجازه داده نشده است.^{۷۵} افزون بر این، ماده ۵۲ قواعد لاهه تصریح می‌کند که درخواست‌های غیرمجاز نباید از ساکنان به‌جز برای نیازهای ارتش اشغالگر مطالبه شود. اموال غیرمنقول عمومی نیز باید به نوبه خود، به وسیله قدرت اشغالگر مطابق با قواعد حق انتفاع طبق ماده ۵۵ قواعد لاهه اداره شود. از نظر دیوان، این امر منجر به این می‌شود که قدرت اشغالگر وظیفه مدیریت اموال عمومی را به نفع جمعیت محلی یا استثنائاً برای تأمین نیازهای ارتش اشغالگر بر عهده می‌گیرد. هر چند در قضیه حاضر، مال عمومی مصادره شده یا برای توسعه شهرک‌های اسرائیلی به نفع جمعیت غیرنظامی شهرک‌نشینان، به ضرر جمعیت فلسطینی محلی ضبط شد. بنابراین دیوان به

71. Area C

72. "Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel", UN doc. A/77/328 (14 September 2022), para. 39.

73. *ibid.*, para. 33; "Report of the independent international fact-finding mission to investigate the implications of the Israeli settlements on the civil, political, economic, social and cultural rights of the Palestinian people throughout the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem", UN doc. A/HRC/22/63 (7 February 2013), para. 63.

74. Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and in the occupied Syrian Golan: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights", UN doc. A/HRC/52/76 (15 March 2023), para. 8.

75. see Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 192, para. 135.

این نتیجه می‌رسد که این سیاست‌های مرتبط به زمین، مطابق با مواد ۴۶، ۵۲ و ۵۵ قواعد لاهه نیست. ۱۲۳. دیوان متذکر می‌شود که این نتیجه سازگار با یافته آن در نظریه مشورتی دیوار است. در آن پرونده، دیوان آثار حقوقی عملکرد مصادره و ضبط زمین فلسطینیان را تا جایی که به ساخت دیوار توسط اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین مربوط بود، مورد نظر قرار داد. دیوان بر مبنای اطلاعات نزد آن، به این نتیجه رسید که ساخت دیوار منجر به تخریب یا ضبط اموال تحت شرایطی که با الزامات مواد ۴۶ و ۵۲ قواعد لاهه مغایرت دارد، شده است.^{۷۶} چنانکه دیوان در آن نظریه ابراز داشت، مسیر پریچ و خم دیوار به گونه‌ای ترسیم شده بود که اکثریت شهرک‌های اسرائیلی را در درون خود جای داده بود.^{۷۷} همان‌طور که ساخت دیوار، بخشی از سیاست شهرک‌سازی اسرائیل بود، دیوان بر این نظر است که نتیجه‌ای که در نظریه مشورتی دیوار خود در رابطه با مصادره و ضبط زمین برای اهداف ساخت دیوار به آن دست یافته، نسبت به تصاحب زمین برای همه اهدافی که از پیگیری بیشتر سیاست شهرک‌سازی اسرائیل حمایت می‌کند، قابل اعمال است. این شامل زمین‌های استفاده‌شده برای ایجاد شهرک‌های اسرائیلی، همچنین مناطق منطقه درز^{۷۸} (مناطق که بین دیوار و خط سبز ۱۹۴۹ قرار دارد)، مناطق امنیتی خاص نزدیک شهرک‌ها و مناطق حاشیه نظامی بسته می‌شود.

۴. بهره‌برداری از منابع طبیعی

۱۲۴. دیوان خاطر نشان می‌کند که طبق اصل حقوق بین‌الملل عرفی مندرج در ماده ۵۵ قواعد لاهه، قدرت اشغالگر فقط باید به‌عنوان اداره‌کننده و دارنده حق انتفاع منابع طبیعی در سرزمین اشغالی، شامل اما غیرمحدود به جنگل‌ها و املاک کشاورزی در نظر گرفته شود و باید به حفظ سرمایه این منابع مبادرت نماید. بنابراین استفاده قدرت اشغالگر از منابع طبیعی نباید از آنچه برای اهداف اشغال ضرورت دارد فراتر رود. در این رابطه دیوان ابراز می‌دارد که قدرت اشغالگر، تعهدی مستمر به تضمین تأمین کافی مواد غذایی از جمله آب برای جمعیت محلی دارد.^{۷۹} به‌علاوه استفاده از منابع طبیعی در سرزمین اشغالی باید پایدار بوده و باید از آسیب زیست‌محیطی اجتناب شود. این موضوع در اصل ۲۳ اعلامیه ریو در محیط‌زیست و توسعه ۱۹۹۲ که مقرر می‌دارد «محیط‌زیست و منابع طبیعی مردم تحت... اشغال باید مورد حمایت قرار گیرد» منعکس شده است.^{۸۰}

۱۲۵. در پرونده مربوط به فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو (جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا)،

76. I.C.J. Reports 2004 (I), p. 189, para. 132.

77. *ibid.*, p. 183, para. 119.

78. seam zone

79. Article 55 of the Fourth Geneva Convention

80. See also International Law Commission, "Draft principles on protection of the environment in relation to armed conflicts, with commentaries", 2022, UN doc. A/77/10, principle 20.

دیوان اهمیت اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی را طبق حقوق بین‌الملل عرفی متذکر می‌شود.^{۸۱} دیوان در آن پرونده دریافت که اگرچه چندین افسر و سرباز نیروهای دفاع مردمی اوگاندا در دزدی، غارت و بهره‌برداری از منابع طبیعی جمهوری دموکراتیک کنگو مشارکت داشته‌اند، هیچ شواهد معتبری وجود نداشت که ثابت کند اوگاندا به‌عنوان قدرت اشغالگر، یک سیاست دولتی که بهره‌برداری از منابع طبیعی جمهوری دموکراتیک کنگو را هدایت کند، دنبال کرده است.^{۸۲} دیوان بر این نظر است که در این شرایط، اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی قابل اعمال نبوده است.^{۸۳} هرچند در جایی که قدرت اشغالگر، سیاست بهره‌برداری از منابع طبیعی در سرزمین اشغالی را مغایر با حقوق اشغال دنبال می‌کند، این سیاست می‌تواند در مغایرت با اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی باشد.

۱۲۶. دیوان اشاره می‌کند که منطقه C در منابع طبیعی غنی است.^{۸۴} شواهدی از اثر بهره‌برداری اسرائیل از این منابع طبیعی از جمله آب، مواد معدنی و دیگر منابع طبیعی، به نفع جمعیت خود، به ضرر یا حتی محرومیت جمعیت فلسطینی محلی وجود دارد.

۱۲۷. بر اساس اطلاعات موجود در دیوان، اسرائیل پس از آغاز اشغال در ۱۹۶۷، منابع آب را در سرزمین فلسطین اشغالی تحت کنترل نظامی خود قرار داد. متعاقباً در ۱۹۸۲، اسرائیل کنترل منابع آب در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی را به مکوروت،^{۸۵} شرکت ملی آب اسرائیل واگذار کرد.^{۸۶}

۱۲۸. گزارش‌های سازمان ملل متحد تأیید می‌کند که اسرائیل، تأمین آب شهرک‌ها را به ضرر جوامع فلسطینی که از قطعی طولانی و مکرر آب رنج می‌برند، در اولویت قرار می‌دهد.^{۸۷} اسرائیل محدودیت‌هایی را برای ساخت و نگهداری تأسیسات آبی توسط فلسطینی‌ها بدون مجوز نظامی اعمال کرده است و از دسترسی و برداشت فلسطینیان از آب رودخانه اردن جلوگیری می‌کند.^{۸۸} بنابراین در

81. Judgment, I.C.J. Reports 2005, p. 251, para. 244.

82. *ibid.*, para. 242.

83. *ibid.*, para. 244.

84. "Economic and social repercussions of the Israeli occupation on the living conditions of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and of the Arab population in the occupied Syrian Golan", UN doc. A/78/127-E/2023/95 (30 June 2023). para. 61; World Bank, Area C and the Future of the Palestinian Economy (2013), pp. 21-25.

85. Mekorot

86. Allocation of water resources in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights", UN doc. A/HRC/48/43 (15 October 2021), para. 18.

87. Report of the independent international fact-finding mission to investigate the implications of the Israeli settlements on the civil, political, economic, social and cultural rights of the Palestinian people throughout the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem", UN doc. A/HRC/22/63 (7 February 2013), paras. 83-85.

88. "Economic and social repercussions of the Israeli occupation on the living conditions of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and of the Arab population in the occupied Syrian Golan", UN doc. A/78/127-E/2023/95 (30 June 2023), paras. 62-63.

عمل، فلسطینی‌ها توانایی کمی برای اطمینان از دسترسی به آب در بخش‌های وسیعی از کرانه باختری دارند. در عوض آن‌ها باید مقادیر قابل توجهی آب را از اسرائیل با قیمت بالا خریداری کنند.^{۸۹}

۱۲۹. در نتیجه کنترل و مدیریت اسرائیل بر منابع آبی در کرانه باختری، هم کمیت و هم کیفیت آبی که فلسطینیان به آن دسترسی دارند بسیار کمتر از سطح توصیه‌شده توسط سازمان بهداشت جهانی است.^{۹۰} کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با نگرانی به تأثیر سیاست شهرک‌سازی اسرائیل بر دسترسی فلسطینیان به آب اشاره کرده است.^{۹۱}

۱۳۰. طبق گزارش کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی و آنکتاد، سیاست‌های آبی و زمینی اسرائیل منجر به کاهش زمین‌های کشاورزی از ۲/۴ میلیون دونم (تقریباً ۲۴۰۰ کیلومتر مربع) در ۱۹۸۰ به حدود ۱ میلیون دونم (تقریباً ۱۰۰۰ کیلومتر مربع) شده است. در ۲۰۱۰، سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی سرزمین اشغالی فلسطین از ۳۵ درصد در ۱۹۷۲ به ۱۲ درصد در ۱۹۹۵ کاهش یافت و تا ۲۰۲۰ به کمتر از ۴ درصد رسید. علاوه بر این، گسترش شهرک‌ها و مناطق صنعتی به آلودگی آب‌های شیرین و زیرزمینی کمک کرده است. کاهش ذخایر آب و تخریب محیط‌زیست ناشی از آن، بخش کشاورزی فلسطین را به شدت تضعیف کرده و فرصت‌های شغلی را کاهش داده است.^{۹۲}

۱۳۱. مأموریت حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی اظهار داشت که ۸۶ درصد از دره اردن^{۹۳} و دریای مرده،^{۹۴} سرشار از مواد معدنی، در عمل تحت صلاحیت شوراهای منطقه‌ای شهرک‌های اسرائیلی است و شهرک‌ها مواد معدنی را استخراج و زمین‌های کشاورزی حاصل‌خیز را در این منطقه به ضرر فلسطینی‌ها کشت می‌کنند.^{۹۵} بر اساس گزارش کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی، اسرائیل امتیازات معدنی را به معادن معدنی تحت اداره اسرائیل در منطقه C اعطا کرده است. بیشترین سهم

89. "Allocation of water resources in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights", UN doc. A/HRC/48/43 (15 October 2021), paras. 30 and 43.

90. "Allocation of water resources in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights", UN doc. A/HRC/48/43 (15 October 2021), para. 26.

91. "Concluding observations on the fourth periodic report of Israel", UN doc. E/C.12/ISR/CO/4 (12 November 2019), para. 46.

92. "Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel", UN doc. A/77/328 (14 September 2022), para. 72; "Report on UNCTAD assistance to the Palestinian people: Developments in the economy of the Occupied Palestinian Territory", UN doc. TD/B/67/5 (5 August 2020), para. 31.

93. Jordan Valley

94. Dead Sea

95. "Report of the independent international fact-finding mission to investigate the implications of the Israeli settlements on the civil, political, economic, social and cultural rights of the Palestinian people throughout the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem", UN doc. A/HRC/22/63 (7 February 2013), para. 36.

از مواد خام استخراج شده به اسرائیل منتقل می‌شود.^{۹۶} در مقابل، گزارش شده است که اسرائیل از ۱۹۹۴ مجوز استخراج برای شرکت‌های فلسطینی در منطقه C صادر نکرده است.^{۹۷}

۱۳۲. دیوان خاطرنشان می‌کند که شورای امنیت بر اهمیت تضمین حفاظت از منابع آب در سرزمین‌های اشغالی تأکید کرده است.^{۹۸} مجمع عمومی بارها از اسرائیل خواسته است که «به بهره‌برداری، آسیب، ازدست‌دادن یا کاهش و به‌خطرانداختن منابع طبیعی در سرزمین اشغالی فلسطین، از جمله بیت‌المقدس شرقی پایان دهد».^{۹۹}

۱۳۳. بر اساس شواهد موجود، دیوان معتقد است که استفاده اسرائیل از منابع طبیعی در اراضی اشغالی فلسطین با تعهدات آن طبق حقوق بین‌الملل مغایرت دارد. اسرائیل با انحراف بخش بزرگی از منابع طبیعی به سمت جمعیت خود، از جمله شهرک‌نشینان، تعهد خود را برای عمل به‌عنوان اداره‌کننده و دارنده حق انتفاع نقض می‌کند. در این رابطه، دیوان یادآوری می‌کند که انتقال جمعیت خود توسط اسرائیل به سرزمین اشغالی فلسطین مغایر با حقوق بین‌الملل است (ن.ک: بند ۱۱۹ بالا). بنابراین از نظر دیوان، استفاده از منابع طبیعی در سرزمین اشغالی با توجه به نیازهای آن جمعیت نمی‌تواند قابل توجیه باشد. دیوان همچنین بر این باور است که اسرائیل با محدود کردن شدید دسترسی مردم فلسطین به آب موجود در سرزمین اشغالی فلسطین، مغایر با تعهد خود مبنی بر تضمین دسترسی به آب به مقدار و کیفیت مناسب عمل می‌کند.^{۱۰۰} دیوان خاطرنشان می‌کند، در حالی که پیمان اسلو ۲ وضعیت آب و فاضلاب را در سرزمین اشغالی فلسطین تنظیم می‌کند،^{۱۰۱} این توافق نمی‌تواند به‌عنوان کاهش‌دهنده تعهد اسرائیل بر اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه به تأمین آب به مقدار و کیفیت مناسب در نظر گرفته شود (ن.ک: بند ۱۰۲ بالا). با توجه به موارد فوق، دیوان همچنین به این نتیجه می‌رسد که سیاست بهره‌برداری اسرائیل از منابع طبیعی در سرزمین اشغالی فلسطین با تعهد این رژیم برای احترام به حق حاکمیت دائمی مردم فلسطین بر منابع طبیعی مغایر است.

۵. توسعه قوانین اسرائیل

۱۳۴. بر اساس ماده ۴۳ قواعد لاهه، قدرت اشغالگر اصولاً باید به قوانین جاری در سرزمین اشغالی

96. "Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel", UN doc. A/77/328 (14 September 2022), para. 37.

97. "Economic and social repercussions of the Israeli occupation on the living conditions of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and of the Arab population in the occupied Syrian Golan", UN doc. A/74/88-E/2019/72 (13 May 2019), para. 86.

98. Security Council resolution 465 (1980) of 1 March 1980, para. 8.

99. see, for example, General Assembly resolution 78/170 of 19 December 2023, para. 2.

100. Article 55 of the Fourth Geneva Convention

101. Article 40 of Appendix I of Annex III of the Oslo II Accord

احترام بگذارد، مگر اینکه مطلقاً از انجام آن جلوگیری شود. این قاعده با بند ۲ ماده ۶۴ کنوانسیون چهارم ژنو تکمیل می‌شود، که به‌طور استثنایی به قدرت اشغالگر اجازه می‌دهد «جمعیت سرزمین اشغالی را تابع مقرراتی کند که برای قادر ساختن قدرت اشغالگر به انجام تعهداتش بر اساس کنوانسیون [چهارم ژنو] برای حفظ حکومت منظم در قلمرو، و تضمین امنیت قدرت اشغالگر، اعضا و اموال نیروهای اشغالگر یا نهادهای اجرایی [آن]، و همچنین تأسیسات و خطوط ارتباطی مورد استفاده آن‌ها ضرورت دارد».

بنابراین در اصل، حقوق اشغال، نهادهای غیرنظامی جمعیت محلی در سرزمین اشغالی را از اختیار نظارتی که ممکن است داشته باشند، محروم نمی‌کند، بلکه مجموعه‌ای از اختیارات نظارتی را به‌صورت استثنائی و بر اساس دلایل خاص برشمرده بر عهده قدرت اشغالگر قرار می‌دهد.

۱۳۵. در قضیه حاضر، اسرائیل حوزه مقررات قانونی خود را در کرانه باختری گسترش داده است. همان‌طور که کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی توضیح می‌دهد: «از زمان شروع اشغال، اسرائیل قلمرو حقوقی خود را در کرانه باختری گسترش داده است که منجر به تغییرات گسترده‌ای در قوانین قابل اجرا و در عمل دو مجموعه از قوانین قابل اجرا شده است: قانون نظامی و قوانین داخلی اسرائیل به‌صورت فراسرزمینی گسترش یافته است تا فقط برای شهرک‌نشینان اسرائیلی اعمال شود. این امر از طریق دستورهای نظامی، قوانین و تصمیمات دیوان عالی انجام شده است و شامل قوانین جزایی، قانون بیمه سلامت ملی، قوانین مالیاتی و قوانین مربوط به انتخابات می‌شود. همچنین سیستم‌های حقوقی جداگانه‌ای برای اجرای قوانین راهنمایی و رانندگی و تفکیک نهادی و قانونی در رژیم طراحی و ساختمان وجود دارد».^{۱۰۲}

۱۳۶. اسرائیل تا حد زیادی قوانین نظامی خود را جایگزین قوانین محلی موجود در سرزمین‌های اشغالی فلسطین در ابتدای اشغال در ۱۹۶۷ کرده است. جرایم تحت قوانین نظامی اسرائیل به جای دادگاه‌های مدنی یا جزایی محلی توسط دادگاه‌های نظامی اسرائیل رسیدگی می‌شوند. علاوه بر این، در عمل، مقامات نظامی ذی‌صلاح اسرائیل، قوانین مربوط به غیرنظامیان در اسرائیل را نسبت به شهرک‌نشینان و همچنین یهودیان غیراسرائیلی حاضر در کرانه باختری اعمال می‌کنند. در نتیجه، شهرک‌نشینان در کرانه باختری از حقوق و امتیازات شهروندی اسرائیل و همچنین حمایت‌های قوانین داخلی اسرائیل و مزایای اجتماعی برخوردار هستند. علاوه بر این، شهرک‌نشینان مشمول دادگاه‌های نظامی اسرائیل نیستند و در عوض در دادگاه‌های غیرنظامی اسرائیلی محاکمه می‌شوند. بنابراین فلسطینیان در کرانه باختری مشمول قوانین نظامی و دادگاه‌های نظامی هستند، در حالی که شهرک‌نشینان از قوانین جزایی و سیستم عدالت کیفری قابل اعمال برای غیرنظامیان در اسرائیل سود می‌برند.

102. "Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel", UN doc. A/77/328 (14 September 2022), para. 46.

۱۳۷. علاوه بر این، سوراها‌های منطقه‌ای و محلی شهرک‌نشینان، به‌صورت عملی بر شهرک‌ها در کرانه باختری اعمال صلاحیت می‌کنند.^{۱۰۳} از اواخر ۲۰۲۲ اسرائیل قدرت تصمیم‌گیری در مورد امور مدنی در منطقه C را از ارتش به یک وزیر غیرنظامی در وزارت دفاع منتقل کرده است (ن.ک: بند ۱۵۶).
 ۱۳۸. در بیت‌المقدس شرقی، قوانین داخلی اسرائیل از ابتدای اشغال در ۱۹۶۷ اعمال شده است. اسرائیل با تحمیل رویه‌های دولتی و قانونی خود (شماره ۱۱)، ۵۷۲۷-۱۹۶۷، در ۲۸ ژوئن ۱۹۶۷ اعلام کرد که قوانین داخلی، صلاحیت و سیاست‌های آن در بیت‌المقدس شرقی که مرزهای جغرافیایی آن گسترش یافته بود، قابل اعمال است. در ۱۹۸۰ اسرائیل قانون اساسی را تصویب کرد که «اورشلیم یکپارچه و متحد» را به‌عنوان پایتخت اسرائیل و مقر حکومت آن اعلام کرد.^{۱۰۴} همان قانون، تفویض هر گونه اختیارات مربوط به بیت‌المقدس را به «یک قدرت سیاسی یا حاکمیتی خارجی یا به مقام خارجی مشابه دیگر، خواه به‌طور دائم یا برای مدت معین» ممنوع کرد. دیوان سیاست‌های اسرائیل در بیت‌المقدس شرقی و همچنین مطابقت آن‌ها با حقوق بین‌الملل را در زیر مورد بحث قرار خواهد داد (ن.ک: بندهای ۱۶۳-۱۶۵). در اینجا توجه به این نکته کافی است که از منظر حقوق داخلی، اسرائیل بیت‌المقدس شرقی را سرزمین ملی خود می‌داند که در آن قوانین اسرائیل به‌طور کامل و به استثنای هر نظام حقوقی داخلی دیگر اعمال می‌شود.

۱۳۹. در پرونده حاضر، دیوان متقاعد نشده است که گسترش قوانین اسرائیل به کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی بر اساس هر یک از دلایل مندرج در بند ۲ ماده ۶۴ کنوانسیون چهارم ژنو موجه باشد. در این رابطه، دیوان یادآوری می‌کند که انتقال جمعیت غیرنظامی خود توسط اسرائیل به کرانه باختری و شرق بیت‌المقدس، مغایر با کنوانسیون چهارم ژنو است (ن.ک: بند ۱۱۹ بالا)، بنابراین نمی‌تواند به‌عنوان دلیلی برای قاعده‌گذاری در این سرزمین‌ها مورد استناد واقع شود. به‌علاوه نمی‌توان اجرای جامع قوانین اسرائیل در بیت‌المقدس شرقی و همچنین اعمال آن در رابطه با شهرک‌نشینان در سراسر کرانه باختری را برای هیچ‌یک از اهداف ذکرشده در بند ۲ ماده ۶۴ کنوانسیون چهارم ژنو ضروری تلقی کرد.

۱۴۰. ترتیبات توافق‌شده بین اسرائیل و ساف در پیمان اسلو در همین راستا است. به‌ویژه دیوان خاطرنشان می‌کند که بر اساس بند ۴ ماده ۱۰ پیمان اسلو ۲، «اسرائیل به مسئولیت امنیت خارجی و همچنین مسئولیت امنیت کلی اسرائیلی‌ها به منظور حفاظت از امنیت داخلی و نظم عمومی آن‌ها ادامه خواهد داد». علاوه بر این، بر اساس بند ۲ (الف) ماده ۱۳ آن توافق، «اسرائیل مسئولیت اصلی امنیت به منظور حفاظت از اسرائیلی‌ها و مقابله با تهدید تروریسم را بر عهده خواهد داشت». بند ۴ (ب)

103. "Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and the occupied Syrian Golan: Report by the Secretary-General", UN doc. A/67/375 (18 September 2012), paras. 11-13.

104. "Basic-Law: Jerusalem the capital of Israel", 5740-1980.

ماده ۱۷ همان توافقنامه تصریح می‌کند که در مناطقی که تحت صلاحیت سرزمینی شورای فلسطینیان که به موجب آن توافق ایجاد شده است، نیستند، «دولت نظامی اسرائیل اختیارات قانونی، قضایی و اجرایی لازم و مسئولیت‌ها را طبق حقوق بین‌الملل حفظ خواهد کرد». هیچ چیزی در قالب این مقررات وجود ندارد که نشان دهد آن‌ها به اختیارات برشمرده که بر اساس حقوق اشغال بر عهده اسرائیل گذاشته شده، اضافه می‌کنند. برعکس، با تصریح این که اسرائیل باید به وظایف خود/د/مه دهد و برخی اختیارات را حفظ کند، این مقررات آشکارا به دنبال حفظ برخی از اختیاراتی است که طبق حقوق اشغال به اسرائیل اعطا شده است، نه افزایش آن‌ها. این امر با این واقعیت تأیید می‌شود که این مقررات، اختیارات اسرائیل را به دلایل امنیتی و نظم عمومی به رسمیت می‌شناسد، یعنی به دلایلی که قبلاً طبق حقوق اشغال به عنوان مبنای مجازی برای تنظیم توسط قدرت اشغالگر شناخته شده است. در نهایت، مفاد ماده ۱۷، بند ۴ (ب) پیمان اسلو ۲ به صراحت بیان می‌کند که اسرائیل تنها اختیارات ضروری و در هر درجه‌ای مطابق با حقوق بین‌الملل از جمله حقوق اشغال را حفظ می‌کند. نتیجه این است که اسرائیل نمی‌تواند برای اعمال صلاحیت خود در سرزمین اشغالی فلسطین به نحوی که با تعهداتش بر اساس حقوق اشغال مغایرت دارد، به پیمان اسلو اتکا کند (همچنین ن.ک: بند ۱۰۲). ۱۴۱. به این دلایل، دیوان معتقد است که اسرائیل از اختیار نظارتی خود به عنوان قدرت اشغالگر به نحوی استفاده کرده است که با قاعده منعکس شده در ماده ۴۳ قواعد لاهه و ماده ۶۴ کنوانسیون چهارم ژنو مغایرت دارد.

۶. آوارگی اجباری مردم فلسطین

۱۴۲. اکنون دیوان به آثار سیاست شهرک‌سازی اسرائیل بر خروج جمعیت فلسطینی می‌پردازد. در این رابطه، دیوان ملاحظات خود در نظریه مشورتی دیوار را یادآور می‌شود که سیاست شهرک‌سازی اسرائیل به خروج جمعیت فلسطینی از مناطق کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی کمک کرده است.^{۱۰۵} ۱۴۳. دیوان اظهار می‌دارد که مصادره زمین در مقیاس بزرگ و محرومیت از دسترسی به منابع طبیعی، مردم محلی را از وسایل اولیه زندگی خود محروم می‌کند و در نتیجه باعث خروج آن‌ها می‌شود. علاوه بر این، مجموعه‌ای از اقدامات نیروهای نظامی اسرائیل، فشار بر جمعیت فلسطین را برای خروج از سرزمین‌های اشغالی فلسطین برخلاف میل خود تشدید کرده است (ن.ک: بندهای ۲۲۹-۱۸۰ زیر). گزارش‌های دبیرکل سازمان ملل متحد، کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و سایر نهادهای سازمان ملل متحد، مستند می‌کنند که اسرائیل هر ساله صدها فلسطینی را از سرزمین اشغالی فلسطین معمولاً در نتیجه تخریب اموال آن‌ها یا در نتیجه سیاست‌های منطقه‌بندی

و برنامه‌ریزی و طرح‌های جابه‌جایی مرتبط با آن‌ها بیرون می‌کند. به‌عنوان مثال، دبیرکل سازمان ملل متحد گزارش داد که بیش از هزار فلسطینی بین ژوئن ۲۰۲۲ تا مه ۲۰۲۳ پس از تخریب، مصادره یا مهر و موم اموال آن‌ها توسط مقامات اسرائیلی آواره شدند.^{۱۰۶} همچنین تخریب منجر به آواره شدن بیش از ۷۰۰ فلسطینی بین آوریل ۲۰۲۱ تا مارس ۲۰۲۲ شد.^{۱۰۷} علاوه بر این، در ماه مه ۲۰۲۲، دیوان عالی دادگستری اسرائیل، دادخواست‌های صادر شده علیه حکم اخراج حدود ۱۱۵۰ فلسطینی ساکن منطقه تیراندازی تعیین کرده بود، رد کرد.^{۱۰۸} چنین اقداماتی فلسطینیان بیشتری را در معرض خطر اخراج اجباری در آینده قرار می‌دهد.

۱۴۴. دیوان یادآوری می‌کند که طبق بند ۱ ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو، «انتقالات اجباری فردی یا دسته‌جمعی و همچنین اخراج افراد حمایت‌شده از سرزمین اشغالی به قلمرو قدرت اشغالگر یا به سرزمین هر کشور دیگر، اعم از اشغال‌شده یا غیراشغالی، صرف‌نظر از انگیزه آن‌ها ممنوع است». شرایط این ماده بین انتقال‌ها از یک سو و از سوی دیگر/اخراج ... از سرزمین اشغالی به قلمرو قدرت اشغالگر یا هر کشور دیگری» تمایز قائل می‌شود. بر اساس معنای عادی این اصطلاحات، هرگونه انتقال اجباری افراد تحت حمایت، از جمله انتقال در داخل سرزمین اشغالی، ممنوع است. این تفسیر، اولاً با سیاق این مقرر، به‌ویژه بند ۲ ماده ۴۹ تأیید می‌شود. آن بند، استثنای محدودی را نسبت به قاعده مقرر در بند ۱ قرار می‌دهد. با توجه به این استثنا که دیوان در زیر به آن اشاره خواهد کرد (ن.ک: بند ۱۴۶)، ممکن است تخلیه یک منطقه معین مجاز باشد، اما «ممکن است به جابه‌جایی افراد حمایت‌شده به خارج از محدوده سرزمین اشغالی منجر نشود مگر زمانی که به دلایل مادی، اجتناب از چنین جابه‌جایی غیرممکن است». علاوه بر این، تخلیه تنها در دو مورد استثنایی ممکن است صادر شود؛ زمانی که ایمنی جمعیت یا دلایل نظامی ضروری آن را ایجاب کند. وجود بند ۲، که به‌طور استثنایی شرایطی را مشخص می‌کند که اجازه جابه‌جایی داخلی جمعیت محلی را می‌دهد، نشان می‌دهد که به‌عنوان قاعده، این جابه‌جایی داخلی مشمول ممنوعیت است. اگر غیر از این بود و جابه‌جایی داخلی در هر شرایطی جایز بود، استثناء مندرج در بند ۲ ماده ۴۹ غیرفعال می‌شد. این قرائت با هدف ممنوعیت - حفظ پیوندهای خانوادگی و اجتماعی افراد حمایت‌شده - تأیید می‌شود. چنین پیوندهایی بدون توجه به مقصد انتقال در معرض خطر هستند.

106. "Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and the occupied Syrian Golan: Report of the Secretary-General", UN doc. A/78/554 (25 October 2023), para. 31.

107. "Economic and social repercussions of the Israeli occupation on the living conditions of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and of the Arab population in the occupied Syrian Golan", UN doc. A/77/90-E/2022/66 (8 June 2022), para. 43.

108. HCJ 413/13 Abu 'Aram v. Minister for Defence, 2022; see also "Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and in the occupied Syrian Golan: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights", UN doc. A/HRC/52/76 (15 March 2023), paras. 52-53.

۱۴۵. به نظر دیوان، هدف ممنوعیت نیز نشان می‌دهد که این ماده، از جمعیت اشغال‌شده در برابر هرگونه انتقال غیرارادی محافظت می‌کند. کار مقدماتی کنوانسیون چهارم ژنو تأیید می‌کند که منظور از عبارت اجباری، حذف از محدوده ممنوعیت نقل و انتقالاتی است که ممکن است با رضایت افراد تحت حمایت انجام شود.^{۱۰۹} در نتیجه ممکن است انتقال اجباری باشد و بنابراین طبق بند ۱ ماده ۴۹ ممنوع است نه تنها زمانی که از طریق استفاده از نیروی فیزیکی حاصل شود، بلکه همچنین زمانی که افراد مربوطه، چاره‌ای جز ترک ندارند.^{۱۱۰} بنابراین فقدان نیروی فیزیکی، احتمال قهری بودن انتقال مورد نظر را منتفی نمی‌کند.

۱۴۶. به علاوه همان‌طور که دیوان در بالا بیان کرد، تخلیه منطقه به‌طور استثنایی، پیرو بند ۲ ماده ۴۹ در صورتی مجاز است که «امنیت مردم یا دلایل نظامی ضروری چنین ایجاب نماید». اما حتی در چنین مواردی این بند مقرر می‌دارد که افراد تخلیه‌شده، «به‌محض پایان خصومت‌ها در منطقه مورد نظر به خانه‌های خود بازگردانده می‌شوند». این امر نشان می‌دهد که تخلیه به‌عنوان اقدام موقت در نظر گرفته می‌شود که به‌محض فروکش کردن دلایل ضروری نظامی، معکوس خواهد شد. در مقابل، تخلیه با ویژگی دائمی یا نامعین، ممنوعیت انتقال اجباری را نقض می‌کند. بنابراین مشمول استثناء مندرج در بند ۲ ماده ۴۹ نیستند.

۱۴۷. دیوان معتقد است که سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل، که در زیر با جزئیات بیشتر مورد بحث قرار می‌گیرد (ن.ک: بندهای ۱۸۰-۲۲۹)، از جمله اخراج اجباری، تخریب گسترده خانه‌ها و محدودیت‌های اقامت و جابه‌جایی، اغلب انتخاب کمی برای اعضای جمعیت فلسطینی ساکن در منطقه C باقی می‌گذارد جز اینکه منطقه سکونت خود را ترک کنند. ماهیت اقدامات اسرائیل، از جمله این واقعیت که اسرائیل بارها زمین‌هایی را پس از تخریب اموال فلسطینی‌ها برای تخصیص مجدد به شهرک‌های اسرائیل مصادره می‌کند، نشان می‌دهد که اقدامات این رژیم ماهیتاً موقتی نیست و بنابراین نمی‌تواند به‌عنوان تخلیه‌های مجاز تلقی شود. از نظر دیوان، سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل مغایر با ممنوعیت انتقال اجباری جمعیت حمایت‌شده طبق بند ۱ ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو است.

۷. خشونت علیه فلسطینیان

۱۴۸. دیوان خاطر نشان می‌کند که سیاست شهرک‌سازی اسرائیل موجب خشونت توسط شهرک‌نشینان و نیروهای امنیتی علیه فلسطینی‌ها شده است.

109. see Final Record of the Diplomatic Conference of Geneva of 1949, Vol. II, section A, Report of Committee III to the Plenary Assembly of the Diplomatic Conference of Geneva, p. 827.

110. see International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia, Prosecutor v. Milomir Stakić, Case No. IT-97-24-A, Appeals Chamber, Judgment of 22 March 2006, para. 279.

۱۴۹. در این رابطه، دیوان یادآوری می‌کند که حق حیات اشخاص تحت حمایت در سرزمین اشغالی بر اساس قاعدهٔ منعکس‌شده در ماده ۴۶ قواعد لاهه تضمین شده است. این قاعده با بند ۱ ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو تکمیل می‌شود که مقرر می‌دارد با افراد حمایت‌شده رفتاری انسانی شود و در برابر هرگونه تهدید یا اعمال خشونت‌آمیز از آن‌ها محافظت شود. علاوه بر این، حق‌های حیات و حمایت در برابر خشونت توسط بند ۱ ماده ۶ و ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است.

۱۵۰. بر اساس گزارش‌های مختلف سازمان ملل، شهرک‌نشینان اغلب فلسطینی‌ها را در اراضی اشغالی فلسطین، تحت خشونت گسترده قرار می‌دهند، که مقامات اسرائیلی قادر به پیشگیری یا مجازات [آن‌ها] نیستند.^{۱۱۱}

۱۵۱. دبیرکل سازمان ملل متحد مرتباً افزایش دفعات و شدت حملات شهرک‌نشینان علیه فلسطینی‌ها را مستند کرده است.^{۱۱۲} عدم پاسخگویی اسرائیل به چنین خشونت‌های نیز گزارش شده است. کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی بیان می‌کند که اگرچه به نظر می‌رسد اسرائیل وظیفهٔ خود را برای پیشگیری و مجازات چنین حملاتی تأیید می‌کند، اغلب در خشونت شهرک‌نشینان علیه فلسطینی‌ها مداخله نمی‌کند.^{۱۱۳} گزارش‌های دیگر سازمان ملل، حوادث شهرک‌نشین‌های مسلح را که در داخل جوامع فلسطینی، گاهی در مجاورت نیروهای امنیتی اسرائیل که مداخله نمی‌کنند یا حتی از شهرک‌نشینان در حملاتشان حمایت می‌کنند، مستند می‌کنند.^{۱۱۴} علاوه بر این، گزارش شده است که اسرائیلی‌هایی که به فلسطینی‌ها در کرانهٔ باختری آسیب می‌رسانند، به‌طور قابل توجهی کمتر از زمانی که قربانیان آن‌ها غیرفلسطینی هستند، متهم می‌شوند.^{۱۱۵} به گفتهٔ کمیتهٔ حقوق بشر، عدم دسترسی قربانیان به عدالت و جبران‌های مؤثر، «جو عمومی معافیت از مجازات» را در مورد خشونت شهرک‌نشینان علیه فلسطینی‌ها تقویت می‌کند.^{۱۱۶}

111. see, for example, “Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and the occupied Syrian Golan: Report of the Secretary-General”, UN doc. A/78/554 (25 October 2023), paras. 45-74; “Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and in the occupied Syrian Golan: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights”, UN doc. A/HRC/55/72 (1 February 2024), paras. 16-33.

112. for example, “Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and the occupied Syrian Golan: Report of the Secretary-General”, UN doc. A/76/336 (23 September 2021), para. 17.

113. “Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel”, UN doc. A/77/328 (14 September 2022), para. 64.

114. for example, “Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and in the occupied Syrian Golan: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights”, UN doc. A/HRC/49/85 (28 April 2022), para. 13.

115. “Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and the Occupied Syrian Golan: Report of the Secretary-General”, UN doc. A/77/493 (3 October 2022), para. 41.

116. see Human Rights Committee, “Concluding observations on the fifth periodic report of Israel”, UN doc. CCPR/C/ISR/CO/5 (5 May 2022), para. 24.

۱۵۲. شواهد موجود در دیوان حاکی از آن است که نیروهای امنیتی اسرائیل پس از حملات شهرک‌نشینان یا در چارچوب تظاهرات فلسطینی‌ها علیه گسترش شهرک‌سازی، با نیروی غیرضروری یا نامتناسب علیه فلسطینی‌ها مداخله می‌کنند. کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی چندین واقعه را گزارش کرده است که در آن نیروهای امنیتی اسرائیل از گلوله جنگی برای سرکوب تظاهرات فلسطینی‌ها استفاده کرده‌اند که منجر به کشته و زخمی شدن صدها نفر شده است.^{۱۱۷} بر اساس گزارش سال ۲۰۲۳ دبیرکل سازمان ملل متحد، الگوهای

«از نیروهای امنیتی اسرائیل که تاکتیک‌های نظامی را در عملیات‌های اجرای قانون در کرانه باختری به کار می‌برند، شناسایی شده است... به نظر می‌رسد که نیروهای امنیتی اسرائیل در انجام اقداماتی برای کاهش تنش در موقعیت‌های رویارویی یا اطمینان از استفاده از نیروی بالقوه کشنده تنها به‌عنوان آخرین راه‌حل در مواقع ضروری برای محافظت از جان یا پیشگیری از آسیب جدی ناشی از تهدید قریب‌الوقوع، شکست خورده‌اند».^{۱۱۸} بر اساس همین گزارش، از ۲۰۰۵ تا کنون، تعداد فلسطینیانی که در کرانه باختری و شرق بیت‌المقدس در ۲۰۲۲ کشته شده‌اند بیشتر از هر سال دیگری است.^{۱۱۹}

۱۵۳. علاوه بر این، گزارش شده است که زنان و دختران فلسطینی توسط نیروهای امنیتی و شهرک‌نشینان اسرائیلی در معرض خشونت مبتنی بر جنسیت در قالب استفاده بیش از حد از زور و آزار، از جمله آزار جسمی، روانی و کلامی و آزار جنسی قرار می‌گیرند.^{۱۲۰}

۱۵۴. دیوان معتقد است که خشونت توسط شهرک‌نشینان علیه فلسطینی‌ها، قصور اسرائیل در پیشگیری یا مجازات مؤثر آن و استفاده بیش از حد از زور علیه فلسطینی‌ها به ایجاد و حفظ محیط اجباری علیه فلسطینی‌ها کمک می‌کند. در پرونده حاضر، دیوان بر اساس شواهدی که در اختیار دارد، بر این نظر است که قصور نظام‌مند اسرائیل در جلوگیری یا مجازات حملات شهرک‌نشینان علیه جان یا تمامیت جسمانی فلسطینیان و همچنین استفاده بیش از حد اسرائیل از زور علیه فلسطینیان، با تعهدات ذکر شده در بند ۱۴۹ در بالا مغایرت دارد.

117. "Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel", UN doc. A/78/198 (5 September 2023), paras. 12-21; "Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel", UN doc. A/77/328 (14 September 2022), para. 68.

118. "Israeli practices affecting the human rights of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem: Report of the Secretary-General", UN doc. A/78/502 (2 October 2023), para. 14.

119. *ibid.*, para. 13.

120. "Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel", UN doc. A/77/328 (14 September 2022), para. 59.

۸. نتیجه‌گیری در مورد سیاست شهرک‌سازی اسرائیل

۱۵۵. با توجه به موارد فوق، دیوان مجدداً تأیید می‌کند که شهرک‌های اسرائیل در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی و رژیم مرتبط با آنها، برخلاف حقوق بین‌الملل ایجاد شده و همچنان حفظ می‌شود.^{۱۲۱}

۱۵۶. دیوان با نگرانی شدید، گزارش‌هایی را یادآور می‌شود که سیاست شهرک‌سازی اسرائیل از زمان صدور نظریه مشورتی دیوار از سوی دیوان، گسترش یافته است. به‌ویژه در دسامبر ۲۰۲۲، پارلمان اسرائیل معرفی وزیر اضافی در وزارت دفاع را تصویب کرد که دارای اختیارات حاکم در کرانه باختری، از جمله تعیین زمین، برنامه‌ریزی و هماهنگی برای تخریب است تا فرایند تصویب شهرک‌های جدید را تسریع کند. همچنین وسعت شهرک‌های موجود اسرائیلی از ۱ نوامبر ۲۰۲۲ تا ۳۱ اکتبر ۲۰۲۳ به میزان قابل توجهی افزایش یافت، به طوری که تقریباً ۲۴۳۰۰ واحد مسکونی در شهرک‌های موجود اسرائیلی در کرانه باختری، از جمله تقریباً ۹۶۷۰ واحد در بیت‌المقدس شرقی، پیشرفت کرده یا تأیید شده است.^{۱۲۲}

پ. مسئله انضمام سرزمین اشغالی فلسطین

۱۵۷. دیوان ابراز می‌دارد که سؤال مجمع عمومی تا حدی به پیامدهای حقوقی ناشی از انضمام ادعایی اراضی اشغالی فلسطین توسط اسرائیل اشاره دارد. برای پاسخ به این جنبه از سؤال، دیوان ابتدا باید مفهوم/انضمام^{۱۲۳} را تحلیل کند. ثانیاً دیوان سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل را با هدف تعیین اینکه آیا آنها معادل انضمام هستند، بررسی خواهد کرد. در نهایت، دیوان در مورد قانونی بودن سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل بحث خواهد کرد (ن.ک: بند ۷۴ بالا).

۱. مفهوم انضمام

۱۵۸. دیوان به‌واسطه اصطلاح/انضمام در بستر حاضر، تصاحب اجباری سرزمینی را که توسط قدرت اشغالگر اشغال شده است، یعنی ادغام آن در قلمرو قدرت اشغالگر را درک می‌کند. بنابراین، انضمام، قصد قدرت اشغالگر برای اعمال کنترل دائمی بر سرزمین اشغالی را مفروض تلقی می‌کند.

۱۵۹. دیوان در این رابطه یادآوری می‌کند که بر اساس حقوق اشغال، کنترل سرزمین اشغالی

121. see Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 184, para. 120.

122. "Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and in the occupied Syrian Golan: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights", UN doc. A/HRC/55/72 (1 February 2024), paras. 7 and 10.

123. annexation

توسط قدرت اشغالگر باید موقتی باشد. بنابراین، حقوق اشغال بر این اصل استوار است که قدرت اشغالگر باید وضعیت / از پیش موجود در سرزمین اشغالی را حفظ کند. این امر از جمله با طیف محدودی از اختیارات که طبق حقوق اشغال بر عهده قدرت اشغالگر قرار گرفته و برخی از آن‌ها در بالا مورد بحث قرار گرفته، نشان داده شده است (ن.ک: بندهای ۱۰۴-۱۱۰ و ۱۳۴). صرف‌نظر از شرایطی که اشغال در آن ایجاد شده است، واقعیت اشغال به تنهایی نمی‌تواند به قدرت اشغالگر حق حاکمیت اعطا کند. در نتیجه، رفتار قدرت اشغالگر که قصد اعمال کنترل دائمی بر سرزمین اشغالی را نمایش می‌دهد، ممکن است نشان‌دهنده عمل انضمام باشد.

۱۶۰. ممکن است ادعای قدرت اشغالگر بر کنترل دائمی سرزمین اشغالی خود را به طرق مختلف نشان دهد. در این رابطه، دیوان متذکر می‌شود که تمایز بین انضمام رسمی و عملی گهگاهی، از جمله توسط برخی از مشارکت‌کنندگان در این دادرسی مطرح شده است. بر اساس این تمایز، انضمام رسمی عبارت است از اعلام رسمی حاکمیت توسط قدرت اشغالگر بر سرزمین اشغالی، در حالی که انضمام عملی شامل اقداماتی کمتر از صدور از اعلامیه رسمی است که واقعیت انجام‌شده در زمین را ایجاد و کنترل دائمی قدرت اشغالگر بر سرزمین اشغالی را تحکیم می‌کند. این دو نوع انضمام اگرچه از نظر ابزاری که از طریق آن انضمام انجام می‌شود متفاوت هستند، هر دو دارای هدف مشترک هستند - ادعای کنترل دائمی بر سرزمین اشغالی.

۱۶۱. با توجه به این پیشینه، دیوان باید بررسی کند که آیا اسرائیل از طریق رفتار خود، کنترل دائمی خود را بر سرزمین اشغالی فلسطین به گونه‌ای که به انضمام منجر شود، اعمال می‌کند یا خیر.

۲. اقدامات اسرائیل به منزله انضمام

۱۶۲. اکثریت بزرگی از مشارکت‌کنندگان استدلال کرده‌اند که سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل منجر به انضمام حداقل بخشی از سرزمین اشغالی فلسطین شده است. در این راستا، اکثر مشارکت‌کنندگان به ادامه ساخت دیوار در کرانه باختری، ایجاد شهرک‌ها و پایگاه‌ها و همچنین ساخت زیرساخت‌های مربوطه اشاره کردند. همچنین برخی از مشارکت‌کنندگان استدلال کرده‌اند که اظهارات مقامات اسرائیلی طی چندین دهه نشان می‌دهد که اسرائیل قصد دارد به‌طور دائم بر بخش‌های وسیعی از سرزمین اشغالی فلسطین اعمال حاکمیت کند و اشغال آن را موقتی نمی‌داند.

۱۶۳. دیوان ابتدا به بررسی سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل در رابطه با بیت‌المقدس شرقی می‌پردازد. همان‌طور که دیوان در بالا اشاره کرد، اسرائیل قوانین داخلی خود را در بیت‌المقدس شرقی از زمان اشغال آن در ۱۹۶۷ اعمال کرده است. در ۱۹۸۰ اسرائیل قوانین داخلی خود را در قالب قانون اساسی

وضع کرد و بیت‌المقدس شرقی را به‌عنوان بخشی از پایتخت خود اعلام کرد (ن.ک: بند ۱۳۸). قانون اساسی دیگری با عنوان *اسرائیل-دولت ملی قوم یهود* که در ۲۰۱۸ تصویب شد، تأیید می‌کند که «اورشلیم [بیت‌المقدس] یکپارچه و متحد، پایتخت اسرائیل است». همان‌طور که اطلاعیه دولت اسرائیل به دبیرکل سازمان ملل متحد نشان داد، اسرائیل ادعا کرده است که بیت‌المقدس شرقی بخشی از سرزمین این کشور است، که بر اساس آن «بیت‌المقدس به هیچ وجه سرزمین اشغالی نیست. این پایتخت مستقل دولت اسرائیل است».^{۱۲۴} قانون مالکیت غائبین در ۱۹۵۰ (ن.ک: بند ۱۲۱ بالا) مصادره *اموال غائبین* و استفاده از آن را برای گسترش شهرک‌های اسرائیلی در داخل و اطراف مرزهای تاریخی شهر تسهیل کرده است. کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی گزارش می‌دهد که «بیش از یک‌سوم بیت‌المقدس شرقی برای ساخت شهرک‌های اسرائیلی مصادره شده است و تنها ۱۳ درصد از منطقه منضم‌شده در حال حاضر برای ساخت و ساز فلسطینی‌ها منطبقه‌بندی شده است».^{۱۲۵} گزارش می‌افزاید که تقریباً ۲۳۰۰۰۰ نفر در ۱۴ شهرک مستقر در بیت‌المقدس شرقی زندگی می‌کنند.^{۱۲۶}

۱۶۴. اسرائیل اقداماتی را برای ادغام زیرساخت‌های بیت‌المقدس شرقی با بیت‌المقدس غربی به‌ویژه از طریق ساخت شبکه حمل‌ونقل عمومی واحد انجام داده است. در عین حال، اقدامات دیگری برای جداکردن بیت‌المقدس شرقی از کرانه باختری انجام می‌شود. برجسته‌ترین آن‌ها ساخت دیوار است که آثار حقوقی آن را دیوان قبلاً بررسی کرده است.^{۱۲۷} دبیرکل سازمان ملل متحد، هیئت حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی و کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، موافق هستند که دیوار و رژیم شهرک‌سازی مرتبط با آن، به‌صورتی که در بیت‌المقدس شرقی اجرا می‌شود، به جداشدن بیت‌المقدس شرقی از کرانه باختری منجر می‌شود.^{۱۲۸}

۱۶۵. دیوان معتقد است که اقدامات اسرائیل در بیت‌المقدس شرقی، محیطی نامناسب برای مردم فلسطین ایجاد می‌کند. از آنجا که اسرائیل با بیت‌المقدس شرقی به‌عنوان سرزمین خود رفتار می‌کند، فلسطینی‌های مقیم آنجا را خارجی می‌داند و از آن‌ها پروانه اقامت معتبر مطالبه می‌کند (ن.ک: بندهای

124. "Report submitted to the Security Council by the Secretary-General in accordance with resolution 672 (1990)", UN doc. S/21919 (31 October 1990), para. 3.

125. "Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel", UN doc. A/77/328 (14 September 2022), para. 14.

126. Ibid., para. 15.

127. see Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 184, para. 122.

128. see "Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and the occupied Syrian Golan: Report of the Secretary-General", UN doc. A/78/554 (25 October 2023), para. 11; "Report of the independent international fact-finding mission to investigate the implications of the Israeli settlements on the civil, political, economic, social and cultural rights of the Palestinian people throughout the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem", UN doc. A/HRC/22/63 (7 February 2013), para. 34; "Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and in the occupied Syrian Golan: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights", UN doc. A/HRC/52/76 (15 March 2023), para. 6.

۱۹۷-۱۹۲). قانون اسرائیل همچنین طرح پروانه ساختمانی را ایجاد کرده است که نقض آن منجر به تخریب در قالب فرایند سریع و همچنین جریمه‌های سنگین می‌شود (ن.ک: بندهای ۲۱۴-۲۱۷ زیر). در ۲۰۱۹ دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کرد که حداقل یک‌سوم خانه‌های فلسطینی‌ها در بیت‌المقدس شرقی فاقد مجوز ساخت اسرائیل هستند. در نتیجه، بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر از ساکنان در معرض خطر تخریب خانه‌هایشان و انتقال اجباری قرار گرفتند.^{۱۲۹} علاوه بر این، در ۲۰۱۸ اسرائیل فرایند حل و فصل مالکیت زمین در بیت‌المقدس شرقی را آغاز کرد که به موجب آن، ادعاهای مالکیت زمین بررسی شده و به‌طور قطعی در [اداره] ثبت زمین اسرائیل ثبت می‌شوند. به گفته دبیرکل سازمان ملل متحد، روند ثبت مالکیت اراضی اسرائیل در مناطق موضوع گسترش شهرک‌سازی اسرائیل دنبال می‌شود که کنترل اسرائیل بر اراضی دیگر در بیت‌المقدس شرقی را افزایش می‌دهد.^{۱۳۰} همه این اقدامات بر فلسطینی‌ها در بیت‌المقدس شرقی برای خروج از شهر، فشار وارد می‌کند.

۱۶۶. با عطف به سیاست شهرک‌سازی اسرائیل در کرانه باختری، دیوان ابراز می‌دارد که بر اساس قانون اساسی ۲۰۱۸ (ن.ک: بند ۱۶۳ بالا)، دولت اسرائیل، «توسعه شهرک‌سازی یهودیان را به‌عنوان ارزش ملی می‌بیند و باید برای تشویق و ترویج استقرار و تثبیت آن اقدام کند». همان‌طور که در بالا ذکر شد، مناطق قابل توجهی از زمین قبلاً به‌عنوان زمین دولتی اعلام شده و به نفع شهرک‌های اسرائیلی تخصیص داده شده است (ن.ک: بند ۱۲۰). ساخت‌وساز فلسطین در ۷۰ درصد منطقه C به‌طور کامل ممنوع و در ۳۰ درصد باقیمانده منطقه به‌شدت محدود شده است. کمتر از ۱ درصد از منطقه C برای ساخت مسکن و زیرساخت در دسترس فلسطینی‌ها است.^{۱۳۱} نرخ گسترش شهرک‌های اسرائیلی پیوسته در حال افزایش بوده است (ن.ک: بند ۱۵۶ بالا). به نظر می‌رسد نرخ رشد جمعیت شهرک‌نشینان در کرانه باختری به‌طور قابل توجهی بیشتر از جمعیت اسرائیل و جمعیت فلسطینی در کرانه باختری باشد.^{۱۳۲}

۱۶۷. دیوان بیان می‌کند که گسترش مستمر شهرک‌ها در منطقه C حضور غیرنظامی و نظامی اسرائیل را در این سرزمین افزایش می‌دهد و جمعیت فلسطینیان را به مناطق دیگر کرانه باختری سوق می‌دهد. این امر، همراه با رژیم زیرساختی مرتبط با شهرک‌ها، ادغام مناطق وسیعی از کرانه باختری را در سرزمین اسرائیل پیش می‌برد. دیوان در نظریه مشورتی دیوار خود به این خطر توجه کرد که دیواری که در آن زمان در حال ساخت بود و از آن زمان تا کنون گسترش بیشتری یافته است،

129. “Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and the occupied Syrian Golan: Report of the Secretary-General”, UN doc. A/74/357 (20 September 2019), para. 31.

130. “Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and the occupied Syrian Golan: Report of the Secretary-General”, UN doc. A/78/554 (25 October 2023), para. 22.

131. “Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel”, UN doc. A/77/328 (14 September 2022), paras. 39 and 42.

132. “Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel”, UN doc. A/HRC/50/21 (9 May 2022), para. 34.

می‌تواند مرزهای آینده بین اسرائیل و فلسطین را از پیش تعیین کند و می‌تواند به اسرائیل در ادغام شهرک‌ها به سرزمین خود کمک کند.^{۱۳۳} از نظر دیوان، همین امر در مورد سیاست اسرائیل برای ادغام زیرساخت‌ها در کرانه باختری، از جمله شبکه جاده‌ای، با اسرائیل صدق می‌کند، که منجر به درهم‌آمیزی شهرک‌ها در کرانه باختری با اسرائیل در منطقه‌ای پیوسته از طریق تکه‌تکه کردن مناطق باقی مانده در کرانه باختری می‌شود (ن.ک: بند ۲۰۰). این اقدامات به گونه‌ای طراحی شده که مدت زمان نامحدودی داشته باشند، همان‌طور که بنا به واقعیت مشهود است، به راحتی قابل برگشت نیست.

۱۶۸. در این رابطه، دیوان به گزارش کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی توجه می‌کند که در ۲۰۲۲ بیان کرد که

«اسرائیل اشغال را امر ثابت دائمی تلقی می‌کند و بنا بر هر مقصود و هدفی، بخش‌هایی از کرانه باختری را ضمیمه کرده است، در حالی که به دنبال پنهان شدن در پشت داستان موقتی بودن است. اقدامات اسرائیل که انضمام عملی محسوب می‌شود، شامل مصادره زمین و منابع طبیعی، ایجاد شهرک‌ها و پایگاه‌ها، حفظ برنامه و رژیم ساخت‌وساز تبعیض‌آمیز و محدود برای فلسطینی‌ها و گسترش قوانین اسرائیل به صورت فراسرزمینی به شهرک‌نشینان اسرائیلی در کرانه باختری است.»^{۱۳۴}

۱۶۹. جابه‌جایی جمعیت محلی از سرزمین‌های اشغالی که ادامه‌دهنده سیاست شهرک‌سازی اسرائیل است، یکپارچگی این سرزمین را نیز دنبال می‌کند. همان‌طور که دیوان در بالا مورد بحث قرار داد (ن.ک: بندهای ۱۴۲-۱۴۷)، سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل باعث خروج جمعیت فلسطین از بخش‌هایی از سرزمین‌های اشغالی فلسطین، به‌ویژه از بیت‌المقدس شرقی و منطقه C در کرانه باختری می‌شود. این به نوبه خود، گسترش بیشتر سیاست شهرک‌سازی اسرائیل و ادغام سرزمین فلسطین به اسرائیل را ممکن می‌سازد. دیوان همچنین یادآوری می‌کند که عملکرد اسرائیل در بهره‌برداری از منابع طبیعی در کرانه باختری با حق مردم فلسطین برای حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی ناسازگار است (ن.ک: بند ۱۳۳ بالا).

۱۷۰. گسترش قوانین داخلی اسرائیل به کرانه باختری، به‌ویژه به شهرک‌ها و شهرک‌نشینان (ن.ک: بندهای ۱۳۴-۱۴۱ بالا)، و همچنین به‌عهده‌گرفتن اختیارات نظارتی گسترده‌تر این رژیم به دلیل ماهیت طولانی‌مدت اشغال، کنترل آن بر سرزمین اشغالی را تثبیت کرده است. اسرائیل همچنین اقداماتی را برای انضمام کرانه باختری به سرزمین خود انجام داده است. در این رابطه، دیوان به انتقال اختیارات اسرائیل، از جمله تعیین زمین، برنامه‌ریزی و هماهنگی تخریب، به اداره غیرنظامی در وزارت دفاع در

¹³³. I.C.J. Reports 2004 (I), p. 184, para. 121.

¹³⁴. "Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel", UN doc. A/77/328 (14 September 2022), para. 76.

۲۰۲۳ توجه می‌کند (همچنین ن.ک: بند ۱۵۶ بالا). این مطابق با اصول راهنمای دولت اسرائیل در ۲۰۲۲ است که از تدوین و ارتقای سیاستی برای اعمال حاکمیت بر کرانه باختری خبر داد.^{۱۳۵}

۱۷۱. دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارش ۲۰۲۳ خود به مجمع عمومی درباره شهرک‌سازی‌های اسرائیلی اعلام کرد که

«دولت‌های پی‌درپی در اسرائیل، سیاست‌های شهرک‌سازی و تصرف سرزمین فلسطین را به‌طور مداوم پیش برده و اجرا کرده‌اند.

سیاست‌های دولت کنونی در این زمینه، به میزان بی‌سابقه‌ای با اهداف جنبش شهرک‌نشینان اسرائیلی برای گسترش سلطه بلندمدت بر کرانه باختری اشغالی، از جمله بیت‌المقدس شرقی، و در عمل، ادغام بیشتر این مناطق به قلمرو دولت اسرائیل هماهنگ است.»^{۱۳۶}

۱۷۲. دیوان در نظر مشورتی دیوار خود به این پرسش که آیا ساخت دیوار در سرزمین اشغالی فلسطین به منزله اقدامی برای انضمام تلقی می‌شود، با عبارات زیر پرداخته است: «در حالی که دیوان به تضمین داده‌شده اسرائیل که ساخت دیوار به معنای انضمام نیست و این دیوار ماهیت موقتی دارد، توجه می‌کند... نمی‌تواند نسبت به نگرانی‌های ابراز شده مبنی بر اینکه مسیر دیوار، مرزهای آینده بین اسرائیل و فلسطین را پیش‌دآوری کرده و نگرانی از اینکه اسرائیل ممکن است شهرک‌ها و وسایل دسترسی آن‌ها را [در قلمرو خود] ادغام کند، بی‌تفاوت بماند. دیوان بر این باور است که ساخت دیوار و رژیم مرتبط با آن، واقعیت انجام‌شده در زمین ایجاد می‌کند که به‌خوبی می‌تواند دائمی شود. در این صورت، و علی‌رغم توصیف رسمی دیوار توسط اسرائیل، [ساخت دیوار] عملاً برابر با انضمام است.»^{۱۳۷}

در حقیقت، سیاست‌ها، رویه‌ها یا سایر اقداماتی که می‌تواند سرزمین اشغالی را تحت کنترل دائمی قدرت اشغالگر قرار دهد، اعمال انضمام را تشکیل می‌دهند.

۱۷۳. با توجه به موارد فوق، دیوان بر این نظر است که سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل، از جمله حفظ و توسعه شهرک‌ها، ساخت زیرساخت‌های مرتبط، از جمله دیوار، بهره‌برداری از منابع طبیعی، اعلام بیت‌المقدس به‌عنوان پایتخت اسرائیل، به‌کارگیری کامل قوانین داخلی اسرائیل در بیت‌المقدس شرقی و کاربرد گسترده آن در کرانه باختری، کنترل اسرائیل بر سرزمین اشغالی فلسطین، به‌ویژه بیت‌المقدس شرقی و منطقه C در کرانه باختری را تقویت می‌کند. این سیاست‌ها و رویه‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که به‌طور نامحدود باقی مانده و اثرات جبران‌ناپذیری بر روی زمین ایجاد کنند. در نتیجه، دیوان معتقد است که این سیاست‌ها و رویه‌ها به معنای انضمام بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های اشغالی فلسطین تلقی می‌شود.

135. "A coalition agreement to establish a national government" (28 December 2022), para. 118.

136. Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory including East Jerusalem, and the occupied Syrian Golan: Report by the Secretary-General", UN doc. A/78/554 (25 October 2023), paras. 4-5.

137. I.C.J. Reports 2004 (I), p. 184, para. 121.

۳. ممنوعیت اکتساب سرزمین از طریق زور

۱۷۴. بسیاری از مشارکت‌کنندگان استدلال کرده‌اند که اشغال نظامی به هیچ وجه نمی‌تواند مبنایی برای اکتساب سرزمین باشد. این (عمل) حقی برای قدرت اشغالگر در رابطه با سرزمین اشغالی ایجاد نکرده و حق مشروع را هم از بین نمی‌برد.

۱۷۵. انضمام سرزمین اشغالی توسط قدرت اشغالگر، غیرقانونی است. بر اساس اصل مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد،

«همه اعضا باید در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی یا از هر طریق دیگری که با اهداف سازمان ملل متحد مغایرت داشته باشد، خودداری کنند».

قطعهنامه ۲۶۲۵ (XXV) ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ با عنوان اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در مورد روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها مطابق با منشور ملل متحد با اشاره به این اصل تأکید می‌کند که «هیچ‌نوع اکتساب سرزمینی ناشی از تهدید یا استفاده از زور قانونی شناخته نخواهد شد».^{۱۳۸} همان‌طور که دیوان تأیید کرده است، ممنوعیت انضمام سرزمینی ناشی از تهدید یا استفاده از زور به‌عنوان نتیجه ممنوعیت تهدید یا استفاده از زور، اصل حقوق بین‌الملل عرفی است.^{۱۳۹}

۱۷۶. در این رابطه دیوان متذکر می‌شود که ممنوعیت انضمام قلمرو با زور توسط شورای امنیت در قطعهنامه ۲۴۲ (۱۹۶۷) ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ (ن.ک: بند ۵۸ بالا) مورد تأکید قرار گرفته است. شورای امنیت این اصل را در قطعهنامه ۲۵۲ (۱۹۶۸) ۲۱ مه ۱۹۶۸ تأیید کرد، جایی که همچنین اعلام کرد که «کلّیه اقدامات قانونی و اداری و اعمال اسرائیل، از جمله مصادره زمین و اموال موجود در آن، که با هدف تغییر وضعیت حقوقی بیت‌المقدس صورت گرفته، باطل بوده و نمی‌تواند وضعیت را تغییر دهد». از آن زمان، شورای امنیت این اصل را در چندین قطعهنامه درباره انضمام ادعایی اراضی عربی و فلسطینی توسط اسرائیل (به‌عنوان مثال، قطعهنامه‌های ۲۶۷ (۱۹۶۹) در ۱ آوریل ۱۹۶۹، ۲۹۸ (۱۹۷۱) در ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۱ و ۴۷۸ (۱۹۸۰) در ۲۰ اوت ۱۹۸۰ شورای امنیت) تکرار کرده است. اخیراً شورای امنیت در قطعهنامه ۳۳۳۴ (۲۰۱۶) ۲۳ دسامبر ۲۰۱۶ اعلام کرد که «ایجاد شهرک‌ها توسط اسرائیل در اراضی فلسطین اشغالی از ۱۹۶۷، از جمله بیت‌المقدس شرقی، فاقد اعتبار قانونی است و نقض فاحش حقوق بین‌الملل و مانع بزرگی برای دستیابی به راه‌حل تشکیل دو دولت و صلح عادلانه، پایدار و جامع است» (بند ۱).

شورای امنیت در همان قطعهنامه تأکید کرد که «هیچ تغییری را در خطوط ۴ ژوئن ۱۹۶۷ از جمله در مورد بیت‌المقدس، به‌جز آنچه طرفین از طریق مذاکره در مورد آن به توافق رسیده‌اند، به رسمیت نمی‌شناسد».

138. General Assembly resolution 2625 (XXV), Annex, first principle

139. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 171, para. 87.

۱۷۷. اصل منع اکتساب سرزمین از طریق زور، به همان اندازه توسط مجمع عمومی نیز در چندین قطعنامه در رابطه با وضعیت سرزمین اشغالی فلسطین مجدداً تأیید شده است. بدین ترتیب، (مجمع) در قطعنامه ۱۲۶/۷۷ ۱۲ دسامبر ۲۰۲۲ تأکید می‌کند که «اشغال سرزمین، وضعیتی موقت و بالفعل است که به موجب آن قدرت اشغالگر نمی‌تواند ادعای مالکیت کرده یا حاکمیت خود را بر سرزمینی که اشغال کرده است، اعمال کند». (مجمع) همچنین در این زمینه یادآوری می‌کند «اصل غیرقانونی بودن اکتساب سرزمین با زور و در نتیجه غیرقانونی بودن انضمام هر بخش از سرزمین اشغالی فلسطین، از جمله بیت‌المقدس شرقی، نقض حقوق بین‌الملل بوده، قابلیت اعمال راه‌حل دودولتی را تضعیف کرده و دورنمای صلح عادلانه، پایدار و جامع را به چالش می‌کشد» (بند ۷).

۱۷۸. دیوان به استدلال دو مشارکت‌کننده در این دادرسی اشاره می‌کند که بر اساس آن «روابط عمیق تاریخی و ادعاهای معتبر» خود اسرائیل در مورد سرزمینی که در حال حاضر اشغال کرده است، در عبارت‌بندی این سؤال نادیده گرفته شده است. دیوان در مرحله نخست، متذکر می‌شود که از او خواسته نشده است که در مورد ادعاهای تاریخی مربوط به سرزمین اشغالی فلسطین اعلام‌نظر کند؛ در مرحله دوم، هیچ اطلاعاتی برای اثبات چنین ادعاهایی به دیوان ارائه نشده است. در هر صورت، ممنوعیت اکتساب سرزمین با زور مستلزم این است که استفاده از زور، ابزاری برای حل و فصل ادعاهای مربوط به حاکمیت قرار نگیرد.

۱۷۹. دیوان به این نتیجه رسیده است که سیاست‌ها و رویه اسرائیل به معنای انضمام بخش‌های بزرگی از سرزمین اشغالی فلسطین است. نظر دیوان این است که تلاش برای به‌دست‌آوردن حاکمیت بر سرزمین اشغالی، همان‌گونه که به‌واسطه سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در بیت‌المقدس شرقی و کرانه باختری نشان داده شده است، مغایر با ممنوعیت استفاده از زور در روابط بین‌الملل و اصل منتج از آن، یعنی عدم اکتساب سرزمین از طریق زور است. در این راستا، طریقی که انضمام بر وضعیت حقوقی اشغال و در نتیجه، قانونی بودن ادامه حضور اسرائیل تأثیر می‌گذارد، در زیر مورد بحث قرار می‌گیرد (ن.ک: بندهای ۲۵۲-۲۵۴).

ت. مسئله قوانین و اقدامات تبعیض‌آمیز

۱. قلمرو پرسش (الف)

۱۸۰. جنبه دیگری از پرسش (الف) مجمع عمومی، مرتبط با پیامدهای قانونی ناشی از تصویب قوانین و اقدامات تبعیض‌آمیز مرتبط توسط اسرائیل است. همان‌طور که در بالا ذکر شد (ن.ک: بند ۷۴)،

دیوان باید خود در مورد این که آیا قوانین و اقدامات مشخص شده در درخواست مجمع عمومی تبعیض‌آمیز هستند یا خیر، تصمیم‌گیری نماید. چارچوب عباراتی که این جنبه از پرسش در آن‌ها مطرح شده است، نشان‌دهنده این است که مجمع عمومی به دنبال کسب نظرات دیوان در مورد همه موارد نقض حقوق بشر که ادعا شده در سرزمین اشغالی فلسطین رخ می‌دهد، نیست. بلکه دامنه تحقیق مجمع عمومی از چهار جهت محدود است.

۱۸۱. نخست، این پرسش به قوانین و اقدامات اسرائیل، فقط تا آنجا که به سیاست‌ها و رویه‌های مورد بحث در بالا ارتباط دارد اشاره می‌کند. بنابراین به موجب شرایط پرسش (الف)، دیوان تحلیل خود را محدود به مقررات و اقداماتی می‌کند که ارتباط نزدیکی با سیاست‌ها و رویه‌های مورد بحث در بالا دارند.

۱۸۲. دوم، پرسش مطرح شده، مقررات و اقدامات اسرائیل را فقط تا حدی پوشش می‌دهد که در سرزمین اشغالی فلسطین اعمال می‌شود. بنابراین از دیوان خواسته نشده تا درباره تبعیض‌آمیز بودن مقررات یا اقدامات اسرائیل در خارج از اراضی اشغالی فلسطین، از جمله در خاک خود اسرائیل، اظهار نظر کند.

۱۸۳. سوم، این سؤال به ماهیت تبعیض‌آمیز بالقوه مقررات و اقدامات اسرائیل محدود می‌شود. بنابراین وظیفه دیوان این است که بررسی کند که آیا قوانین تصویب شده یا اقدامات اسرائیل در رابطه با سیاست‌ها و رویه‌های مشخص شده در بالا، باعث ایجاد تبعیض می‌شود یا خیر. دیوان در ادامه، درک خود از مفهوم تبعیض را در چارچوب اهداف نظر مشورتی حاضر مورد بحث قرار خواهد داد (ن.ک: بندهای ۱۸۵-۱۹۱).

۱۸۴. چهارم، همان‌طور که در بالا یادآوری شد، پرسش از دیوان نمی‌خواهد که تمامی مقررات و اقدامات اسرائیل را بررسی کرده، یا تعیین کند که آیا اعمال آن‌ها در موارد فردی از آغاز اشغال در ۱۹۶۷ دارای ویژگی تبعیض‌آمیز بوده است یا خیر (ن.ک: بند ۷۷). دیوان بر این باور است که وظیفه آن، با عنایت به پرسش مطرح شده نزد خود، بررسی این موضوع است که آیا اسرائیل مقررات تبعیض‌آمیزی اتخاذ کرده است یا اقدامات تبعیض‌آمیزی که به صورت سازماندهی شده باشند، انجام داده است.

۲. مفهوم تبعیض

۱۸۵. دیوان متذکر می‌شود که ممنوعیت تبعیض در برخورداری از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، بخشی از اهداف سازمان ملل متحد است. به موجب بند ۳ از ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد، یکی از اهداف سازمان ملل متحد، «دستیابی به همکاری بین‌المللی ... در ترویج و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از منظر نژاد، جنس، زبان یا مذهب است».

علاوه بر این اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز چنین مقرر نموده است:

«هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز از هر نوع، از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و آزادی‌های ذکرشده در این اعلامیه بهره‌مند شود. به‌علاوه نباید هیچ تمایزی مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمینی که شخص به آن تعلق دارد اعمال شود، خواه این کشور مستقل، تحت قیمومت یا غیرخودمختار بوده یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد» (ماده ۲).

۱۸۶. برخی از اشکال تبعیض طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممنوع است. به‌عنوان نمونه، بند ۳ ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو مقرر می‌دارد:

«بدون لطمه‌ای به مقررات مربوط به وضعیت سلامتی، سن و جنسیت، با همه افراد حمایت‌شده باید از سوی طرف درگیری که آن‌ها تحت قدرت آن قرار دارند، بدون هیچ‌گونه تمایز نامطلوب، به‌ویژه بر اساس نژاد، دین یا عقیده سیاسی با همان ملاحظه رفتار شود».

۱۸۷. چندین سند حقوق بشر که در پرونده حاضر قابل اجرا هستند، تبعیض را ممنوع اعلام می‌کنند. بند ۱ از ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حقوق بشری مقرر می‌دارد:

«هر یک از دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شود که بدون هیچ‌گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگری، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد یا وضعیت دیگر، حقوق شناخته‌شده در این میثاق را برای همه افراد در قلمرو خود و تابع صلاحیت خود رعایت و تضمین کند».

ماده ۲۶ همین میثاق تصریح می‌کند که

«کلیه اشخاص در مقابل قانون برابر هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیض، استحقاق حمایت بالسویه قانون را دارند. از این لحاظ قانون باید هرگونه تبعیضی را منع و برای کلیه اشخاص، حمایت مؤثر و برابر علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب عقاید سیاسی و عقاید دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، مکتب، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین کند».

ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بین‌المللی به دولت‌های طرف آن اجازه می‌دهد تا با رعایت شرایط مختلف، اقداماتی را در جهت عدول از برخی تعهدات خود تحت آن سند انجام دهند. با وجود این، طبق شرایط ماده ۴، اقدامات مورد بحث نباید صرفاً بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب یا منشأ اجتماعی تبعیض‌آمیز بوده باشد.

به نوبه خود، بند ۲ ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر می‌دارد:

«دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که اعمال حقوق مذکور در این میثاق را بدون

هیچ نوع تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر گونه عقیده دیگر. اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین کنند».

۱۸۸. بند ۱ از ماده ۱ کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض نژادی، تعریفی از تبعیض را بر اساس دلایل خاص ارائه می‌دهد:

«در این کنوانسیون، اصطلاح تبعیض نژادی به معنای هرگونه تمایز، محرومیت، محدودیت یا ترجیح بر اساس نژاد، رنگ، تبار، یا منشأ ملی یا قومی است که هدف یا اثر آن، لغو یا آسیب به شناسایی، برخورداری یا اعمال حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا هر زمینه دیگری از زندگی عمومی، در شرایط مساوی است».

۱۸۹. مقررات فوق به اصل منع تبعیض، که اکنون بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی است، ترتیب اثر می‌دهد.

۱۹۰. [موضوع] مشترک در همه این مقررات، مفهوم رفتار متفاوت بین افراد متعلق به گروه‌های مختلف است. دیوان در این رابطه متذکر می‌شود که موجودیت مردم فلسطین مورد بحث نیست. بنابراین از نظر دیوان، رفتار متفاوت با فلسطینی‌ها می‌تواند موجب تبعیض شود. دیوان به این نکته توجه دارد که ممکن است همه اعضای گروه فلسطینی رفتار متفاوت را به یک شکل تجربه نکنند و برخی از اعضای این گروه بر اساس زمینه‌های متعدد مورد رفتار متفاوت قرار گیرند.

۱۹۱. دیوان ابتدا تعیین خواهد کرد که آیا مقررات تصویب شده و اقدامات اسرائیل، بر اساس نژاد، مذهب یا قومیت بین فلسطینی‌ها و اعضای گروه‌های دیگر در رابطه با برخورداری آن‌ها از حقوق بشر در معنای بند ۱ از ماده ۲ و ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۲ ماده ۲ از میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۱ کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض نژادی تفاوت قائل می‌شود یا خیر. اما همه تفاوت در رفتارها تبعیض محسوب نمی‌شود. بر این اساس، اگر دیوان وجود رفتار متفاوت را تأیید کند، باید در مرحله دوم تعیین کند که آیا این رفتار متفاوت معقول و عینی و در خدمت یک هدف عمومی مشروع بوده است یا خیر.

۳. سیاست اجازه اقامت

۱۹۲. دادگاه ابتدا آثاری را که سیاست جواز اقامت اسرائیل در بیت‌المقدس شرقی بر فلسطینیان در سرزمین اشغالی فلسطین بر جای می‌گذارد، بررسی خواهد کرد.

۱۹۳. دادگاه یادآوری می‌کند که اسرائیل با بیت‌المقدس شرقی به‌عنوان سرزمین اسرائیل رفتار کرده و قوانین داخلی خود را در مورد آن اعمال می‌نماید (ن.ک: بند ۱۳۸ بالا). به موجب قوانین داخلی اسرائیل،

اقامت در بیت‌المقدس شرقی برای شهروندان اسرائیلی و یهودیان غیراسرائیلی بلامانع است.^{۱۴۰} در مقابل، طبق قوانین داخلی اسرائیل، سایر ساکنان بیت‌المقدس شرقی، از جمله فلسطینیانی که شهروند اسرائیل نیستند، به‌عنوان اتباع خارجی مقیم در خاک اسرائیل تلقی شده و حق اقامت آن‌ها در بیت‌المقدس شرقی منوط به داشتن مجوز سکونت معتبر است. از ۱۹۹۵، فلسطینیان به منظور حفظ مجوز اقامت خود باید ثابت کنند که «مرکز زندگی» آن‌ها در هفت سال گذشته در بیت‌المقدس شرقی باقی مانده است. پس از اصلاحات قانونی ۲۰۰۸ به وزیر کشور اختیارات گسترده‌ای برای لغو مجوزهای اقامت داده شده و مجوزهای اقامت فلسطین به دلایلی همچون نقض وفاداری به اسرائیل لغو شده است.^{۱۴۱} بر اساس گزارش کمیساریای عالی سازمان ملل برای حقوق بشر، از ۱۹۶۷ مجوز اقامت بیش از ۱۴۵۰۰ فلسطینی توسط مقامات اسرائیلی در بیت‌المقدس شرقی لغو شده است.^{۱۴۲}

۱۹۴. دیوان معتقد است که حداقل تا آنجا که (سیاست مزبور) در بیت‌المقدس شرقی اعمال می‌شود، سیاست اجازه اقامت اسرائیل منجر به رفتار متفاوت با فلسطینی‌ها در رابطه با حق آن‌ها برای اقامت در بیت‌المقدس شرقی، همان‌گونه که در ماده ۵ (i)(d) کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض نژادی و ماده ۱۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده، می‌شود. دیوان متذکر می‌شود که کمیته منع کلیه اشکال تبعیض نژادی و کمیته حقوق بشر بر این نظر بوده‌اند که سیاست اجازه اقامت اسرائیل به‌ترتیب با تعهدات آن به موجب کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض نژادی و میثاق حقوق مدنی و سیاسی ناسازگار است.^{۱۴۳}

۱۹۵. دادگاه خاطرنشان می‌سازد که در چارچوب درخواست شهروندی و ورود طبق حقوق اسرائیل، ساکنان غیرشهرک‌نشین کرانه باختری اصولاً از اخذ مجوز اقامت در بیت‌المقدس شرقی، مگر به دلایل بسیار محدود و همواره بر مبنای صلاحدید وزیر کشور منع شده‌اند. این سیاست تأثیر نامطلوبی بر اتحاد مجدد خانواده‌هایی دارد که یکی از اعضای آن مقیم دائم بیت‌المقدس شرقی و دیگری ساکن غیرشهرک‌نشین کرانه باختری است. چنین خانواده‌هایی باید از بین زندگی جداگانه و زندگی مشترک در خارج از بیت‌المقدس شرقی، که در این صورت یکی از زوجین در معرض خطر ازدست‌دادن شهروندی اسرائیل یا وضعیت اقامت دائم قرار می‌گیرد؛ یا زندگی مشترک در بیت‌المقدس شرقی، که

140. Law of Return, 5710-1950, Arts. 1-3; Entry Into Israel Law, 5712-1952, Art. 1.

141. Israeli practices affecting the human rights of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem: Report of the Secretary-General, UN doc. A/78/502 (2 October 2023), para. 59.

142. "Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and the occupied Syrian Golan: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights", UN doc. A/HRC/37/43 (6 March 2018), para. 55; also "Economic and social repercussions of the Israeli occupation on the living conditions of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and of the Arab population in the occupied Syrian Golan", UN doc. A/77/90-E/2022/66 (8 June 2022), para. 44.

143. CERD Committee, "Concluding observations on the combined seventeenth to nineteenth reports of Israel", UN doc. CERD/C/ISR/CO/17-19 (27 January 2020), para. 15; Human Rights Committee, "Concluding observations on the fifth periodic report of Israel", UN doc. CCPR/C/ISR/CO/5 (5 May 2022), para. 18.

در این صورت، همسر دیگر باید برای مجوز سالانه درخواست دهد، یکی را انتخاب کنند.^{۱۴۴} [این در حالی است که] محدودیت‌های اعمال‌شده توسط انتخاب بین این گزینه‌ها برای شهرک‌نشینان اعمال نمی‌شود. دیوان همچنین خاطر نشان می‌کند که آثار نامطلوب سیاست اسرائیل به‌ویژه توسط زنان فلسطینی تجربه شده که معمولاً برای وضعیت اقامت خود به همسران مرد وابسته هستند.^{۱۴۵} بنابراین از دیدگاه دیوان، سیاست اجازه اقامت اسرائیل منجر به رفتار متفاوت با فلسطینیان در رابطه با حق زندگی خانوادگی آن‌ها، همان‌طور که به موجب ماده ۱۰ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است، می‌شود.

۱۹۶. از نظر دیوان، رفتار متفاوت تحمیل‌شده توسط سیاست اجازه اقامت اسرائیل در بیت‌المقدس شرقی فاقد مشروعیت بوده، چرا که در خدمت هدف عمومی مشروع نیست. به‌طور ویژه، سازوکار مجوز، به‌عنوان نتیجه و در پیشبرد انضمام بیت‌المقدس شرقی به اسرائیل اجرا می‌شود، که دیوان قبلاً آن را نامشروع محسوب کرده است (ن.ک: بند ۱۷۹ بالا). بنابراین دیوان معتقد است که نمی‌توان هیچ‌گونه رفتار متفاوتی را با اشاره به پیشبرد سیاست شهرک‌سازی اسرائیل یا سیاست انضمام آن توجیه نمود.

۱۹۷. با توجه به موارد بالا، دیوان بر این عقیده است که سیاست اجازه اقامت اسرائیل در شمار تبعیض منع‌شده به موجب بند ۲ از ماده ۲ و مواد ۲۳ و ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۲ از ماده ۲، بند ۱ از ماده ۱۰ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

۴. محدودیت رفت‌وآمد

۱۹۸. دیوان اکنون به محدودیت‌های اعمال‌شده توسط اسرائیل بر رفت‌وآمد فلسطینیان در سرزمین اشغالی فلسطین می‌پردازد.

۱۹۹. همان‌گونه که دیوان در بالا اشاره کرد، تقریباً کل منطقه C به شهرک‌ها اختصاص یافته، یا به‌عنوان مناطق بسته نظامی و ذخیره‌گاه‌های طبیعی تعیین شده است (ن.ک: بند ۱۲۰). در حالی که این مناطق برای همه شهرک‌نشینان و دارندگان مجوز ورود به اسرائیل از جمله یهودیان غیراسرائیلی قابل دسترسی است، فلسطینیان در سرزمین اشغالی فلسطین برای دسترسی به آن‌ها نیاز به مجوز ویژه دارند.

۲۰۰. اسرائیل همچنین زیرساخت‌هایی را در منطقه C ایجاد کرده است، از جمله شبکه جاده‌ای

144. see Human Rights Committee, “Concluding observations on the fifth periodic report of Israel”, UN doc. CCPR/C/ISR/CO/5 (5 May 2022), para. 44; Committee on the Elimination of Discrimination against Women, “Concluding observations on the sixth periodic report of Israel”, UN doc. CEDAW/C/ISR/CO/6 (17 November 2017), para. 40 (b).

145. Human Rights Committee, “Concluding observations on the fifth periodic report of Israel”, UN doc. CCPR/C/ISR/CO/5 (5 May 2022), para. 44; “Implementation of Human Rights Council resolutions S-9/1 and S-12/1: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights”, UN doc. A/HRC/46/63 (11 February 2021), para. 45.

گسترده که شهرک‌های اسرائیلی را به یکدیگر و با خاک اسرائیل مرتبط می‌کند (ن.ک: بند ۱۱۷). اگرچه این شبکه جاده‌ای در سراسر منطقه C امتداد دارد و اغلب از نزدیکی روستاهای فلسطینی می‌گذرد، دسترسی فلسطینی‌ها به بخش زیادی از آن با مانع و محدودیت مواجه بوده یا کاملاً ممنوع است. بر اساس گزارش آنکتاد، سفر فلسطینیان در ۲۹ جاده و بخش‌هایی از جاده‌ها به طول تقریبی ۵۸ کیلومتر در سراسر کرانه باختری، از جمله بسیاری از شریان‌های اصلی تردد دارای محدودیت است.^{۱۴۶} مأموریت حقیقت‌یاب بین‌المللی مستقل اشاره کرد که

«محدودیت‌ها به اشکال مختلفی از جمله جاده‌های مخصوص شهرک‌نشینان، شبکه‌ای از ایست‌های بازرسی و گذرگاه‌ها (موانع بسته)، موانع ایجادشده توسط دیوار و دروازه و رژیم مجوز آن و همچنین محدودیت‌های اداری وجود دارد».^{۱۴۷}

همان‌گونه که دفتر هماهنگی برای امور بشردوستانه سازمان ملل متحد^{۱۴۸} گزارش داده است، در اوایل ۲۰۲۳، ۵۶۵ مانع حرکتی در کرانه باختری، مشتمل بر ۴۹ ایست بازرسی مستمر کارکنان و بیش از ۳۰۰ سد راه وجود داشته است.^{۱۴۹} در جایی که فلسطینیان اجازه دسترسی به شبکه جاده‌ای محدود شده را دارند، این دسترسی منوط به اخذ مجوز سفر فردی است که برای شهرک‌نشینان الزامی نیست. بنا به شواهد موجود نزد دیوان، تمام فرایند در دسترس عموم برای دریافت مجوز به زبان عربی، زبان اکثر متقاضیان، ترجمه نشده است.^{۱۵۰}

۲۰۱. یک محدودیت قابل توجه برای حرکت فلسطینی‌ها، دیوار (حائل) است که از ۲۰۰۲ در حال ساخت در کرانه باختری رود اردن است.^{۱۵۱} حرکت فلسطینی‌ها در نواحی واقع در بین قسمت‌های کامل شده دیوار و خط سبز، منوط به صدور اجازه یا ترتیبات خاص از سوی اسرائیل است.^{۱۵۲}

۲۰۲. دیوان با عنایت به دامنه تحقیق خود (ن.ک: بند ۸۱ بالا)، توجه می‌کند که محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای برای حرکت فلسطینی‌ها بین نوار غزه (ن.ک: بند ۷ بالا)، کرانه باختری رود اردن و

146. "Economic and social repercussions of the Israeli occupation on the living conditions of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and of the Arab population in the occupied Syrian Golan", UN doc. A/78/127-E/2023/95 (30 June 2023), para. 58.

147. "Report of the independent international fact-finding mission to investigate the implications of the Israeli settlements on the civil, political, economic, social and cultural rights of the Palestinian people throughout the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem", UN doc. A/HRC/22/63 (7 February 2013), para. 72.

148. United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA)

149. OCHA, "Fact sheet: Movement and access in the West Bank" (August 2023)

150. "Human rights situation in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem: Report of the Secretary-General", UN doc. A/HRC/31/44 (20 January 2016), para. 15.

151. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 168, para. 80.

152. Israeli practices affecting the human rights of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem: Report of the Secretary-General, UN doc. A/68/502 (4 October 2013), paras. 22-23.

بیت‌المقدس شرقی اعمال شده است.^{۱۵۳}

۲۰۳. علاوه بر این، محدودیت‌های اسرائیل، مانع دسترسی فلسطینی‌ها در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه به محل عبادت در بیت‌المقدس شرقی می‌شود. شواهد نزد دیوان بر اینکه محدودیت‌هایی از قبیل ایست بازرسی و مناطق ممنوعه در روزهای مقدس، مانع فلسطینی‌ها برای انجام مناسک مذهبی شده است، تأکید دارد.^{۱۵۴} همچنین کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید کرده که ایجاد مانع در دسترسی به مکان‌های مذهبی، مخصوصاً در بیت‌المقدس شرقی، آزادی مذهبی به صورت برابر را خدشه‌دار کرده است.^{۱۵۵}

۲۰۴. گزارش‌های سازمان ملل بر اینکه نیروهای امنیتی اسرائیل مبادرت به تخریب راه‌ها و دیگر زیرساخت‌های مورد استفاده فلسطینی‌ها در کرانه باختری می‌نماید، تأکید می‌کند.^{۱۵۶} چنین اعمالی تمایز قائل شدن در رفتار با فلسطینی‌ها را در رابطه با آزادی حرکت ایشان تشدید می‌نماید. کمیته حقوق بشر همچنین ملاحظه خود را رابطه با رفتار متمایز با فلسطینی‌ها در مورد آزادی مذهبی‌شان به سبب محدودیت‌های اسرائیل ابراز می‌دارد.^{۱۵۷}

۲۰۵. دیوان بر اساس شواهد نزد خود، ملاحظه می‌کند که اسرائیل از طریق اعمال محدودکننده حرکت خود، در رفتار با فلسطینی‌ها در ارتباط با آزادی حرکت ایشان تمایز قائل می‌شود. در رابطه با پرسش دلایل توجیحی اسرائیل در رفتار تمایزگرایانه، دیوان ملاحظات امنیتی اسرائیل را در نظر می‌گیرد. همچنان که توسط برخی از مشارکت‌کنندگان در رسیدگی‌ها مورد شناسایی قرار گرفته است. در مورد میزان ارتباط این ملاحظات امنیت شهرک‌نشینان و شهرک‌ها، دیوان بر این عقیده است که حمایت از شهرک‌نشین‌ها و شهرک‌ها که حضور آن‌ها در سرزمین‌های اشغالی فلسطین مغایر با حقوق بین‌الملل است، نمی‌تواند زمینه‌ای برای توجیه تدابیری باشد که در رابطه با فلسطینی‌ها متمایز رفتار می‌کند. علاوه بر این، دیوان توجه دارد که تدابیر اسرائیل که اعمال‌کننده محدودیت بر همگی فلسطینی‌ها به صرف هویت فلسطینی ایشان است، نامتناسب با هرگونه هدف عمومی بوده و غیرقابل توجیه با استناد به بحث امنیت است.

153. "Economic and social repercussions of the Israeli occupation on the living conditions of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and of the Arab population in the occupied Syrian Golan", UN doc. A/78/127-E/2023/95 (30 June 2023), para. 55.

154. Report of the independent international fact-finding mission to investigate the implications of the Israeli settlements on the civil, political, economic, social and cultural rights of the Palestinian people throughout the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem", UN doc. A/HRC/22/63 (7 February 2013), para. 60.

155. ("Concluding observations on the fourth periodic report of Israel", UN doc. E/C.12/ISR/CO/4 (12 November 2019), para. 70.

156. for example, "Human rights situation in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and the obligation to ensure accountability and justice: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights", UN doc. A/HRC/55/28 (4 March 2024), para. 55.

157. Human Rights Committee, "Concluding observations on the fifth periodic report of Israel", UN doc. CCPR/C/ISR/CO/5 (5 May 2022), para. 36.

۲۰۶. دیوان در نظریه مشورتی دیوار، بر این عقیده بود که

«ساخت دیوار و رژیم وابسته به آن، مانع آزادی رفت و آمد ساکنان سرزمین اشغالی فلسطین (به استثنای شهروندان اسرائیلی و آن‌هایی که جذب شده‌اند) به نحو تضمین‌شده در بند ۱ ماده ۱۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی می‌شود. آن‌ها همچنین مانع حق هر کس برای کار، سلامت، آموزش و استاندارد زندگی مناسب، همان‌گونه که در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در کنوانسیون حقوق کودک اعلام شده، هستند».^{۱۵۸}

از دید دیوان، رژیم محدودکننده حرکت فلسطینی‌ها در قلمرو اشغالی فلسطین در کلیت آن، بر انتفاع ایشان از حقوق ذکرشده، همچنین حق حمایت در برابر دخالت خودسرانه یا غیرقانونی در زندگی خانوادگی، همان‌طور که به موجب ماده ۱۷ از میثاق حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است، اثری تبعیض‌آمیز دارد. بر اساس مطالب ذکرشده در بالا، دیوان بر این دیدگاه است که سیاست‌های محدودکننده آزادی حرکت اسرائیل در زمره تبعیض منع‌شده به موجب بند ۱ از ماده ۲ و ماده ۲۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بند ۲ ماده ۲ از میثاق حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ماده ۲ کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض نژادی به شمار می‌رود.

۵. تخریب اموال

۲۰۷. اکنون دیوان به اقدام اسرائیل در نابودی دارایی‌های فلسطینی‌ها در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی می‌پردازد. بنا به اعلام اداره ملل متحد برای همکاری در زمینه امور بشردوستانه که مبادرت به جمع‌آوری داده‌ها در زمینه تخریب اموال در کرانه باختری و نوار غزه از ۲۰۰۹ نموده است، تقریباً ۱۱۰۰۰ سازه فلسطینی از زمان ذکرشده تخریب شده است. دارایی‌های تخریب‌شده شامل ۴۵۰۰ سازه معیشتی و مسکونی، ۳۰۰۰ سازه کشاورزی و تقریباً ۱۰۰۰ سازه آبی، دفع فاضلاب و بهداشتی است.^{۱۵۹} اقدام اسرائیل در تخریب خانه‌ها به دو شکل صورت می‌پذیرد: تخریب دارایی به‌عنوان اقدام تنبیهی برای جرم کیفری و تخریب اموال به سبب نبود جواز ساختمان. دیوان به نوبت به بررسی هر یک خواهد پرداخت.

الف) تخریب تنبیهی

۲۰۸. به موجب حقوق قابل اعمال، فرمانده نظامی نیروهای دفاعی اسرائیل قدرت دارد تا دستور به تخریب اموال مرتبط با افراد مرتکب مجموعه اعمالی که دارای ماهیت تروریستی به شمار می‌روند، بدهد. این اموال به‌صورت اساسی، خانه‌ای است که این افراد در آن زندگی می‌کنند یا زندگی کرده یا

158. I.C.J. Reports 2004 (I), pp. 191-192, para. 134.

159. OCHA, "Data on demolition and displacement in the West Bank

جایی است که خانواده آن‌ها زندگی می‌کنند. اسرائیل گزارش داده که بیش از ۲۰۰۰ مورد از اموال فلسطینی را از زمان آغاز اشغال عنوان مجازات برای جرائم کیفری تخریب کرده است.^{۱۶۰}

۲۰۹. دیوان توجه دارد که از دید دادگاه‌های اسرائیلی صلاحیت قانونی برای تخریب تنبیهی در بند ۱ مقرر شماره ۱۱۹ دفاع (اضطراری) فلسطین یافت شده که در زمان قیومیت بریتانیا (مقررات (اضطراری) دفاعی) در ۱۹۴۵ صادر شده است.^{۱۶۱} اگرچه تداوم اعتبار مقرر شماره ۱۱۹ دفاع (اضطراری) فلسطین از ماه مه ۱۹۴۸ مورد اختلاف بوده، دیوان به تعیین تکلیف این پرسش نمی‌پردازد. دیوان نیاز دارد که تنها به بررسی این مسئله بپردازد که آیا اجرای آن [مقرر] توسط اسرائیل، به‌عنوان قدرت اشغالگر، موجبات تبعیض علیه فلسطینی‌ها را ایجاد می‌کند یا خیر.

۲۱۰. در این زمینه دیوان ملاحظه می‌کند که اگرچه چندین هزار خانه فلسطینی تخریب شده (ن.ک: بند ۲۰۸ بالا)، تمهیدات تخریب تنبیهی هرگز در مورد اموال مرتبط با غیرنظامیان اسرائیلی که مرتکب جرائم مشابه شده‌اند، استفاده نشده است.^{۱۶۲} در این رابطه، اعمال تمهید تخریب تنبیهی از سوی اسرائیل در زمره رفتار متمایز با فلسطینی‌ها در قلمرو اشغال‌شده فلسطین در برخورداری ایشان از حق حمایت‌شدن در برابر مداخله غیرقانونی و خودسرانه در حریم خصوصی، خانواده و منزل، همان‌گونه که در بند ۱ از ماده ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده، به شمار می‌رود.

۲۱۱. دیوان باید تعیین کند که آیا چنین رفتار متمایزی قابل توجیه است یا خیر. در این ارتباط، دیوان یادآوری می‌کند که به موجب ماده ۵۳ از کنوانسیون چهارم ژنو، تخریب دارایی واقعی یا شخصی ممنوع بوده، مگر آنکه چنین تخریبی به موجب عملیات‌های نظامی کاملاً ضروری تلقی شود. اصل مشابهی در ماده ۲۳(g) از مقررات لاهه که تخریب اموال را مگر در زمانی که ضرورت اقتضات جنگ مستلزم آن باشد، ممنوع کرده است. احتمالاً عملیات‌های نظامی متصور در این مقررات، در چارچوب مخاصمات فعال روی خواهند داد. با این حال در قضیه حاضر، دیوان قانع نشده که تخریب تنبیهی اموال در قالب عملیات‌های نظامی به‌طور قطعی ضروری بوده یا قابل توجیه باشد.

۲۱۲. علاوه بر این، در حالی که اموال موضوع تخریب، تا حدودی مرتبط به افراد مرتکب جرم خاص بوده، این اموال مورد استفاده و مالکیت گروه وسیعی از افراد مشتمل بر خانواده و خویشاوندان فرد نیز هست. در این زمینه دیوان ملاحظه می‌کند که بند ۱ ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو مقرر

160. UN doc. A/HRC/44/60 (22 December 2020), para. 38.

161. The Palestine Gazette, No. 1442 — Supplement No. 2, p. 1089 (27 September 1945); see also Supreme Court of Israel (sitting as the High Court of Justice), Sakhwil et al. v. Commander of the Judea and Samaria region, HCJ 434/79, Israel Yearbook on Human Rights, Vol. 10, 1980, p. 346.

162. Israeli practices affecting the human rights of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem: Report of the Secretary-General, UN doc. A/78/502 (2 October 2023), para. 27.

کرده: «هیچ شخص مورد حمایتی نباید برای جرمی که او به صورت شخصی مرتکب نشده، مجازات شود. مجازات جمعی و به همین ترتیب، تمامی اقدامات، رعب‌آور یا دارای منشأ تروریستی ممنوع شده‌اند». این مقرر از اصل کلی مسئولیت کیفری فردی که انتساب مسئولیت به فرد به سبب اعمال دیگری را منع می‌کند، تبعیت می‌کند. از منظر دیوان، تخریب تنبیهی اموال در شمار مجازات دیگر اشخاص ساکن یا استفاده‌کننده از این اموال به شمار رفته، در حالی که آن‌ها مرتکب [جرمی] نشده و بنابراین این اقدام ناقض ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو است. دیوان همچنین یادآوری می‌کند که قدرت اشغالگر مجاز بوده تا حقوق کیفری جاری در سرزمین اشغالی را [صرفاً] تا آنجا که مانعی بر سر راه اجرای کنوانسیون هستند، لغو یا معلق نماید.^{۱۶۳} این مقرر همچنین تأکید می‌کند که حتی اگر مقرر شماره ۱۱۹ دفاع [اضطراری] فلسطین به عنوان موضوع حقوق داخلی باقی بماند، نباید از سوی اسرائیل به عنوان ابزاری به منظور عمل در مسیری مغایر با تعهدات بین‌المللی آن به موجب کنوانسیون چهارم ژنو، به‌ویژه ذیل تعهد آن به خودداری از اعمال مجازات جمعی استفاده شود.

۲۱۳. رویه اسرائیل در تخریب‌های تنبیهی اموال فلسطینی، در تضاد با تعهدات آن به موجب حقوق بشردوستانه بین‌المللی، در خدمت هدف عمومی مشروع نبوده است. دیوان توجه دارد که به دلیل آنکه در این رویه با فلسطین رفتار متفاوت بدون توجیهی وجود دارد، آن [رویه] در زمره تبعیض منع شده به موجب بند ۱ از ماده ۲ و ماده ۲۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و بند ۲ از ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همچنین ماده ۲ کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض نژادی به شمار می‌رود.

(ب) تخریب به دلیل عدم جواز ساخت و ساز

۲۱۴. یک نوع جدا از تخریب اموال در اجرای سیستم برنامه‌ریزی ارضی اسرائیل در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی اعمال شده است. همان‌گونه که دیوان در بالا تأکید نمود، اسرائیل تمامی زمین‌های منطقه موسوم به C (بالغ بر ۶۰ درصد کرانه باختری) را به شهرک‌های اسرائیلی، مناطق بسته نظامی و مناطق حفاظت‌شده طبیعی اختصاص داده است (ن.ک: بند ۱۲۰). کمتر از ۱ درصد از زمین‌های منطقه C و ۱۳ درصد از زمین‌های بیت‌المقدس شرقی به ساخت زیرساخت‌ها برای فلسطینی‌ها تخصیص داده شده است^{۱۶۴} (ن.ک: بند ۱۶۳).

۲۱۵. علاوه بر این، مطابق گزارش ۲۰۱۳ مأموریت حقیقت‌یاب بین‌المللی مستقل، فلسطینی‌ها از کمیته‌های برنامه‌ریزی مربوط به صدور و اجرای جوازهای ساخت، کنار گذاشته شده‌اند. در بازه ۲۰

163. second paragraph of Article 64 of the Fourth Geneva Convention

164. Palestinian people: Developments in the economy of the Occupied Palestinian Territory”, UN doc. TD/B/EX(71)/2 (20 September 2021), para. 33; see also paragraph 163 above). Report on UNCTAD assistance to the Palestinian people: Developments in the economy of the Occupied Palestinian Territory”, UN doc. TD/B/EX(71)/2 (20 September 2021), para. 33; see also paragraph 163 above.

سأله منتهی به گزارش، ۹۴ درصد از درخواست‌های جواز فلسطینی رد شده است.^{۱۶۵} گزارش شده که نرخ تصویب درخواست‌های جواز فلسطینی‌ها از آن پس کاهش یافته است.^{۱۶۶} در ژوئیه ۲۰۲۳ رئیس پشتیبانی در تشکیلات غیرنظامی اسرائیل تأیید کرد که بیش از ۹۰ درصد درخواست‌های فلسطینی‌ها برای جواز پذیرفته نشده است، در حالی که به صورت تقریبی ۶۰ تا ۷۰ درصد درخواست‌های اسرائیلی‌ها بررسی و تصویب شده است.^{۱۶۷}

۲۱۶. به دلیل فرایند طولانی، پیچیده و پرهزینه دستیابی به جواز ساخت و نرخ پایین تصویب آن، بسیاری از فلسطینی‌ها اقدام به ساخت سازه‌هایی بدون مجوز می‌کنند. ساختمان‌های بدون مجوز، موضوع تخریب قرار گرفته و ساکنان را در معرض تخلیه و جابه‌جایی قرار می‌دهند. همان‌گونه که دیوان در بالا اشاره نمود، بیش از یک‌سوم خانه‌های فلسطینی، با اسکان تقریبی ۱۰۰۰۰۰ ساکن، در ۲۰۱۹ فاقد جواز ساخت بوده‌اند (ن.ک: بند ۱۶۵). مجازات‌های سنگین که برای داشتن جوازهای ساخت تحمیل می‌شود، منجر به آن شده که بسیاری از فلسطینی‌ها مبادرت به تخریب اموال خود کنند.^{۱۶۸}

۲۱۷. دوره‌ای از اصلاحات در زمینه چارچوب قانونی قابل اجرا در زمینه منطقه‌بندی و برنامه‌ریزی، از جمله تصویب فرمان نظامی شماره ۱۷۹۷ در ۲۰۱۹ و اصلاح فرمان نظامی شماره ۱۲۵۲ در ۲۰۲۰، مقامات اسرائیلی را قادر ساخته تا ظرف ۹۶ ساعت از صدور دستور تخلیه، سازه‌ها را تخریب کنند؛ ابزارهای جبران خسارت علیه تخریب نیز محدود شده است.^{۱۶۹} در نتیجه، نرخ تخریب به‌طور پیوسته افزایش یافته است. کمیسر عالی ملل متحد برای حقوق بشر گزارش داده که بیش از ۷۰۰۰ سازه دارای مالکیت فلسطینی بین سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۲۲، به‌ویژه در منطقه C و بیت‌المقدس شرقی تخریب شده است. در بین این سازه‌ها، بیش از ۱۶۰۰ سازه کمک بشردوستانه ارائه داده، بیش از ۶۰۰ سازه، ساختمان‌های مرتبط با آب، فاضلاب و بهداشت بوده و بیش از ۲۰ سازه،

165. “Report of the independent international fact-finding mission to investigate the implications of the Israeli settlements on the civil, political, economic, social and cultural rights of the Palestinian people throughout the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem”, UN doc. A/HRC/22/63 (7 February 2013), para. 70.

166. “Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel”, UN doc. A/77/328 (14 September 2022), para. 42; see also “Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and the Occupied Syrian Golan: Report of the Secretary-General”, UN doc. A/77/493 (3 October 2022), para. 18.

167. “Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and in the occupied Syrian Golan: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights”, UN doc. A/HRC/55/72 (1 February 2024), para. 35.

168. “Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and the occupied Syrian Golan: Report of the Secretary-General”, UN doc. A/75/376 (1 October 2020), para. 48.

169. “Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and in the occupied Syrian Golan: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights”, UN doc. A/HRC/46/65 (15 February 2021), para. 32.

مدارسی برای آموزش ۱۳۰۰ کودک بوده‌اند.^{۱۷۰}

۲۱۸. برخلاف این، سازه‌های مربوط به شهرک‌نشینان که فاقد جواز ساخت‌وساز در کرانه باختری بوده‌اند، به‌ندرت در معرض تخریب قرار گرفته‌اند. به موجب اظهارات دبیرکل ملل متحد، در بازه زمانی ۲۰۱۹-۲۰۲۰ صدور دستور تخریب برای سازه‌های فلسطینی پنج برابر سازه‌های اسرائیلی بوده است. در پرتو ساخت‌وساز گسترده در شهرک‌ها و پایگاه‌ها، دبیرکل این مسئله را تبعیض علیه فلسطینی‌ها در نظر گرفت.^{۱۷۱} در این رابطه، دیوان اعمال رویه موسع در عطف به ماسبق شدن مقررات، بیش از تخریب را در مورد سازه‌های شهرک‌نشینان فاقد جواز در قلمرو اشغالی فلسطین یادآوری می‌کند(ن.ک: بند ۱۱۲ بالا).

۲۱۹. دیوان خاطر نشان می‌سازد که رفتار متمایز با فلسطینی‌ها ناشی از رویه‌ها و سیاست‌های برنامه‌ریزی اسرائیل مورد تأکید دبیرکل ملل متحد، و چندین سازوکار نظارتی معاهداتی مشتمل بر کمیته حقوق بشر، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کمیته منع کلیه اشکال تبعیض نژادی قرار گرفته است.^{۱۷۲} کمیته حقوق بشر برای مثال:

«نگرانی عمیق خود را نسبت به رویه نظام‌مند تخریب و تخلیه اجباری بر اساس سیاست‌های تبعیض‌آمیز که منجر به جدایی جوامع یهودی و فلسطینی در سرزمین اشغالی فلسطین، جداسازی نژادی به شمار می‌آید»، ابراز می‌دارد.^{۱۷۳}

۲۲۰. بر اساس شواهد نزد خود، دیوان توجه می‌کند که سیاست برنامه‌ریزی اسرائیل در رابطه با صدور جواز ساخت و رویه آن در تخریب اموال به دلیل فقدان جواز ساخت، تشکیل‌دهنده رفتار متمایزکننده در مورد فلسطینی‌ها در رابطه با بهره‌مندی ایشان از حقوق خود در زمینه حمایت از مداخله خودسرانه و نامشروع در حریم خصوصی، خانواده و محل سکونت، تضمین‌شده در بند ۱ از ماده ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است.

۲۲۱. از منظر دیوان، این رویه نمی‌تواند با استناد به معیارهای معقول و موضوعی به‌عنوان هدف

170. "Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and in the occupied Syrian Golan: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights", UN doc. A/HRC/52/76 (15 March 2023), paras. 25-26.

171. "Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and the occupied Syrian Golan: Report of the Secretary-General", UN doc. A/78/554 (25 October 2023), para. 33.

172. "Israeli settlements in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and the occupied Syrian Golan: Report of the Secretary-General", UN doc. A/78/554 (25 October 2023), para. 19; Human Rights Committee, "Concluding observations on the fifth periodic report of Israel", UN doc. CCPR/C/ISR/CO/5 (5 May 2022), para. 42; Committee on Economic, Social and Cultural Rights, "Concluding observations on the fourth periodic report of Israel", UN doc. E/C.12/ISR/CO/4 (12 November 2019), para. 50; CERD Committee, "Concluding observations on the combined seventeenth to nineteenth reports of Israel", UN doc. CERD/C/ISR/CO/17-19 (27 January 2020), para. 42.

173. Human Rights Committee, "Concluding observations on the fifth periodic report of Israel", UN doc. CCPR/C/ISR/CO/5 (5 May 2022), para. 42.

مشروع عمومی توجیه شود. در عمل، از منظر مادی چیزی نزد دیوان برای اینکه امتناع از مجوز ساخت برای فلسطینی‌ها یا تخریب سازه به دلیل عدم چنین مجوزی، آن هم در چنین مقیاس گسترده‌ای را در خدمت هدف مشروع توجیه کند، وجود ندارد. این نتیجه‌گیری همچنین با این حقیقت که مجوزهای ساخت اسرائیل برای شهرک‌نشینان و شهرک‌ها، ناقض حقوق بین‌الملل است، مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد (ن.ک: بندهای ۱۱۹ و ۱۵۵ بالا).

۲۲۲. در پرتو موارد بالا دیوان ملاحظه می‌کند که سیاست اسرائیل در رابطه با صدور مجوز ساخت و به‌ویژه رویه آن در تخریب اموال به دلیل فقدان مجوز ساخت که منجر به رفتار متمایز بدون توجیه با فلسطینی‌ها در قیاس با شهرک‌نشینان می‌شود، در شمار تبعیض‌های ممنوعه محسوب شده و ناقض بند ۱ ماده ۲ و ماده ۲۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و بند ۲ از ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۲ کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض نژادی است.

۶. نتیجه‌گیری در مورد قوانین و اقدامات تبعیض‌آمیز اسرائیل

۲۲۳. به دلایل فوق، دیوان نتیجه می‌گیرد که طیف وسیعی از قوانین و اقدامات اسرائیل در مقام خود به‌عنوان قدرت اشغالگر، بر اساس دلایل مشخص شده به‌واسطه حقوق بین‌الملل، با فلسطینیان متفاوت رفتار می‌کند. همان‌طور که دیوان متذکر شده است، نمی‌توان این تمایز رفتار را با ارجاع به معیارهای معقول و عینی یا با هدف عمومی مشروع توجیه کرد (ن.ک: بندهای ۱۹۶، ۲۰۵، ۲۱۳ و ۲۲۲). بر این اساس، دیوان بر این عقیده است که رژیم محدودیت‌های جامعی که اسرائیل بر فلسطینیان در سرزمین اشغالی فلسطین تحمیل می‌کند، تبعیض نظام‌مند از جمله، بر اساس نژاد، مذهب یا منشأ قومی است که نقض بند ۱ ماده ۲، و ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۲ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۴ کنوانسیون منع تبعیض نژادی محسوب می‌شود.

۲۲۴. تعدادی از مشارکت‌کنندگان استدلال کرده‌اند که سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین به معنای جداسازی یا آپارتاید است که ناقض ماده ۳ کنوانسیون منع تبعیض نژادی است.

۲۲۵. ماده ۳ کنوانسیون منع تبعیض نژادی به شرح زیر است: «دولت‌های عضو به‌ویژه جداسازی نژادی و آپارتاید را محکوم می‌کنند و متعهد می‌شوند که از همه اعمال از این نوع در سرزمین‌های تحت صلاحیت خود جلوگیری و [انجام آن را] ممنوع و ریشه‌کن کنند». این ماده به دو نوع شدید تبعیض نژادی اشاره دارد: جداسازی نژادی و آپارتاید.

۲۲۶. دیوان خاطر نشان می‌کند که سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی، جدایی بین جمعیت فلسطین و شهرک‌نشینانی را که توسط اسرائیل به این سرزمین منتقل

شده‌اند اجرا می‌کند.

۲۲۷. این جدایی قبل از هر چیز فیزیکی است: سیاست شهرک‌سازی اسرائیل باعث تکه‌تکه شدن کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی و محاصره جوامع فلسطینی به مناطق تحت محاصره می‌شود. در نتیجه سیاست‌ها و رویه‌های تبعیض‌آمیز مانند تحمیل رویه اجازه اقامت و استفاده از شبکه‌های جاده‌ای متمایز که دیوان در بالا مورد بحث قرار داده، جوامع فلسطینی از نظر فیزیکی از یکدیگر منزوی و از جوامع شهرک‌نشینان جدا می‌مانند(ن.ک: برای مثال، بندهای ۲۱۹ و ۲۰۰).

۲۲۸. جدایی بین جوامع شهرک‌نشین و فلسطینی نیز طبق قانون صورت می‌گیرد. در نتیجه گسترش جزئی قوانین اسرائیل به کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی، شهرک‌نشینان و فلسطینی‌ها مشمول سیستم‌های حقوقی متفاوتی در سرزمین اشغالی فلسطین هستند(ن.ک: بندهای ۱۳۵-۱۳۷ در بالا). تا حدی که قوانین اسرائیل نسبت به فلسطینی‌ها اعمال می‌شود، محدودیت‌هایی را برای آن‌ها تحمیل می‌کند، مانند الزام به اخذ مجوز اقامت در بیت‌المقدس شرقی که شهرک‌نشینان از آن مستثنا هستند. به‌علاوه قوانین و اقدامات اسرائیل که برای چندین دهه قابل اجرا بوده است، در طیف وسیعی از زمینه‌های فعالیت فردی و اجتماعی در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی با فلسطینیان، متفاوت از شهرک‌نشینان رفتار می‌کند(ن.ک: بندهای ۱۹۲-۲۲۲ بالا).

۲۲۹. دیوان ملاحظه می‌کند که قوانین و اقدامات اسرائیل تحمیل شده و در خدمت حفظ جدایی تقریباً کامل در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی بین شهرک‌نشینان و جوامع فلسطینی است. به همین دلیل، دیوان معتقد است که قوانین و اقدامات اسرائیل، نقض ماده ۳ کنوانسیون منع تبعیض نژادی است.

ث. مسئله تعیین سرنوشت

۲۳۰. دیوان دریافت که سیاست شهرک‌سازی اسرائیل، اقدامات انضمام سرزمینی آن و قوانین و تدابیر تبعیض‌آمیز مرتبط با آن، نقض حقوق بین‌الملل است. دیوان اکنون به این جنبه از سؤال (الف) می‌پردازد که نظر دیوان پیرامون آثار سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل بر اعمال حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین را استفسار می‌کند. دیوان پیش‌تر وجود حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین^{۱۷۴} را تصدیق کرده بود. دیوان نخست دامنۀ این حق را تعیین و سپس آثار احتمالی سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل را بر اعمال این حق بررسی خواهد کرد.

۲۳۱. منشور ملل متحد، توسعه روابط دوستانه بر اساس احترام به اصل حقوق برابر و تعیین

174. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 183, para. 118.

سرنوشت مردمان را به‌عنوان یکی از اهداف سازمان ملل شناسایی کرده است.^{۱۷۵} حق همه مردم بر تعیین سرنوشت خویش در قطعنامه مجمع عمومی به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است.^{۱۷۶} اهمیت این حق در چندین قطعنامه، به‌ویژه در اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و مردمان تحت استعمار که مؤید اعمال این حق نسبت به همه مردمان و سرزمین‌هایی است که تا کنون به استقلال نرسیده‌اند، تأکید شده است.^{۱۷۷}

۲۳۲. دیوان تصدیق نموده است که حق همه مردم بر تعیین سرنوشت خویش، یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل معاصر است؛^{۱۷۸} در واقع اذعان داشته است که تعهد بر احترام به حق تعیین سرنوشت، عام‌الشمول است و تمامی دولت‌ها نفعی حقوقی در حفاظت از این حق دارند.^{۱۷۹}

۲۳۳. مرکزیت حق تعیین سرنوشت در حقوق بین‌الملل همچنین در نخستین بند ماده ۱ مشترک میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بازتاب یافته است که مقرر می‌دارد: «همه مردمان واجد حق تعیین سرنوشت خویش هستند. به موجب این حق، آن‌ها حق دارند آزادانه وضعیت سیاسی خویش را تعیین و آزادانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را تعقیب نمایند». کمیته حقوق بشر توضیح داده است که اهمیت حق تعیین سرنوشت منبعث از این واقعیت است که «تحقق آن شرط اساسی برای تضمین و رعایت مؤثر حقوق بشر فردی و ترویج و تقویت آن حق‌ها است».^{۱۸۰} در واقع، دیوان تصدیق نموده است که حق تعیین سرنوشت، حق بنیادی بشر است.^{۱۸۱} در سیاق استعمارزدایی، مجمع عمومی بارها بر اهمیت حق تعیین سرنوشت به‌عنوان حق غیرقابل انکار تأکید کرده است.^{۱۸۲} مجمع عمومی همچنین تأکید کرده است که «هیچ بدیلی برای اصل تعیین سرنوشت» در فرایند استعمارزدایی وجود ندارد.^{۱۸۳} دیوان ملاحظه می‌کند که در موارد اشغال خارجی نظیر قضیه حاضر، حق تعیین سرنوشت متضمن هنجار امره حقوق بین‌الملل است.

175. Article 1, paragraph 2, of the Charter

176. Annex to resolution 2625 (XXV) of 24 October 1970

177. resolution 1514 (XV) of 14 December 1960, para. 2.

178. East Timor (Portugal v. Australia), Judgment, I.C.J. Reports 1995, p. 102, para. 29.

179. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 199, para. 155; Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I), p. 139, para. 180.

180. General Comment No. 12 (13 March 1984), Official Records of the General Assembly, Thirty-ninth Session, Supplement No. 40 (UN doc. A/39/40 (SUPP)), Annex VI, para. 1.

181. Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I), p. 131, para. 144.

182. see resolution 40/25 of 29 November 1985, para. 3; resolution 42/14 of 6 November 1987, para. 4; resolution 49/40 of 9 December 1994, para. 1.

183. resolution 57/138 (A) of 11 December 2002, para. 3; resolution 59/134 (A) of 10 December 2004, para. 2.

۲۳۴. حق تعیین سرنوشت مردمان، دامنه اعمال گسترده‌ای دارد.^{۱۸۴} به منظور پاسخ به سؤال مطروحه، دیوان باید تعیین کند که آیا سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل به‌عنوان قدرت اشغالگر در سرزمین اشغالی فلسطین، مانع از اعمال حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین می‌شود یا خیر.

۲۳۵. بسیاری از مشارکت‌کنندگان استدلال کرده‌اند که اشغال سرزمین اشغالی فلسطین از سوی اسرائیل، نقض حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین است. گفته شد که سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل از جمله گسترش شهرک‌ها و ایجاد زیرساخت‌های وابسته به آن در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، سلب مالکیت از زمین‌ها و تخریب ساختمان‌های فلسطینیان، تغییر در ترکیب جمعیتی بخش‌های معینی از سرزمین‌های اشغالی فلسطین، چندپاره کردن سرزمین اشغالی فلسطین و تصاحب منابع طبیعی، از جمله بهره‌برداری از هیدروکربن، منابع معدنی و آبی در سرزمین اشغالی فلسطین، نقض این حق به شمار می‌رود. سایر مشارکت‌کنندگان، قیودی را وارد کردند. یکی از مشارکت‌کنندگان به‌طور خاص استدلال نمود که حق تعیین سرنوشت، نسبی است و نباید تغییرات در مرزهای موجود را دربرگیرد. در نظر ایشان، دیوان باید معلوم کند که آیا اعمال حق تعیین سرنوشت توسط مردم فلسطین، تمامیت سرزمینی، تعرض‌ناپذیری سیاسی یا نیازهای امنیتی مشروع دولت اسرائیل را نقض کرده است یا خیر.

۲۳۶. در نظر دیوان، عناصر پیش رو پیوند ویژه‌ای با رسیدگی‌های حاضر دارد:

۲۳۷. نخست دیوان یادآور می‌شود که حق بر تمامیت سرزمینی طبق حقوق بین‌الملل عرفی به‌عنوان نتیجه طبیعی حق تعیین سرنوشت شناخته شده است.^{۱۸۵} در مورد فلسطین، مجمع عمومی و شورای حقوق بشر، طرفین را به احترام و حفظ وحدت سرزمینی، مجاورت و تمامیت سرزمین‌های اشغالی فلسطین، از جمله بیت‌المقدس شرقی فراخواندند.^{۱۸۶} دیوان عقیده دارد که اسرائیل به‌عنوان قدرت اشغالگر، تعهد به عدم ممانعت مردم فلسطین از اعمال حق خویش بر تعیین سرنوشت، از جمله حق آن‌ها در داشتن دولت مستقل و واجد حاکمیت بر تمامی سرزمین اشغالی فلسطین دارد.

۲۳۸. دیوان پیش‌تر دریافته بود که سیاست شهرک‌سازی اسرائیل، کرانه باختری را چندپاره و بیت‌المقدس شرقی را از آن جدا کرده است (ن.ک: بند ۱۶۴). پراکندگی شهرک‌ها در کرانه باختری همراه با گسترش شبکه جاده‌ای که فلسطینی‌ها از عبور و مرور در آن منع یا محدود شده‌اند، منجر به محبوس شدن جوامع فلسطینی در مناطق تحت محاصره در کرانه باختری شده است (ن.ک: بندهای

184. Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I), p. 131, para. 144.

185. Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I), p. 134, para. 160.

186. General Assembly resolution 77/208 of 15 December 2022, ninth preambular paragraph; Human Rights Council resolution 49/28 of 1 April 2022, para. 5.

۲۰۰ و ۲۲۷). افزون بر این، انضمام بخش‌های بزرگی از سرزمین اشغالی فلسطین از سوی اسرائیل، تمامیت سرزمین اشغالی فلسطین به‌عنوان یکی از عناصر حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین را نقض کرده است.

۲۳۹. دوم اینکه به موجب حق تعیین سرنوشت، مردم در برابر اعمالی که هدف آن‌ها پراکنده کردن جمعیت و تضعیف یکپارچگی آن‌ها به‌عنوان ملت است، محافظت می‌شوند. در گذشته، دیوان نتیجه گرفته بود که ساخت دیوار توسط اسرائیل در کنار سایر اقدامات، منجر به کوچ جمعیت‌های فلسطینی از مناطق مشخصی شد، و در نتیجه، خطر تغییرات در ترکیب جمعیتی سرزمین اشغالی فلسطین را ایجاد کرد؛ به این دلیل، به‌شدت مانع اعمال حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین شد.^{۱۸۷} دیوان همچنین دریافت که سیاست شهرک‌سازی اسرائیل در کل، انضمام سرزمینی و قوانین و اقدامات مرتبطی که در سرزمین‌های اشغالی علیه فلسطینی‌ها تبعیض قائل می‌شد منجر به کوچ فلسطینی‌ها از مناطق مشخصی از سرزمین‌های اشغالی فلسطین، مخصوصاً از منطقه C و بیت‌المقدس شرقی شد. افزون بر این، محدودیت‌های سختگیرانه اسرائیل بر عبور و مرور میان نوار غزه، کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی، جمعیت‌های فلسطینی ساکن در بخش‌های مختلف سرزمین اشغالی فلسطین را از یکدیگر جدا کرد(ن.ک: بندهای ۲۰۲ و ۲۰۶). در نظر دیوان، این سیاست‌ها و اقدامات، یکپارچگی مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی را تضعیف نمود و به نحو قابل ملاحظه‌ای مانع از اعمال حق آن‌ها بر تعیین سرنوشت شد.

۲۴۰. عنصر سوم از حق تعیین سرنوشت، حق اعمال حاکمیت دائم بر منابع طبیعی به‌عنوان اصل حقوق بین‌الملل عرفی است.^{۱۸۸} دیوان پیش‌تر دریافت که اسرائیل منابع طبیعی در سرزمین اشغالی فلسطین را به نفع خود و به نفع شهرک‌نشینان بهره‌برداری کرده و تعهد خود به احترام به حاکمیت دائم مردم فلسطین بر منابع طبیعی را نقض کرده است(ن.ک: بند ۱۳۳). اسرائیل با محروم‌سازی مردم فلسطین از بهره‌مند شدن از منابع طبیعی خود در سرزمین اشغالی فلسطین برای دهه‌ها، مانع از اعمال حق تعیین سرنوشت آن‌ها شد.

۲۴۱. چهارم، عنصری کلیدی در حق تعیین سرنوشت حق مردم در تعیین آزادانه وضعیت سیاسی و تعقیب توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش است. این حق در قطعنامه‌های ۱۵۱۴(XV) و ۲۴۲۵(XXV) بازتاب داشته و در ماده ۱ مشترک میثاقین گنجانده شده است(ن.ک: بند ۲۳۳). دیوان پیش‌تر در مورد تأثیر سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل بر برخی از جنبه‌های حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فلسطینی‌ها، به‌ویژه به دلیل تضییع حقوق بشر آن‌ها بحث کرده است. وابستگی

187. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 184, para. 122.

188. see Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), Judgment, I.C.J. Reports 2005, p. 251, para. 244.

کرانه باختری، بیت‌المقدس شرقی و مخصوصاً نوار غزه به اسرائیل برای تأمین کالاها و خدمات به بهره‌مندی از حق‌های بنیادی بشری به‌ویژه حق تعیین سرنوشت، آسیب زده است («عواقب اقتصادی و اجتماعی اشغال اسرائیل بر شرایط زندگی مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی، از جمله بیت‌المقدس شرقی، و جمعیت عرب در بلندی‌های جولان سوریه»^{۱۸۹}).

۲۴۲. علاوه بر جراحات وارد بر افراد، نقض حقوق فلسطینی‌ها، از جمله حق بر آزادی و امنیت اشخاص و آزادی عبور و مرور از طریق ازبیدن بردن توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، عواقبی را برای مردم فلسطین به‌عنوان کل به وجود آورده است. در این ارتباط، کمیسیون اقتصادی و اجتماعی برای آسیای غربی در ۲۰۲۳ این نکته را ملاحظه کرد که:

«محدودیت‌های تحمیلی اسرائیل، گسترش شهرک‌سازی‌های غیرقانونی و سایر اقدامات نه‌تنها مانع از توسعه شده، بلکه چندپاره‌کردن سرزمین فلسطین را تشدید کرده است. این سیاست‌ها و اقدامات، آثار شدید بشردوستانه، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر فلسطینی‌ها و توانایی آن‌ها در اعمال حقوق بنیادین بشرشان داشته است. عواقب این اقدامات، تأثیراتی انباشته، چندلایه و بین‌نسلی بر جامعه، اقتصاد و محیط‌زیست فلسطین برجای گذاشته و منجر به بدتر شدن شرایط زندگی فلسطینی‌ها، جابه‌جایی اجباری آن‌ها، عدم توسعه سرزمین‌های اشغالی فلسطین، تثبیت وابستگی نامتقارن اقتصاد فلسطین به اسرائیل، و تشدید وابستگی نهادی فلسطینی‌ها به کمک خارجی می‌شود»^{۱۹۰}.

در نتیجه دیوان ملاحظه می‌کند که سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل، حق مردم فلسطین در تعیین آزادانه وضعیت سیاسی و تعقیب توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را مسدود می‌کند.

۲۴۳. ویژگی طولانی‌مدت سیاست‌ها و اقدامات غیرقانونی اسرائیل، نقض حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین را وخیم می‌کند. در نتیجه سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل که دهه‌ها از آن می‌گذرد، مردم فلسطین از حق خویش بر تعیین سرنوشت برای مدت طولانی محروم شده‌اند و طولانی‌تر شدن این سیاست‌ها و اقدامات، اعمال این حق را در آینده تضعیف می‌کند. به این دلایل، دیوان بر این عقیده است که سیاست‌ها و اقدامات غیرقانونی اسرائیل، نقض تعهد اسرائیل ناظر بر محترم‌شمردن حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین است. نحوه تأثیر این سیاست‌ها بر وضعیت حقوقی اشغال، و بدین وسیله، قانونی‌بودن حضور مستمر اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، در ادامه بحث می‌شود (ن.ک: بندهای ۲۵۵-۲۵۷).

189. UN doc. A/78/127-E/2023/95 (30 June 2023)

190. "Economic and social repercussions of the Israeli occupation on the living conditions of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and of the Arab population in the occupied Syrian Golan", UN doc. A/78/127-E/2023/95 (30 June 2023), para. 130.

۶. آثار سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل بر وضعیت حقوقی اشغال

الف. دامنهٔ بخشی نخست سؤال (ب) و حقوق قابل اعمال

۲۴۴. دیوان اکنون به بخش نخست سؤال (ب) می‌پردازد که در آن مجمع عمومی نظر دیوان را جویا شد و بررسی خواهد کرد که آیا سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل در پرتو قواعد و اصول مرتبط حقوق بین‌الملل بر وضعیت حقوقی اشغال تأثیر می‌گذارد، و اگر چنین است، نحوهٔ این اثرگذاری به چه ترتیب است. دیوان ابتدا با تعیین دامنهٔ بخش نخست سؤال (ب) مجمع عمومی آغاز خواهد کرد.

۲۴۵. همان‌طور که در پاسخ دیوان به سؤال (الف) نشان داده شد، اسرائیل سیاست‌ها و اقدامات معینی را اتخاذ کرده است که منطبق بر رژیم حقوقی حاکم بر اشغال نیست. علاوه بر این، پاسخ ارائه‌شده به سؤال (الف) نشان می‌دهد که سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل از جمله گسترش مستمر شهرک‌سازی‌ها، به منظور اثبات حقایق غیرقابل بازگشت طراحی شده است که منجر به تثبیت انضمام بخش‌های وسیعی از سرزمین اشغالی فلسطین و ممانعت از اعمال حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها می‌شود (ن.ک: بندهای ۱۶۲-۱۷۳ و ۲۴۳-۲۳۰). دیوان بر این عقیده است که این سیاست‌ها و اقدامات، و ایجاد حقایق انضمامی تأثیرات قابل‌ملاحظه‌ای بر وضعیت حقوقی اشغال و در نتیجه، قانونی‌بودن حضور مستمر اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین گذاشته است.

۲۴۶. دیوان اشاره می‌کند که شورای امنیت و مجمع عمومی نظرات مشابهی را در ارتباط با سیاست‌ها و اقدامات طراحی‌شدهٔ اسرائیل برای تغییر در وضعیت حقوقی، ماهیت جغرافیایی و ترکیب جمعیتی سرزمین اشغالی فلسطین ابراز داشته‌اند.

۲۴۷. برای مثال، شورای امنیت در قطعنامهٔ ۲۵۲ (۱۹۶۸)، پس از تأیید مجدد اینکه تصاحب سرزمینی از طریق غلبهٔ نظامی غیرقابل پذیرش است، بیان داشت که شورای امنیت:

«ملاحظه می‌کند که همهٔ تدابیر و اقدامات تقنینی و اداری اسرائیل، از جمله سلب مالکیت از زمین و اموال مستقر در آن، که در صدد ایجاد تغییر در وضعیت حقوقی بیت‌المقدس بوده بی‌اعتبار است و نمی‌تواند آن وضعیت را تغییر دهد».

شورا همچنین در قطعنامهٔ ۴۴۶ (۱۹۷۹) از اسرائیل می‌خواهد:

«تدابیر پیشین خود را لغو نموده و از اتخاذ هر اقدامی که منجر به تغییر وضعیت حقوقی و ماهیت جغرافیایی شده و تأثیر عمده‌ای بر ترکیب جمعیتی سرزمین‌های اشغالی عربی از ۱۹۶۷ می‌گذارد، از جمله در بیت‌المقدس، دست بردارد و به‌ویژه بخش‌هایی از جمعیت غیرنظامی خود را به سرزمین‌های عربی اشغالی انتقال ندهد».

علاوه بر این در قطعنامهٔ ۴۶۵ (۱۹۸۰) شورا تصمیم گرفت که

«تمامی تدابیر اسرائیل به منظور تغییر در ماهیت فیزیکی، ترکیب جمعیتی، ساختار یا وضعیت نهادی فلسطین و سایر سرزمین‌های اشغالی عربی از ۱۹۶۷، از جمله بیت‌المقدس یا هر بخش از آن اعتبار حقوقی ندارد و اینکه سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل در اسکان بخش‌هایی از جمعیت خود و مهاجران جدید در آن سرزمین‌ها به منزله نقض آشکار کنوانسیون ژنو راجع به حفاظت از اشخاص غیرنظامی در زمان جنگ، و همچنین به منزله ایجاد مانع جدی در دستیابی به صلح جامع، عادلانه و پایدار در خاورمیانه است».

۲۴۸. به همین ترتیب، مجمع عمومی در قطعنامه ۳۲/۵ (۱۹۷۷) خود، با اشاره به وضعیت جدی در سرزمین‌های عرب اشغالی، تشویش و نگرانی شدید خود را از تدابیر و اقدامات دولت اسرائیل، به عنوان قدرت اشغالگر، و طراحی برای تغییر در وضعیت حقوقی، ماهیت جغرافیایی و ترکیب جمعیتی آن سرزمین‌ها ابراز داشت و تصمیم گرفت که «تمامی تدابیر و اقدامات مزبور اسرائیل در فلسطین و سایر سرزمین‌های عرب اشغال شده از ۱۹۶۷ فاقد اعتبار حقوقی است». متعاقباً در ۲۰۱۵ درخواست کرد که

«اسرائیل، قدرت اشغالگر، قویاً به تعهدات خود بر اساس حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بین‌الملل بشردوستانه عمل نماید و تمامی تدابیر خود را که مغایر با حقوق بین‌الملل است و تمامی اقدامات یکجانبه در سرزمین اشغالی فلسطین را از جمله بیت‌المقدس شرقی که با هدف تغییر در ماهیت، وضعیت و ترکیب جمعیتی این سرزمین است، از جمله مصادره و انضمام عملی زمین‌ها، و در نتیجه، پیش‌داوری نتیجه نهایی مذاکرات صلح، با هدف دستیابی بدون تأخیر به پایان اشغال اسرائیل که از ۱۹۶۷ آغاز شد، متوقف نماید».^{۱۹۱}

۲۴۹. اخیراً مجمع عمومی در همان قطعنامه‌ای که به موجب آن درخواست نظر مشورتی حاضر را از دیوان کرد، تقاضا نمود که

«اسرائیل، قدرت اشغالگر، تمامی فعالیت‌های شهرک‌سازی، ساخت دیوار و سایر تدابیری را که هدف آن تغییر ویژگی‌ها، وضعیت و ترکیب جمعیتی سرزمین‌های اشغالی فلسطین، از جمله درون و پیرامون بیت‌المقدس شرقی است متوقف نماید، که همه آن‌ها، از جمله تأثیر شدید و زیان‌باری بر حقوق بشر مردم فلسطین، از جمله حق تعیین سرنوشت آن‌ها و چشم‌انداز دستیابی بدون تأخیر به پایان اشغال اسرائیل که از ۱۹۶۷ آغاز شد و توافق صلح عادلانه، پایدار و جامع میان طرف‌های اسرائیلی و فلسطینی دارد».^{۱۹۲}

۲۵۰. بنابراین دیوان ملاحظه می‌کند که بخش نخست سؤال (ب) مجمع عمومی این نیست که

191. resolution 70/15 (2015)

192. resolution 77/247 (2022)

سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل به همین ترتیب بر وضعیت حقوقی اشغال تأثیر می‌گذارد یا خیر، بلکه نظر دیوان این است که دامنه بخش نخست سؤال دوم به نحوه اثرگذاری سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل بر وضعیت حقوقی اشغال، و در نتیجه، بر قانونی بودن حضور مستمر اسرائیل به‌عنوان قدرت اشغالگر در سرزمین اشغالی فلسطین می‌پردازد. این قانونی بودن بر اساس قواعد و اصول حقوق بین‌الملل عام، از جمله قواعد مرتبط منشور ملل متحد احراز می‌شود.

۲۵۱. دیوان عقیده دارد که قواعد و اصول حقوق بین‌الملل عام و منشور ملل متحد در مورد توسل به زور در سرزمین خارجی (حقوق بر جنگ) باید از قواعد و اصولی که بر رفتار قدرت اشغالگر طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه (حقوق در جنگ) و قواعد بین‌المللی حقوق بشر اعمال می‌شود، تفکیک شود. قواعد دسته نخست، قانونی بودن حضور مستمر قدرت اشغالگر در سرزمین‌های اشغالی را احراز می‌کند؛ درحالی که قواعد دسته دوم بدون توجه به قانونی بودن یا غیرقانونی بودن حضور قدرت اشغالگر، همچنان بر رفتار آن اعمال می‌شود. این قواعد و اصول دسته اول در رابطه با توسل به زور در کنار حق تعیین سرنوشت مردمان است که دیوان عقیده دارد در پاسخ به بخش نخست سؤال (ب) مجمع عمومی قابل اعمال است.

ب. نحوه تأثیر سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل بر وضعیت حقوقی اشغال

۲۵۲. دیوان در بالا احراز کرد که سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل و نحوه اجرا و اعمال واقعی آن‌ها تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر وضعیت حقوقی اشغال دارد؛ آن‌هم از طریق گسترش حاکمیت اسرائیل بر بخش‌های معینی از سرزمین اشغالی، انضمام تدریجی به سرزمین اسرائیل، اعمال وظایف دولتی اسرائیل و اعمال قوانین داخلی آن در این سرزمین‌ها و نیز از طریق جابه‌جایی تعداد فزاینده‌ای از اتباع خود به آن بخش‌های سرزمین اشغالی و ممانعت از اجرای حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین.^{۱۹۳} در نتیجه، این سیاست‌ها و اقدامات منجر به تغییرات در خصوصیات فیزیکی، وضعیت حقوقی، ترکیب جمعیتی و تمامیت ارضی سرزمین اشغالی فلسطین، به‌ویژه کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی می‌شود. این تغییرات، قصد اسرائیل مبنی بر تثبیت حضور دائم و بازگشت‌ناپذیر در سرزمین اشغالی فلسطین را آشکار می‌کند.

۲۵۳. دیوان اظهار می‌دارد که اشغال بنا به ماهیتش دربرگیرنده استفاده مستمر از زور در سرزمین خارجی است. چنین توسل به زوری، در هر حال، منوط به قواعد حقوق بین‌الملل حاکم بر قانونی بودن توسل به زور یا حقوق در جنگ است. چنانچه در بخش ۵.پ بالا اشاره شد، این قواعد، توسل به زور برای اکتساب سرزمین را منع می‌کند. بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی به نحو مندرج در منشور

ملل متحد و منعکس در حقوق بین‌الملل عرفی، اشغال تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند حق مالکیت بر سرزمین شده یا اکتساب آن از سوی قدرت اشغالگر را توجیه نماید.

۲۵۴. ادعای حاکمیت بر بخش‌های معینی از این سرزمین و انضمام آن توسط اسرائیل، همان‌طور که در بالا نشان داده شد، نقض ممنوعیت اکتساب سرزمین با زور است. این نقض، تأثیر مستقیمی بر قانونی‌بودن حضور مستمر اسرائیل به‌عنوان قدرت اشغالگر در سرزمین اشغالی فلسطین دارد. دیوان اعتقاد دارد که اسرائیل بر مبنای اشغال هیچ حق حاکمیتی بر هیچ‌یک از بخش‌های سرزمین اشغالی فلسطین و هیچ حقی مبنی بر اعمال اختیارات حاکمیتی در آن ندارد. نگرانی‌های امنیتی اسرائیل نیز نمی‌تواند بر اصل ممنوعیت اکتساب سرزمین با زور برتری یابد.

۲۵۵. در ارتباط با حق تعیین سرنوشت، دیوان یادآور می‌شود که احترام به اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت مردمان در منشور ملل متحد گنجانده شده (بند ۲ ماده ۱) و در قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی مجدداً بر آن تأکید شده است و بر اساس آن، «هر دولت تعهد دارد از هرگونه اقدام اجباری که مردمان را از توسل به حق تعیین سرنوشت خویش محروم می‌کند، اجتناب نماید».

۲۵۶. دیوان بر این عقیده است که سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل به‌صورت پیش‌گفته، و اعمال حاکمیت بر بخش‌های معینی از سرزمین اشغالی فلسطین، به‌ویژه کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی، مانع اعمال حق تعیین سرنوشت از سوی مردم فلسطین می‌شود (ن.ک: بندهای ۲۳۳-۲۴۳). آثار این سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل شامل انضمام بخش‌هایی از سرزمین اشغالی فلسطین، چندپاره کردن این سرزمین، تضعیف یکپارچگی آن، محرومیت مردم فلسطین از بهره‌مندی از منابع طبیعی این سرزمین و خدشه به حق مردم فلسطین در تعقیب توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش می‌شود (ن.ک: بندهای ۲۳۰-۲۴۳).

۲۵۷. این آثار سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل، از جمله منجر به محرومیت طولانی‌مدت مردم فلسطین از حق خویش بر تعیین سرنوشت و نقض این حق اساسی می‌شود. این نقض، تأثیر مستقیمی بر قانونی‌بودن حضور اسرائیل به‌عنوان قدرت اشغالگر در سرزمین اشغالی فلسطین دارد. دیوان بر این عقیده است که نمی‌توان از اشغال به نحوی استفاده کرد که جمعیت تحت اشغال را برای مدت نامحدود در حالت تعلیق و بلا تکلیفی قرار دهد و با انکار حق آن‌ها بر تعیین سرنوشت بخش‌هایی از سرزمین، آن‌ها را در سرزمین خود قدرت اشغالگر ادغام نمود. دیوان معتقد است وجود حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین با توجه به ماهیت آن به‌عنوان حق مسلم نمی‌تواند منوط به شرایطی از جانب قدرت اشغالگر شود.

۲۵۸. در پرتو مطالب فوق، دیوان اکنون به بررسی قانونی‌بودن حضور مستمر اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین خواهد پرداخت.

پ. قانونی بودن حضور مستمر اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین

۲۵۹. بسیاری از مشارکت‌کنندگان در رسیدگی‌های حاضر استدلال کرده‌اند که اشغال اسرائیل غیرقانونی است زیرا سیاست‌ها و اقدامات آن منجر به تغییرات در این سرزمین و ترکیب جمعیتی آن با ماهیتی دائمی می‌شود. در نظر آن‌ها، ویژگی دائمی نقض‌های اسرائیل در مورد ممنوعیت اکتساب سرزمین با زور، حضور مستمر اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین را به امری غیرقانونی تبدیل می‌کند.

۲۶۰. برخی از مشارکت‌کنندگان، رسیدگی‌های حاضر را با قضیهٔ پیامدهای حقوقی حضور مستمر افریقای جنوبی در نامیبیا برای دولت‌ها پیوند داده‌اند. این مشارکت‌کنندگان استدلال کرده‌اند اگر حضور مستمر افریقای جنوبی می‌تواند به دلیل نقض قواعد و اصول قابل اعمال حقوق بین‌الملل عام و منشور ملل متحد غیرقانونی قلمداد شود، پس اشغال اسرائیل نیز به دلیل نقض همان قواعد و اصول می‌تواند غیرقانونی باشد.

۲۶۱. دیوان بر این باور است که نقض‌های ممنوعیت اکتساب سرزمین با زور و حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین از سوی اسرائیل، تأثیر مستقیمی بر قانونی بودن حضور مستمر اسرائیل به‌عنوان قدرت اشغالگر در سرزمین اشغالی فلسطین دارد. سوءاستفادهٔ ادامه‌دار اسرائیل از موقعیت خود به‌عنوان قدرت اشغالگر از طریق انضمام و ادعای کنترل دائم بر سرزمین اشغالی فلسطین و عقیم‌سازی مستمر حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین، اصول بنیادین حقوق بین‌الملل را نقض می‌کند و حضور اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین را غیرقانونی می‌سازد.

۲۶۲. این غیرقانونی بودن، مرتبط با تمامیت سرزمینی فلسطین است که در ۱۹۶۷ از سوی اسرائیل اشغال شد. این قلمرو واحد سرزمینی است که اسرائیل در سرتاسر آن سیاست‌ها و اقداماتش را به منظور چندپاره کردن و ناکام گذاشتن توانایی مردم فلسطین برای اعمال حق تعیین سرنوشت خویش تحمیل نموده است و در بخش‌های وسیعی از آن، از طریق نقض حقوق بین‌الملل، حاکمیت اسرائیل را گسترش داده است. همچنین تمامیت سرزمین اشغالی فلسطین، قلمروی است که مردم فلسطین در ارتباط با آن باید قادر به اعمال حق تعیین سرنوشت خویش باشند و تمامیت آن باید مورد احترام باشد.

۲۶۳. سه مشارکت‌کننده ادعا کردند که توافقاتی میان اسرائیل و فلسطین، از جمله پیمان‌های اسلو، حق اسرائیل بر حفظ حضورش در سرزمین اشغالی فلسطین را، از جمله به منظور تحقق نیازها و تعهدات امنیتی‌اش به رسمیت شناخته است. دیوان عقیده دارد که این پیمان‌ها به اسرائیل اجازه نمی‌دهد بخش‌هایی از سرزمین اشغالی فلسطین را به منظور برآورده ساختن نیازهای امنیتی خود ضمیمه کند. این پیمان‌ها همچنین به اسرائیل این اختیار را نمی‌دهد که برای نیازهای امنیتی مزبور، حضور دائم خود را در سرزمین اشغالی فلسطین حفظ کند.

۲۶۴. دیوان تأکید می‌کند این نتیجه که حضور مستمر اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین غیرقانونی است، این کشور را از تعهدات و مسئولیت‌هایش طبق حقوق بین‌الملل، به‌ویژه حقوق اشغال در قبال جمعیت فلسطینی و در قبال سایر دولت‌ها در ارتباط با اعمال اختیاراتش در این سرزمین، مادام که حضورش خاتمه یابد، مبرا نمی‌کند. کنترل مؤثر بر سرزمین است که صرف‌نظر از وضعیت قانونی آن طبق حقوق بین‌الملل، مبنای مسئولیت دولت را برای اعمالی که بر جمعیت آن سرزمین یا سایر دولت‌ها تأثیر می‌گذارد، تعیین می‌کند.^{۱۹۴}

۷. پیامدهای حقوقی ناشی از سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل و غیرقانونی بودن حضور مستمر اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین

۲۶۵. دیوان دریافت که سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل در سؤال (الف) نقض حقوق بین‌الملل است. ابقای این سیاست‌ها و اقدامات، عملی غیرقانونی با ماهیت مستمر است که مسئولیت بین‌المللی اسرائیل را به دنبال دارد.^{۱۹۵}

۲۶۶. دیوان همچنین در پاسخ به بخش نخست سؤال (الف) دریافت که حضور مستمر اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین غیرقانونی است. بنابراین دیوان به پیامدهای حقوقی ناشی از سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل در سؤال (الف) برای اسرائیل، در کنار پیامدهای ناشی از غیرقانونی بودن حضور مستمر اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین در سؤال (ب) برای اسرائیل، سایر دولت‌ها و سازمان ملل متحد خواهد پرداخت.

الف. پیامدهای حقوقی برای اسرائیل

۲۶۷. با توجه به یافته‌ی دیوان مبنی بر اینکه حضور مستمر اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین غیرقانونی است، دیوان عقیده دارد که چنین حضوری عملی متخلفانه است که مسئولیت بین‌المللی آن را به دنبال دارد. این عمل متخلفانه دارای ماهیتی مستمر است که از طریق سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل در نقض ممنوعیت اکتساب سرزمین با زور و حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین انجام شده است. متعاقباً اسرائیل تعهد به پایان‌بخشیدن به حضور خود در سرزمین اشغالی فلسطین در سریع‌ترین زمان ممکن دارد. همان‌طور که دیوان نظر مشورتی دیوار حائل تصدیق نمود، تعهد

194. see Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970), Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1971, p. 54, para. 118.

195. Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I), pp. 138-139, para. 177.

دولت مسئول عمل متخلفانه بین‌المللی برای پایان بخشیدن به آن عمل به‌خوبی در حقوق بین‌الملل عام تثبیت شده و دیوان در چندین موقعیت، وجود چنین تعهدی را تأیید کرده است.^{۱۹۶}

۲۶۸. دیوان مضافاً بیان می‌دارد که در رابطه سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل مندرج در سؤال (الف) که غیرقانونی تشخیص داده شد، اسرائیل تعهد دارد به آن اعمال غیرقانونی پایان دهد. در این رابطه اسرائیل باید فوراً تمامی فعالیت‌های شهرک‌سازی جدید را متوقف نماید و همچنین تعهد دارد که تمامی قوانین و تدابیری که منجر به ایجاد یا حفظ این وضعیت شده‌اند، از جمله آن‌هایی که در برابر مردم فلسطین در سرزمین اشغالی فلسطین تبعیض قائل می‌شود و نیز تدابیر با هدف تغییر ترکیب جمعیتی تمامی بخش‌های این سرزمین را لغو نماید.

۲۶۹. اسرائیل همچنین متعهد به جبران کامل خسارات ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی خود به تمامی اشخاص حقوقی و حقیقی مربوطه است.^{۱۹۷} دیوان یادآور می‌شود که اصل اساسی این است که «جبران باید تا جای ممکن تمامی پیامدهای اقدام غیرقانونی را از بین ببرد و وضعیتی را که به احتمال زیاد در صورت عدم انجام آن عمل وجود می‌داشت، دوباره برقرار نماید».^{۱۹۸} جبران شامل اعاده وضع، غرامت و/یا تراضی است.

۲۷۰. اعاده وضع دربرگیرنده تعهد اسرائیل به بازگرداندن زمین‌ها و سایر اموال غیرمنقول و نیز تمامی دارایی‌های توقیف‌شده از هر شخص حقوقی یا حقیقی از زمان آغاز اشغال در ۱۹۶۷ و تمامی اموال فرهنگی و دارایی‌های گرفته‌شده از فلسطینی‌ها و مؤسسات فلسطینی، از جمله بایگانی‌ها و اسناد است. اعاده همچنین مستلزم تخلیه تمامی شهرک‌نشینان از شهرک‌های موجود و برچیدن بخش‌هایی از دیوار ساخته‌شده توسط اسرائیل است که در سرزمین اشغالی فلسطین واقع شده است؛ همچنین باید به تمامی فلسطینی‌های آواره‌شده در جریان اشغال، اجازه بازگشت به محل زندگی اصلی خود را بدهد.

۲۷۱. در صورتی که اعاده از نظر مادی غیرممکن باشد، اسرائیل بر اساس قواعد قابل اعمال حقوق بین‌الملل، تعهد دارد به تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی، و مردم در صورتی که متحمل هر شکلی از خسارت مادی در نتیجه اعمال متخلفانه اسرائیل در وضعیت اشغال شده باشند، غرامت بپردازد.

۲۷۲. دیوان تأکید می‌کند که تعهدات ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی اسرائیل، این کشور را از تکلیف به تداوم اجرای تعهدات بین‌المللی خود که با رفتارش نقض کرده است، مبرا نمی‌کند. به‌ویژه اسرائیل به پایبندی به تعهد خود مبنی بر احترام به حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین و

196. Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I), p. 139, para. 178; Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 197, para. 150.

197. see Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 198, para. 152.

198. Factory at Chorzów, Merits, Judgment No. 13, 1928, P.C.I.J., Series A, No. 17, p. 47.

تعهداتش طبق حقوق بشردوستانه و قواعد بین‌المللی حقوق بشر ملزم خواهد ماند.^{۱۹۹}

ب. پیامدهای حقوقی برای سایر دولت‌ها

۲۷۳. دیوان اکنون به پیامدهای حقوقی مرتبط با سایر دولت‌ها در نتیجه اعمال متخلفانه اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین خواهد پرداخت.

۲۷۴. دیوان بر این عقیده است که تعهدات نقض شده توسط اسرائیل شامل برخی تعهدات عام‌الشمول^{۲۰۰} می‌شود. همان‌طور که دیوان در قضیه *بارسلونا ترکشن* اشاره کرد، تعهدات مزبور به دلیل ماهیت‌شان، دغدغه تمامی دولت‌هاست و «به دلیل اهمیت این حق‌ها، تمامی دولت‌ها می‌توانند نفعی حقوقی در حفاظت از آن‌ها داشته باشند».^{۲۰۱} در میان تعهدات عام‌الشمولی که اسرائیل نقض کرده است، تعهد احترام به حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین و تعهد ناشی از ممنوعیت توسل به زور در اکتساب سرزمین و نیز برخی تعهدات آن طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه و قواعد بین‌المللی حقوق بشر وجود دارد.

۲۷۵. در رابطه با حق تعیین سرنوشت، دیوان بر این عقیده است که هر چند وظیفه مجمع عمومی و شورای امنیت است که شروط لازم جهت حصول اطمینان از پایان بخشیدن به حضور غیرقانونی در سرزمین اشغالی فلسطین و تحقق کامل حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین را بیان نمایند، تمامی دولت‌ها باید با سازمان ملل متحد همکاری کنند تا این شروط به اجرا درآید. چنانکه در *اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل ناظر بر روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها بر اساس منشور ملل متحد* یادآوری شد

«هر دولتی موظف است از طریق اقدام مشترک و جداگانه، تحقق اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت مردمان را مطابق با مفاد منشور ارتقا دهد و به سازمان ملل متحد در اجرای مسئولیت‌هایی که طبق منشور به منظور ایفای این اصل به آن محول شده است، کمک کند».^{۲۰۲}

۲۷۶. در رابطه با ممنوعیت اکتساب سرزمین با زور، دیوان اشاره می‌کند که شورای امنیت در چندین موقعیت مرتبط با سرزمین اشغالی فلسطین، غیرقابل‌پذیرش بودن اکتساب سرزمینی با زور را اعلام و معلوم کرد که

199. see Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004 (I), p. 197, para. 149.

200. erga omnes

201. Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (New Application: 1962) (Belgium v. Spain), Second Phase, Judgment, I.C.J. Reports 1970, p. 32, para. 33.

202. General Assembly resolution 2625 (XXV)

«تمامی تدابیر اسرائیل در تغییر خصوصیت فیزیکی، ترکیب جمعیتی، ساختار نهادی یا وضعیت فلسطین و سایر سرزمین‌های اشغالی عرب از ۱۹۶۷ از جمله بیت‌المقدس یا هر بخشی از آن فاقد اعتبار قانونی است.»^{۲۰۳}

افزون بر این، شورای امنیت در قطعنامه ۲۳۳۴ (۲۰۱۶) مجدداً تأیید کرد که «هرگونه تغییری در مرزهای ۴ ژوئن ۱۹۶۷ از جمله در رابطه با بیت‌المقدس به رسمیت شناخته نخواهد شد، مگر آنچه طرف‌ها از طریق مذاکره توافق نموده‌اند»، و از «همه دولت‌ها درخواست می‌کند با در نظر گرفتن بند ۱ این قطعنامه در مناسبات مربوطه خود، میان قلمرو دولت اسرائیل و سرزمین‌های اشغال شده از ۱۹۶۷ تمایز قائل شوند».

۲۷۷. به همین ترتیب، مجمع عمومی از تمامی دولت‌ها خواست که

«الف) هیچ تغییری در مرزهای پیش از ۱۹۶۷ را، از جمله در رابطه با بیت‌المقدس، به رسمیت نشناسند، مگر آنچه طرف‌ها از طریق مذاکره توافق نموده‌اند، از جمله با حصول اطمینان از اینکه توافق با اسرائیل دلالت بر شناسایی حاکمیت اسرائیل بر سرزمین‌های اشغال شده در ۱۹۶۷ از سوی اسرائیل ندارد؛

ب) در مناسبات خود میان قلمرو دولت اسرائیل و سرزمین‌های اشغال شده از ۱۹۶۷ تمایز قائل شوند؛

پ) هیچ کمک یا مساعدتی به فعالیت‌های شهرک‌سازی غیرقانونی ارائه نکنند، از جمله عدم ارائه هیچ‌گونه کمکی به اسرائیل برای استفاده خاص در ارتباط با شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی در راستای قطعنامه ۴۶۵ (۱۹۸۰) ۱ مارس ۱۹۸۰ شورای امنیت؛

ت) احترام و تضمین احترام به حقوق بین‌الملل در تمام شرایط، از جمله از طریق تدابیر پاسخگویی، مطابق با حقوق بین‌الملل.»^{۲۰۴}

مجمع عمومی در قطعنامه ۷۷/۱۲۶ خود همچنین از همه دولت‌ها درخواست کرد که

«مطابق تعهدات خود طبق حقوق بین‌الملل و قطعنامه‌های مربوطه، وضعیت حاصل از اقدامات غیرقانونی، از جمله اقداماتی که با هدف پیشبرد انضمام سرزمین اشغالی فلسطین، شامل بیت‌المقدس و سایر سرزمین‌های اشغالی عرب توسط اسرائیل را از ۱۹۶۷ به رسمیت نشناسند و برای حفظ آن کمک یا مساعدتی نکنند».

در عین حال، مجمع عمومی در قطعنامه ۳۲/۱۶۱ (۱۹۷۷) خود

«از همه دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، آژانس‌های تخصصی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری

203. Security Council resolution 465 (1980)

204. resolution 74/11 (2019)

و تمامی مؤسسات دیگر درخواست می‌کند، هیچ‌یک از اقدامات اسرائیل را که به منظور بهره‌برداری از منابع سرزمین‌های اشغالی یا ایجاد هر تغییری در ترکیب جمعیتی یا خصوصیت جغرافیایی یا ساختار نهادی آن سرزمین‌ها اتخاذ شده است، به رسمیت نشناسد یا به هیچ طریقی همکاری و مساعدت در [ایجاد یا حفظ] آن نداشته باشند».

۲۷۸. دیوان با توجه به قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی بر این نظر است که دولت‌های عضو، متعهد به عدم شناسایی هرگونه تغییر در ماهیت فیزیکی یا ترکیب جمعیتی، ساختار نهادی یا وضعیت سرزمین اشغال‌شده توسط اسرائیل در ۵ ژوئن ۱۹۶۷ از جمله بیت‌المقدس شرقی هستند، مگر طرف‌ها از طریق مذاکره توافق کرده باشند، و [متعهد هستند] در مناسبات خود با اسرائیل میان قلمرو دولت اسرائیل و سرزمین اشغالی فلسطین از ۱۹۶۷ تمایز قائل شوند. دیوان عقیده دارد که وظیفه تمایز قائل شدن میان قلمرو اسرائیل و سرزمین اشغالی فلسطین در مناسبات با آن از جمله تعهدات ذیل را در برمی‌گیرد: خودداری از روابط معاهداتی با اسرائیل در مواردی که از جانب سرزمین اشغالی فلسطین یا بخشی از آن در مورد موضوعات مرتبط با سرزمین اشغالی فلسطین یا بخشی از آن سرزمین‌ها باشد؛ پرهیز از ورود به مناسبات اقتصادی یا تجاری با اسرائیل در رابطه با سرزمین اشغالی فلسطین یا بخش‌هایی از آن که ممکن است حضور غیرقانونی آن را در این سرزمین مستحکم کند؛ در ایجاد و حفظ مأموریت‌های دیپلماتیک در اسرائیل از هرگونه به‌رسمیت‌شناختن حضور غیرقانونی این رژیم در سرزمین اشغالی فلسطین خودداری کنند؛ و اتخاذ اقداماتی جهت پیشگیری از روابط تجاری یا سرمایه‌گذاری که به حفظ وضعیت غیرقانونی ایجادشده توسط اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین کمک می‌کند.^{۲۰۵}

۲۷۹. افزون بر این، دیوان بر این عقیده است که با نظر به ماهیت و اهمیت حقوق و تعهدات مربوطه، تمامی دولت‌ها متعهدند وضعیت ناشی از حضور غیرقانونی اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین را به‌عنوان وضعیت قانونی به رسمیت نشناسند. این دولت‌ها همچنین تعهد دارند کمک یا مساعدتی در حفظ وضعیت ایجادشده ناشی از حضور غیرقانونی اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین ارائه نکنند. بر عهده تمامی دولت‌هاست که ضمن احترام به منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل، اطمینان حاصل کنند که هرگونه مانعی که ناشی از حضور غیرقانونی اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین برای اعمال حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین باشد، پایان یابد. به‌علاوه تمامی دولت‌های عضو کنوانسیون چهارم ژنو تعهد دارند، ضمن احترام به منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل، از پایبندی اسرائیل به حقوق بین‌الملل بشردوستانه به نحو مندرج در آن کنوانسیون اطمینان حاصل کنند.

205. see Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970), Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1971, pp. 55-56, paras. 122, 125-127.

پ. پیامدهای حقوقی برای سازمان ملل متحد

۲۸۰. با توجه به نقض‌های جدی تعهدات عام‌الشمول طبق حقوق بین‌الملل، تعهد عدم شناسایی مذکور در بالا، برای سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل نیز اعمال می‌شود. چنانچه در بالا گفته شد، مجمع عمومی پیش‌تر در برخی از قطعنامه‌های خود از سازمان‌های بین‌المللی و آژانس‌های تخصصی درخواست کرد «تدابیر اسرائیل به منظور بهره‌برداری از منابع سرزمین‌های اشغالی یا ایجاد هرگونه تغییر در ترکیب جمعیتی یا خصوصیات جغرافیایی یا ساختار نهادی آن سرزمین‌ها را به رسمیت نشناسند».^{۲۰۶} با نظر به ماهیت و اهمیت تعهدات عام‌الشمول مرتبط با حضور غیرقانونی اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، تعهد به منع شناسایی به‌عنوان وضعیت قانونی ناشی از حضور غیرقانونی اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین و تعهد به تمایز قائل شدن میان قلمرو اسرائیل و سرزمین اشغالی فلسطین در مناسباتشان با اسرائیل، همچنین نسبت به سازمان ملل نیز اعمال می‌شود.

۲۸۱. نهایتاً دیوان بر این عقیده است که شروط دقیق برای پایان‌بخشیدن به حضور غیرقانونی اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین، مسئله‌ای است که باید توسط مجمع عمومی که این نظر مشورتی را درخواست نموده، و نیز شورای امنیت بررسی شود. بنابراین بر عهده مجمع عمومی و شورای امنیت است که بررسی کنند با لحاظ کردن نظر مشورتی حاضر، چه اقدام دیگری برای پایان‌بخشیدن به حضور غیرقانونی اسرائیل لازم است.

۲۸۲. دیوان لازم می‌داند مشابه نظر مشورتی دیوان، تأکید کند که «برای سازمان ملل در کلیت آن ضرورت فوری دارد که تلاش‌های خود را برای پایان دادن سریع به مناقشه اسرائیل-فلسطین، که کماکان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی، و در نتیجه استقرار صلحی عادلانه و پایدار در منطقه است، دوچندان نماید».^{۲۰۷}

۲۸۳. دیوان همچنین اعتقاد دارد که تحقق حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین، از جمله حق داشتن دولتی مستقل و واجد حاکمیت، زندگی با صلح در کنار دولت اسرائیل در مرزهای امن شناخته‌شده برای هر دو دولت به نحو مندرج در قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی، به ثبات منطقه‌ای و امنیت برای تمامی دولت‌های خاورمیانه کمک می‌کند.

۲۸۴. دیوان تأکید می‌کند که پاسخش به سؤالات مطروحه مجمع عمومی بر مجموع دلایل حقوقی ذکر شده توسط دیوان استوار است و هریک باید در پرتو سایر موارد و با لحاظ چارچوب‌بندی دیوان از محدوده مادی، سرزمینی و زمانی سؤالاتش قرائت شود (بندهای ۷۲ تا ۸۳).

206. resolution 32/161 (1977)

207. I.C.J. Reports 2004 (I), p. 200, para. 161.

۲۸۵. به این دلایل، دیوان

- (۱) با اتفاق آرا دریافت که صلاحیت ارائه نظر مشورتی درخواستی را دارد؛
- (۲) با اکثریت ۱۴ به ۱ تصمیم می‌گیرد که با درخواست نظر مشورتی موافقت نماید؛
موافقان: رئیس سلام، قضاات تومکا، آبراهام، یوسف، شوئه، بانداری، ایواساوا، نولته، چارلزورث، برنت، گومز روبلدو، کلیولند، آرسکو، تلادی؛^{۲۰۸}
مخالف: نائب رئیس سبوتینده^{۲۰۹}
- (۳) با اکثریت ۱۱ به ۴ معتقد است که ادامه حضور اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین غیرقانونی است؛
- موافقان: رئیس سلام، قضاات یوسف، شوئه، بانداری، ایواساوا، نولته، چارلزورث، برانت، گومز روبلدو، کلیولند، تلادی؛
- مخالفان: نائب رئیس سبوتینده، قضاات تومکا، آبراهام، آرسکو؛
- (۴) با اکثریت ۱۱ به ۴ معتقد است که دولت اسرائیل متعهد به پایان دادن به حضور غیرقانونی خود در سرزمین اشغالی فلسطین در اسرع وقت است؛
- موافقان: رئیس سلام، قضاات یوسف، شوئه، بانداری، ایواساوا، نولته، چارلزورث، برانت، گومز روبلدو، کلیولند، تلادی؛
- مخالفان: نائب رئیس سبوتینده، قضاات تومکا، آبراهام، آرسکو؛
- (۵) با اکثریت ۱۴ به ۱ معتقد است که دولت اسرائیل متعهد به توقف فوری تمامی فعالیت‌های شهرک‌سازی جدید، و خارج کردن تمامی شهرک‌نشینان از سرزمین اشغالی فلسطین است؛
- موافقان: رئیس سلام، قضاات تومکا، آبراهام، یوسف، شوئه، بانداری، ایواساوا، نولته، چارلزورث، برنت، گومز روبلدو، کلیولند، آرسکو، تلادی؛
- مخالف: نائب رئیس سبوتینده؛
- (۶) با اکثریت ۱۴ به ۱ معتقد است که دولت اسرائیل متعهد به جبران خسارات وارده به کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی متأثرشده در سرزمین اشغالی فلسطین است؛
- موافقان: رئیس سلام، قضاات تومکا، آبراهام، یوسف، شوئه، بانداری، ایواساوا، نولته، چارلزورث، برنت، گومز روبلدو، کلیولند، آرسکو، تلادی؛
- مخالف: نائب رئیس سبوتینده؛
- (۷) با اکثریت ۱۲ به ۳ معتقد است که تمامی دولت‌ها متعهدند وضعیت ناشی از حضور غیرقانونی

208. President Salam; Judges Tomka, Abraham, Yusuf, Xue, Bhandari, Iwasawa, Nolte, Charlesworth, Brant, Gómez Robledo, Cleveland, Aurescu, Tladi

209. Vice-President Sebutinde

دولت اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین را به‌عنوان وضعیتی قانونی به رسمیت نشناسند و متعهدند کمک یا مساعدتی در حفظ وضعیت ناشی از حضور مستمر دولت اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین ارائه نکنند،
 موافقان: رئیس سلام، قضاات تومکا، یوسف، شوئه، بانداری، ایواساوا، نولته، چارلزورث، برنت، گومز روبلدو، کلیولند، تلادی؛

مخالف: نائب رئیس سبوتینده، قضاات آبراهام، آرسکو؛

(۸) با اکثریت ۱۲ به ۳ معتقد است که سازمان‌های بین‌المللی، از جمله سازمان ملل متعهدند وضعیت ناشی از حضور غیرقانونی دولت اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین را به‌عنوان وضعیتی قانونی به رسمیت نشناسند؛

موافقان: رئیس سلام، قضاات تومکا، یوسف، شوئه، بانداری، ایواساوا، نولته، چارلزورث، برنت، گومز روبلدو، کلیولند، تلادی؛

مخالف: نائب رئیس سبوتینده، قضاات آبراهام، آرسکو؛

(۹) با اکثریت ۱۲ به ۳ معتقد است که سازمان ملل، و به‌ویژه مجمع عمومی که این نظر را درخواست کرد، و شورای امنیت باید شروط دقیق و سایر اقدامات لازم برای پایان‌بخشیدن هرچه سریع‌تر به حضور غیرقانونی دولت اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین را مدنظر قرار دهند.

موافقان: رئیس سلام، قضاات تومکا، یوسف، شوئه، بانداری، ایواساوا، نولته، چارلزورث، برنت، گومز روبلدو، کلیولند، تلادی؛

مخالف: نائب رئیس سبوتینده، قضاات آبراهام، آرسکو.